تصویر ابو عبد الرحمن الكردي

کلیدهای آموزش کودکان و نوجوانان

۵۰ روش ساده برای علاقه مند کردن فرزند به مطالعه

نویسنده: کتی اِی. زاهلر
مترجم: سارا رئیسی



شما به خوبی می دانید که عشق به مطالعه می تواند دروازهٔ دنیایی از یادگیری، فرهنگ و اندیشه را به روی فرزندتان بگشاید. در این کتاب ۵۰ فعالیت ساده و لذت بخش ارائه شده است که به بچه ها کمک می کند برای همیشه به مطالعه علاقه مند شوند. هر فعالیت دستورالعمل ساده‌ای دارد و نشان می دهد که چگونه فرزندتان را برای مطالعه و دانستن بیشتر تشویق کنید.



به نام خدا

کلیدهای آموزش کودکان و نوجوانان

۵۰ روش ساده

برای علاقه‌مند کردن فرزند به

مطالعه

کتی اِی. زاهلر

مترجم: سارا رئیسی طوسی

سرشناسه : زاهلر، کتی Zahler, Kathy
عنوان و پدیدآور: ۵۰ (پنجاه) روش ساده برای علاقه‌مند کردن فرزند به مطالعه
کتی ای.زاهلر؛ مترجم سارا رئیسی‌طوسی
مشخصات نشر : تهران: صابرین، کتابهای دانه ۱۳۸۱.
مشخصات ظاهری : ۱۵۲ ص.مصور، جدول
فروست : (کلیدهای آموزش کودکان و نوجوانان)
شابک : ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۶۱۸۱ - ۴۳ - ۴
یادداشت : چاپ هشتم ؛ ۱۳۸۹؛ فیپا
یادداشت : عنوان اصلی: 50 simple things you can do to raise a child who loves reading
موضوع : کودکان -- کتاب و مواد خواندنی
موضوع : خواندن -- علاقه
شناسه افزوده : رئیسی‌طوسی، سارا، ۱۳۵۰ -، مترجم
رده بندی کنگره : Z ۱۰۳۷/آ۱ز۲ ۱۳۸۱
رده بندی دیویی : ۵/۰۲۸
شماره کتابخانه ملی : ۸۱-۱۲۲۷۷ م

کتابهای دانه
مؤسسه انتشارات صابرین ۸۸۹۶۸۸۹۰

۵۰ روش ساده برای علاقه‌مند کردن فرزند به مطالعه
کتی ای.زاهلر

مترجم	سارا رئیسی‌طوسی
ویراستار	مهناز سلیمانی
طرح جلد	کاظم طلایی
تعداد	۳۰۰۰
چاپ هشتم	۱۳۸۹
حروفچینی و صفحه‌آرایی	هما (امید سیدکاظمی)
لیتوگرافی	سیب
چاپ جلد	اکسیر
چاپ متن و صحافی	پژمان

شابک : ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۶۱۸۱ - ۴۳ - ۴
ISBN: 978 – 964 – 6181 – 43 – 4

حقوق ناشر محفوظ است.

قیمت **۲۷۰۰** تومان

فهرست مطالب

سخن ناشر

امروزه در جامعه‌ی ما والدین نقش ویژه‌ای در آموزش فرزندان خود به‌عهده گرفته‌اند. این امر از یک‌سو به‌احساس مسئولیت و نگرانی آنها نسبت به‌آینده‌ی عزیزانشان مربوط می‌شود، و از سوی دیگر ناشی از سهمی است که نظام آموزشی کشور و مدارس به‌عهده‌ی آنها گذاشته‌اند.

به‌هرحال، اغلب پدران و مادران در برابر این مسئولیت خطیر از اطلاعات و دانش کافی برخوردار نیستند و مشتاق‌اند که بدانند چه باید بکنند.

مجموعه «کلیدهای آموزش کودکان و نوجوانان» که یک جلد از آن‌را در دست دارید، هدفش ارائه‌ی راهکارهای عملی و شیوه‌های مؤثری است که می‌تواند به‌والدین کمک کند تا فرزندانشان را در راه رشد علمی و آموزشی یاری کنند.

در ترجمه‌ی کتاب‌های این مجموعه و در موارد محدودی، مثال‌ها و جایگزین‌هایی که برای خواننده‌ی ایرانی آشناتر و قابل استفاده‌تر باشد، به‌کار گرفته شده است.

نشر صابرین

مقدمه

سخنی با والدین

فکر می‌کنم که یکی از آدم‌های خوش‌اقبال بودم. خانه‌ای که در آن بزرگ شدم پر از کتاب بود و والدینم هر دو به مطالعه عشق می‌ورزیدند. خواندن را خیلی زود آموختم و پس از آن همیشه می‌خواندم. هنوز هم تفریح مورد علاقه‌ام خواندن است.

دختر کوچکی دارم که به کتاب‌های تصویری علاقه‌مند است. در بغل من می‌نشیند و صفحه‌های کتاب خود را ورق می‌زند، گاهی نیز روی صفحه‌ها خم می‌شود و ادای خواندن را درمی‌آورد. مطمئنم او نیز در آینده خوب می‌تواند بخواند، اما این اطمینان را از کجا می‌توان به دست آورد؟

توانایی خواندن فرزند خود را نمی‌توانم با قطعیت پیش‌بینی کنم اما بهترین کاری که می‌توانم انجام بدهم این است که راه او را هموار کنم تا بتواند به ادبیات و به کتاب علاقه‌مند شود. از همان ابزاری استفاده می‌کنم که در این کتاب پیشنهاد کرده‌ام: با هم خواندن، به کتابخانه رفتن، قصه تعریف کردن و فراهم آوردن محیطی مناسب برای مطالعه در خانه.

این‌که دخترم در امتحانات استاندارد نمره خوبی کسب کند یا از نظر سطح توانایی خواندن جزو بهترین بچه‌های کلاس باشد، برای من کافی نیست. می‌خواهم به خواندن عشق بورزد، در داستان‌ها گم شود و در پایان هر داستان، در حالی آن‌را کنار بگذارد که تحت تأثیر آن قرار گرفته و تغییر کرده است. اما هر پدر و مادری می‌داند که انتقال علایق خود به فرزندان کار ساده‌ای نیست. دخترم از هم‌اکنون نیز از خود اراده دارد. آیا او نیز به همان کتاب‌هایی علاقه خواهد داشت که من داشتم؟ احتمالاً نه. آیا می‌توانم با این موضوع کنار بیایم؟ امیدوارم.

فعالیت‌ها و پیشنهادهای این کتاب به چهار بخش تقسیم می‌شود. بخش اول «مطالعه را با هم تجربه کنید» است. کارشناسان مطالعه با این مسئله موافق‌اند که مطالعه‌ی والدین برای موفقیت بچه‌ها در خواندن ضروری است. اما همه بر سر این موضوع توافق ندارند. همانطور که خواهید دید، خواندن را می‌توان به روش‌های مختلف در زندگی روزمرّه به‌کار برد و لازم نیست که حتماً مانند یک درس رسمی به آن پرداخت.

بخش دوم، «مطالب خواندنی را در دسترس قرار دهید»، ممکن است غیرمعقول به‌نظر برسد اما من خانه‌هایی را دیده‌ام که افراد آن کاملاً هوشمند بوده‌اند اما تنها مطلب خواندنی که در آنجا یافت می‌شد یکی دو تا کتاب آشپزی، یک مجله الکترونیک یا نوشته‌های پشت جعبه کیک آماده بوده است. درست کردن یک کتابخانه در منزل نه مشکل و نه پرهزینه است. روش آن‌را به شما خواهم گفت.

دو بخش آخر به رفتارهای فرزندتان و به‌برخورد خودتان مربوط می‌شود. در «رفتار بچه‌ها را اصلاح کنید» چند روش استاندارد برای خواندن نقّادانه ارائه داده‌ام که به‌راحتی می‌توانید در خانه به‌کار گیرید. در «رفتار خود را اصلاح کنید» نشان داده‌ام که چگونه می‌توانید با تغییر فکر و رفتار خود توانایی‌های فرزندتان را افزایش دهید. نمی‌گویم خودتان را از پایه عوض کنید: تغییرات ساده‌ی شما وضعیت فرزندتان را بهبود خواهد بخشید.

این کتاب از آن کتاب‌هایی نیست که از صفحه اول تا آخر بخوانید و دوباره در قفسه بگذارید، بلکه مجموعه‌ای است از پیشنهادها که می‌توانید هنگام نیاز از آن استفاده کنید. در ابتدای هر فصل یک حکایت آورده‌ام که ممکن است احساس آشنایی را در شما نیز زنده کند و بگویید: «آها! من هم چنین تجربه‌ای داشته‌ام!» دستورالعمل‌های زیادی نیز در کتاب آورده‌ام: چگونه برای تابستان برنامه مطالعه شخصی خود را تنظیم کنید، چگونه در خانه نمایش اجرا کنید، چگونه هنگام تعمیر خانه تمرین خواندن کنید، چگونه از روی تصاویر قصه بگویید و الی آخر. فهرست کتاب‌های سری، داستان‌هایی که کارتون یا فیلم آن ساخته شده است، کتاب‌های مربوط به مناسبت‌های ملی و مذهبی، نوارهای قصه و مجله‌های کودکان را نیز

آورده‌ام. این فهرست‌ها به شما کمک می‌کند کتابخانه منزل خود را تأسیس یا به آن چیزهایی اضافه کنید.

وقتی کتابی را تمام می‌کنم که از آن لذت برده‌ام، در بسیاری از اوقات دنبال کتاب‌های دیگری درباره همان موضوع یا از همان نویسنده می‌گردم یا درباره موضوعی که قبلاً برایم ناشناخته بود با دوستان یا خانواده بحث می‌کنم و آنچه را خوانده و آموخته‌ام در زندگی خود به کار می‌گیرم. اگر این کتاب را انتخاب کرده‌اید نشان می‌دهد که دوست دارید فرزندتان به خواندن علاقه‌مند باشد. اما این نقطه آغاز راه است. امیدوارم پیشنهادهایم به شما کمک کند تا افکار خود را نیز پرورش دهید و امیدوارم به این نتیجه برسید که در تلاش خود برای پرورش فرزندی که به خواندن علاقه‌مند است، از منابع دیگر نیز کمک بگیرید.

کتی ای. زاهلر

بخش ۱

مطالعه را با هم تجربه کنید

۱.
بگذارید فرزندتان ببیند که شما می‌خوانید

> ⚠ وقتی براندُن برای اولین‌بار به خانه‌ی جَک رفت، بیش از هر چیز مجذوب جعبه‌ی حیوانات او شد. درون جعبه حیوانات یک لاک‌پشت کله‌سرخ و یک قورباغه بود که از برکه گرفته بود. کارت‌های بازی جک نیز برای براندُن جالب بود اما موضوع دیگری نیز توجه براندُن را جلب کرد: مادر جک به بچه‌ها خوش‌آمد گفته بود، برای آنها نوشابه ریخته بود و برگشته بود سراغ کتابی که مشغول خواندنش بود.
>
> براندُن پرسید: «مادرت چه‌کار می‌کند؟»
>
> جک سرش را بالا کرد و گفت: «لابد دارد کتاب می‌خواند.»
>
> براندُن مکث کرد و بالاخره پرسید: «مگر با این سن و سالش به مدرسه می‌رود؟»

اولین نشانه موفقیت بچه‌ها در مدرسه، مطالعه در خانه است. برای این‌که بچه‌ها در خانه مطالعه کنند باید یک الگوی رفتاری داشته باشند که در خانه مطالعه می‌کند. اگر والدین کتاب بخوانند، احتمالاً فرزندانشان نیز اهل خواندن می‌شوند. اگر والدین اهل مطالعه نباشند، احتمالاً فرزندانشان نیز اهل مطالعه نخواهند شد ــ به‌نظر این بچه‌ها خواندن فعالیتی است که صرفاً به مدرسه مربوط می‌شود.

پس خیلی ساده است: اگر می‌خواهید فرزندتان در مدرسه موفق باشد و اگر می‌خواهید به‌مطالعه عشق بورزد، اگر می‌خواهید فرزندتان را کتاب‌خوان بار بیاورید، خودتان باید مطالعه کنید.

اگر روزنامه صبح را هنگام صرف صبحانه تورق می‌کنید خوب است اما به‌هیچ‌وجه کافی نیست. آنچه فرزندتان نیاز دارد این است که ببیند به‌طور مرتّب برای خواندن کتاب وقت زیادی می‌گذارید.

اگر اهل مطالعه نیستید مقداری کار می‌برد:

- باید ببینید که به‌خواندن چه مطالبی علاقه دارید.
- باید در خانه کتاب داشته باشید. (به‌روش‌های ۱۶ و ۲۵ مراجعه کنید.)
- باید تلویزیون را خاموش کنید. (به‌روش ۴۶ مراجعه کنید.)
- باید کاری در نظر بگیرید که فرزندانتان در زمان مطالعه شما به‌آن بپردازند. (چطور است به‌آنها هم کتاب بدهید؟)

هر چقدر هم که کتاب خواندن برنامه زمانی شما را تحت فشار قرار دهد و از وقت شما برای انجام کارهای دیگر بکاهد، نتیجه آن در طولانی‌مدت باارزش است. اگر خودتان از مطالعه کردن لذت نمی‌برید، چطور می‌توانید انتظار داشته باشید فرزندتان لذت ببرد؟ اگر فکر می‌کنید فرزندتان باید صِرف این‌که بچه است کاری را انجام بدهد که خود شما انجام نمی‌دهید، کارتان از روی دورویی است. اگر وقت بگذارید و کتاب بخوانید به‌طور غیرمستقیم به‌فرزندتان می‌گویید که خواندن مهم است. اما اگر برایش سخنرانی کنید و او را پند و اندرز دهید و برایش موعظه کنید، هرگز نمی‌توانید این پیام را به‌او منتقل کنید.

۲.
اطلاعاتی را که از مطالعه به دست می‌آورید، تقسیم کنید

⚠ هر وقت که جرامایا از فرزندش می‌پرسید: «امروز در مدرسه چه آموختی» تنها جوابی که می‌شنید این بود: «چیز خاصی یاد نگرفتم.»
این‌بار تصمیم گرفت که سر میز شام سر صحبت را جور دیگری باز کند و گفت: «امروز در روزنامه خواندم که افرادی که کلسترول طبیعی دارند می‌توانند بدون این‌که با مشکلی روبه‌رو شوند روزانه دو تا تخم‌مرغ بخورند.»
همه بلافاصله شروع به صحبت کردند. پسر نوجوانش به تندی گفت: «هرچه راجع به‌کلسترول می‌گویند چرت است.»
همسرش با تعجب گفت: «اصلاً این‌طور نیست کلسترول خونِ عمویت بالاست و به همین دلیل در معرض خطر بیماری قلبی است.»
دخترش گفت: «بله، ولی اگر واقعاً راست می‌گویند چرا هرچند ماه یک‌بار، نظرشان عوض می‌شود؟ کتاب بهداشت ما پنج سال پیش چاپ شده و مطالبی که در آن نوشته‌اند با آنچه امروز می‌گویند کاملاً تفاوت دارد.»
پسر جرامایا از جایش بلند شد و گفت: «آگهی این مجله را نگاه کنید. تبلیغ تخم‌مرغ است که می‌گوید حالا دیگر همه می‌توانند تخم‌مرغ بخورند. می‌بینید، هنوز نتیجه‌ی تحقیقات منتشر نشده است که تبلیغ در مجله چاپ می‌شود! فکر نمی‌کنید مسئله کمی مشکوک است؟»
جرامایا به پشتی صندلی خود تکیه داد. او از واکنش خانواده نسبت به سخنی که بدون قصد و غرض به‌زبان آورده بود، جا خورده بود.

شما از مطالبی که می‌خوانید، روزانه چیزهایی می‌آموزید. پس چرا آن‌را با خانواده خود در میان نگذارید؟ خبر کوتاه یک روزنامه، شایعه‌ای که در خبرنامه شرکتتان چاپ شده یا آماری که در گزارش سالانه چاپ می‌شود می‌تواند جرقه یک بحث یا گفت‌وگو را بزند.

بعضی از بچه‌ها بیشتر به‌هدف سرگرمی کتاب می‌خوانند و گاهی از این‌که می‌توان با هدف کسب اطلاعات نیز مطالعه کرد، بی‌خبرند. گرچه از کتاب‌های درسی خود در مدرسه اطلاعاتی به‌دست می‌آورند اما اگر آنها را به‌حال خود بگذاریم مطالب علمی را انتخاب نمی‌کنند. اما بزرگسالان بیشتر به‌هدف کسب اطلاعات مطالعه می‌کنند ــ نه به‌این دلیل که دوست دارند، بلکه چون این مطالب بخش عمده‌ای از کار روزانه‌ی آنها را تشکیل می‌دهد.

اگر اطلاعاتی را که از مطالعه خود به‌دست می‌آورید با فرزندانتان در میان بگذارید، می‌توانید آنها را برای خواندن به‌قصد کسب اطلاعات آماده کنید. با این کار به‌بچه‌ها می‌فهمانید که به‌آنچه می‌خوانید علاقه دارید و دوست دارید آنها نیز به‌آن علاقه‌مند شوند. وقتی بچه‌ها می‌بینند که چگونه از اطلاعاتی که به‌دست آورده‌اید استفاده می‌کنید، دیگر کمتر از خواندن به‌قصد کسب اطلاعات خواهند ترسید.

حتی می‌توانید فرزندانتان را تشویق کنید اطلاعاتی را که از خواندن به‌دست می‌آورند با شما در میان بگذارند. اگر بپرسید: «در کتاب علوم شما درباره کلسترول چه چیزی نوشته‌اند؟» جالب‌تر از آن است که بپرسید: «امروز در مدرسه چه چیزی یاد گرفتی؟»

⚠ حتی یک هفته بعد از صحبت کلسترول در خانواده جرامایا سر میز شام، بحث هم‌چنان داغ بود. دختر جرامایا یک بخش از کتاب بهداشت خود را برای همه خوانده بود و همسر او نیز جزوه‌ای را از مطب دکتر به‌خانه آورده بود. پسرش با خواندن جزوه متقاعد شده بود که کلسترول می‌تواند مسئله‌آفرین باشد اما هم‌چنان اعتقاد داشت که کَلَکی در کار صنایع تولید تخم‌مرغ هست. از طرفی جرامایا نیز از این‌که دیگر مجبور نیست عبارات کلیشه‌ای از بچه‌ها بپرسد، تا آنها نیز از سر بی‌حوصلگی جواب بدهند، سرشار از شادی بود چون خانواده‌اش واقعاً با هم ارتباط کلامی برقرار کرده بودند.

۳.
با صدای بلند بخوانید

⚠ «لوک» که تازه خواندن یاد گرفته بود، هنگام خواندن کتابِ داستان خود، سر این جمله گیر کرد: «آن‌را به من بده، داداش روباه.» او همه کلمات را می‌توانست بخواند اما معنی جمله را نمی‌فهمید. فکر می‌کرد شاید جمله باید این‌طور نوشته می‌شد: «آن‌را به داداشِ من بده، روباه.» یا «آن‌را به داداش روباهِ من بده» لوک هنوز علائم نقطه‌گذاری را خوب نمی‌فهمید و کلمات را تک‌تک و با لحن یکسان می‌خواند و به همین دلیل نمی‌توانست معنی این جمله خاص را بفهمد. لوک بعدها از پدرش خواست که داستان را با صدای بلند بخواند. پدرش قصه را با لحن مناسب خواند تا به جمله اسرارآمیز رسید و سپس قصه را تمام کرد. لوک تک‌تک کلمات داستان را فهمید.

درک مطلب بچه‌ها هنگام خواندن، به طور طبیعی از توانایی آنها هنگام برقراری ارتباط کلامی کمتر است. بچه‌ها هنگامی که مدرسه را شروع می‌کنند صدها کلمه را می‌فهمند اما فقط چند کلمه را می‌توانند بخوانند یا بخش کنند. این اختلاف زمانی از بین می‌رود که بچه‌ها در خواندن مهارت به دست بیاورند و کلماتی را که قبلاً به صورت شفاهی استفاده می‌کردند، به طور مرتب به صورت نوشتاری ببینند.

علاوه بر آن سطح توانایی بچه‌ها در خواندن، از سطح علایق آنها نیز پایین‌تر است. بچه‌های کلاس اول قادر به درک مطالبی بسیار پیچیده‌تر از «بابا آب داد» هستند. اما چون هنگام خواندن مهارت کافی برای درک مطلب نوشتاری پیچیده ندارند، دچار محدودیت می‌شوند.

یکی از مهم‌ترین کارهایی که می‌توانید در طول عمرتان برای بچه‌ها انجام بدهید این است که با صدای بلند برایشان کتاب بخوانید. این کار را می‌توانید کمی بعد از تولد آنها شروع کنید و تا پیش‌دبستانی و سال‌ها بعد نیز ادامه بدهید. هنگامی که با صدای بلند برای بچه‌ها کتاب می‌خوانید، فرصت خوبی پیدا می‌کنید که نوشته‌ها را با هم تجربه کنید. با این کار فرزندانتان به زبان توجّه می‌کنند و مهارت‌های ضروری درک مطلب آنها که در مدرسه و در سال‌های بعد به‌آن نیاز دارند، پرورش می‌یابد.

برای موفقیت تحصیلی بچه‌ها، درک مطلب، پرورش دایره‌ی لغات و قدرت تشخیص لغات آنها با میزانی که والدین با صدای بلند برایشان کتاب می‌خوانند رابطه‌ی مستقیم دارد. مهم‌تر از آن این‌که وقتی با صدای بلند کتاب می‌خوانید به‌بچه‌ها می‌فهمانید که برای کتاب ارزش و اهمیت قائلید و کتاب خواندن بخش مهمی از تعاملات خانوادگی شما را تشکیل می‌دهد.

چگونه با صدای بلند بخوانید

- **با حالت و لحن مناسب بخوانید.** برای هر یک از شخصیّت‌ها از یک صدای خاص استفاده کنید. از علائم نقطه‌گذاری کمک بگیرید تا لحن خواندنتان را عوض کنید یا برای افزایش تأثیر خواندنتان مکث کنید.
- **با علاقه بخوانید و با متن درگیر شوید.** اگر به‌طرح داستان یا مشکلات شخصیت‌های آن علاقه‌مند شده‌اید به‌زبان بیاورید تا فرزندانتان بدانند. اگر اتفاقات هیجان‌انگیز است با لحنی هیجان‌زده بخوانید، اگر ترسناک است با لحنی بخوانید که نشانه ترس است.
- **از سؤال‌های جدی و هوشمندانه استفاده کنید.** قبل از این‌که ورق بزنید،

از بچه‌ها بپرسید که به‌نظرشان چه اتفاقی خواهد افتاد. از آنها بخواهید نام شخصیت‌هایی را که در تصاویر دیده می‌شوند، بگویند. (برای مطالب بیشتر درباره خواندنِ جدی و هوشمندانه مراجعه کنید به‌روش ۳۴.)

- **تماس چشمی برقرار کنید.** شما بازیگر هستید و فرزندتان تماشاچی. سرتان را بالا بیاورید و به‌حالت چهره فرزندتان توجه کنید. همراه او بخندید و برای اظهار نظر درباره روند داستان مکث کنید.

اگر درباره مهارت یا صدایتان هنگام خواندن، درباره توانایی‌تان برای انتخابِ کتاب یا میزان وقتی که می‌توانید برای این کار بگذارید نگرانی دارد، آن‌را برطرف کنید. خواندن با صدای بلند مهم‌تر از این است که بتوانید از آن چشم‌پوشی کنید و هیچ‌وقت برای شروع این کار دیر نیست.

۴.
روزنامه را خانوادگی بخوانید

> ⚠ پدرم همیشه اصرار دارد که قسمت طنزهای کاریکاتوری روزنامه باعث شد تا ما خواندن یاد بگیریم. وقتی ما سه خواهر و برادر خیلی کوچک بودیم، او این قسمت‌ها را برایمان می‌خواند و وقتی من به‌کلاس اول رسیدم، پدرم بهانه می‌آورد که وقت ندارد و پیشنهاد می‌کرد خودمان بخوانیم. انگیزه‌ی خواندن در درون ما تقویت شد: ما واقعاً دلمان می‌خواست بدانیم که در این تصاویر خوش آب و رنگ چه می‌گذرد. پس از مدتی من می‌توانستم برای خواهر و برادر کوچک‌ترم بخوانم و بالاخره نیز هر سه می‌توانستیم بر سر این صفحات با هم بجنگیم و آنها را جدا از هم بخوانیم.

اگر فرصت کمی دارید که با فرزندانتان و برای آنها بخوانید، روزنامه می‌تواند منجی شما باشد. سطح بیشتر روزنامه‌ها طوری است که بچه‌های بین کلاس سوم دبستان و اول راهنمایی می‌توانند آنها را بفهمند، و بیشتر روزنامه‌ها شامل سبک‌ها و انواع ادبی گوناگونی است. پس هر یک از اعضای خانواده می‌تواند مطلبی را که باب طبع خود باشد در آنها پیدا کند.

روزنامه‌هایی که صفحات ویژه‌ی کودکان و نوجوانان یا ویژه‌نامه کودکان و نوجوانان چاپ می‌کنند از همه بهتر است چون مطالب آن هم مناسب فرزندان دبستانی شماست و هم مناسب فرزند نوجوانتان. پس وقتی از راه می‌رسید همین‌طور روزنامه را نیندازید و بروید. هدف شما

مشارکت خانوادگی است پس بگذارید فرزندانتان شما را در حال روزنامه خواندن ببینند.

اگر می‌توانید یک قدم جلوتر نیز بروید و برخی از مطالبی را که خواندید با آنها در میان بگذارید. از فرزند ده‌ـدوازده‌ساله‌تان بپرسید درباره‌ی فیلم‌های جدید چه چیزی خوانده است و از فرزند نوجوانتان بخواهید مهم‌ترین اخبار ورزشی را برایتان بازگو کند. از فرزند دبستانی خود بپرسید کدام‌یک از مطالب طنز روزنامه از همه خنده‌دارتر بود. خودتان نیز می‌توانید به نامه‌های جالبی که خوانندگان نوشته‌اند، یا به هر مطلب جالب دیگری اشاره کنید. ضرورتی ندارد که هنگام مطالعه سکوت را رعایت کنید و خواندن روزنامه می‌تواند فعالیت پرسر و صدایی باشد. هنگامی که به صورت فردی می‌خوانید، با صدای بلند نیز اظهار نظر کنید و بدین ترتیب فرزندان خود را تشویق کنید که به صورت جدی بخوانند (مراجعه کنید به روش ۳۴)، این مهارت به آنها کمک می‌کند که آنچه را می‌خوانند به خاطر بسپارند و آن‌را خوب درک کنند.

۵.
تشویق کنید که نسل‌های مختلف با هم بخوانند (خواندن بین‌نسلی)

⚠ استفان در یک خانواده‌ی گسترده در بروکلین بزرگ شد. پدربزرگ‌هایش چند ایستگاه دورتر و خاله‌ها، عمه‌ها، دایی‌ها و عموهایش همه در فاصله چند کوچه از آنها زندگی می‌کردند. خانه آنها پرسر و صدا و پررفت و آمد بود و همیشه پر بود از بچه‌ها، بزرگ‌ترها و از بوی غذای ایتالیایی که روی اجاق می‌پخت. استفان و خاله‌زاده‌ها و عمه‌زاده‌ها و دایی‌زاده‌ها و عموزاده‌هایش همه خاطره شیرین مهمانی‌های دوره‌ای بزرگ را که به‌صورت منظم در خانه اعضای فامیل برگزار می‌شد، به یاد می‌آورند.

همیشه بعد از شام بچه‌ها را که خسته بودند و از نا رفته بودند به یکی از اتاق‌ها می‌فرستادند و آنها را به صورت ردیفی روی یک تخت بزرگ یا روی تشک‌هایی روی زمین می‌خواباندند. وقتی همه بچه‌ها دراز می‌کشیدند، فرد مورد علاقه‌شان می‌آمد و قصه قبل از خواب را برایشان می‌خواند. بیشتر اوقات خاله کارولین می‌آمد و با لباس‌های مد روز و عطر لطیفش کنار تخت می‌نشست و با لحن پرهیجان خود برای هر یک از شخصیت‌های داستان یک‌جور حرف می‌زد و بچه‌ها را با اظهار نظرهای خود درباره طرح داستان می‌خنداند. البته محبوب‌ترین قصه‌گو پدربزرگ بود که بعد از ۴۰ سال زندگی در بروکلین هنوز لهجه غلیظ ایتالیایی خود را حفظ کرده بود. آشناترین قصه، با لهجه پدربزرگ بیگانه و جدید به نظر می‌رسید. پدربزرگ کتاب را از صفحه اول می‌گشود و صفحه عنوان را با همان علاقه و حیرت می‌خواند که خود قصه را.

بین ساختار خانوادگی و موفقیّت کودک در خواندن و زبان، روابط دوجانبه‌ای وجود دارد که یکی از مهم‌ترین آنها در حیطه‌ی تعامل با

بزرگسالان است. بچه‌هایی که به خانواده‌های گسترده تعلق دارند و به‌طور مرتب به دیدن اعضای بزرگ‌تر فامیل می‌روند و با بزرگسالان به گردش و مسافرت می‌روند و به انجام فعالیت‌های مختلف می‌پردازند، نسبت به بچه‌هایی که دست‌رسی کمتری به افراد بزرگسال دارند، در خواندن پیشرفته‌ترند.

این خبر برای والدین ناامید و خسته خبر خوبی است: توانایی‌های زبانی فرزندانتان و توانایی آنها در خواندن تنها به شما بستگی ندارد. اگر می‌خواهید بچه‌هایی بار بیاورید که هم عاشق خواندن و هم خواننده‌های موفقی باشند، ایجاد ارتباط بین آنها و بزرگسالان دیگر می‌تواند کمی از بار را از دوش شما بردارد.

اگر والدینتان مهمان شما هستند، از آنها بخواهید در آیین قصه‌خوانی شبانه شرکت کنند. اغلب پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها دوست دارند که بدین ترتیب مرکز توجه قرار بگیرند. گهگاهی از والدین یا از همسایه‌های مسن‌ترتان بخواهید هنگامی که از خانه بیرون می‌روید از فرزندانتان مراقبت کنند، مطالب خواندنی نیز در اختیارشان قرار دهید تا با بچه‌ها بخوانند.

اگر بچه‌ها عادت کرده باشند که فقط والدین خودشان برایشان کتاب بخوانند، ابتدا باید آنها را آماده کرد تا بتوانند از سبک کتاب‌خوانی بزرگسالان دیگر لذت ببرند. به بچه‌ها بگویید که خوانندگان مختلف یک ترانه‌ی واحد را به صورت‌های متفاوت می‌خوانند و هنرپیشه‌های مختلف یک نقش واحد را به صورت‌های متفاوت اجرا می‌کنند. اگر کسی می‌خواهد برای اولین‌بار برای فرزندانتان قصه بخواند، بهتر است کتاب جدیدی را در اختیار او قرار دهید، تا این‌که کتابی را بخواند که مورد علاقه بچه‌هاست و داستان آن‌را از بر می‌دانند.

⚠ استفان اکنون پدر دو فرزند است و فامیل‌هایش در سراسر کشور پخش شده‌اند اما چون از قصه‌خوانی بینِ نسلی خاطره خوبی دارد سعی کرده است تجربه‌ی دوران کودکی خود را برای فرزندانش بازسازی کند. آنها خانم مسنّی را که در همسایگی‌شان زندگی می‌کند، به صورت منظم دعوت می‌کنند تا صبحانه را با آنها صرف کند و مجله‌های بچه‌ها را با آنها بخواند. همسر استفان، مارسیا، برای مراقبت از بچه‌ها از افرادی از هر سن و سال کمک می‌گیرد. استفان و مارسیا از این‌که بچه‌هایشان شب را در منزل دوستانشان بگذرانند یا دوستانشان شب را در منزل آنها بگذرانند استقبال می‌کنند و قصه‌خوانی را در برنامه چنین شب‌هایی می‌گنجانند.

وقتی پدر مارسیا به خانه آنها می‌آید، با بچه‌ها در طبیعت قدم می‌زند یا آنها را به باغ وحش می‌برد و وقتی بچه‌ها به خانه‌ی او می‌روند، او آنها را به دفتر کار خود می‌برد تا روز خود را با تعامل با بزرگسالانِ مشغولِ کار بگذرانند. گرچه بچه‌ها فقط ۵ و ۸ سال سن دارند، دایره‌ی لغات آنها و توانایی‌شان برای گفت‌وگو و تعامل با بزرگسالان به صورت واضحی پیش‌رفته است.

۶.
تشویق کنید که بچه‌های یک نسل با هم بخوانند (خواندن بین‌نسلی)

> ⚠ دختر ۱۴ ساله آندریا اخیراً به‌نقش پرستارِ بچه‌های خانواده ارتقا یافته است. نُرا ثابت کرده است که می‌تواند برادران دوقلوی خود را به‌خوبی غذا بدهد، به‌حمام ببرد و به‌موقع بخواباند. اما هنگامی که قصّه قبل از خواب را برای بچه‌ها می‌خواند، کارش واقعاً می‌درخشد. آندریا می‌گوید: «از اول باید از نُرا می‌خواستم قصه را بخواند. او واقعاً هنرپیشه است و کاری می‌کند که قصه‌ها زنده بشوند! الآن دوقلوها حتی وقتی من هم در خانه هستم می‌خواهند که قصه را نُرا بخواند. گرچه چندان احساس خوبی به‌من دست نمی‌دهد که بچه‌ها نُرا را به‌من ترجیح بدهند اما به‌هرحال وقت من شب‌ها آزاد می‌شود که عالی است. گاهی من هم پیش پسرها می‌نشینم و به‌قصه‌ای که نُرا می‌خواند گوش می‌دهم!»

قانونی وجود ندارد که بگوید فقط بزرگسالان باید برای بچه‌ها کتاب بخوانند، بچه‌های بزرگ‌تر می‌توانند از این فرصت استفاده کنند و هنرهای خود را به‌رخ خواهرها و برادرهای کوچک‌تر خود بکشند. این کار به‌نفع خواننده، شنونده و به‌نفع شماست.

خواندن با صدای بلند، باعث فصاحت می‌شود و دایره لغات بچه‌ها را بهبود می‌بخشد و به‌آنها می‌آموزد که چگونه با حالت و لحن مناسب بخوانند. جلب رضایت شنوندگان کم‌سن و سال کار ساده‌ای نیست و کسی که می‌خواهد قصه را با موفقیت بخواند و به‌جایِ هُو با هورای

شنوندگان مواجه شود، باید با احساس، با صدایی واضح و با لحن مناسب بخواند. اگر به طور موقت این نقش خود را به فرزند بزرگ‌ترتان محوّل کنید تجربه خوبی به دست می‌آورد و ممکن است انگیزه پیدا کند که این نقش را به خوبی اجرا کند.

هنگامی که روابط نسبتاً صلح‌آمیز است، بچه‌های کوچک‌تر از صرف وقت با خواهران و برادران بزرگ‌تر خود سود می‌برند. وقتی کوچک‌ترها می‌بینند که خواندن چقدر مهم است و می‌بینند که بزرگ‌ترها با موفقیت می‌خوانند، خود نیز برای خواندن انگیزه پیدا می‌کنند. اگر فرزند بزرگ‌تر خود را تشویق کنید کتاب‌های مورد علاقه خود را با صدای بلند بخواند بسیار مؤثر است. وقتی بچه‌ها برای بچه‌ها کتاب می‌خوانند، کمی بار از دوش شما برداشته می‌شود. شما همیشه فرصت ندارید که کارتان را کنار بگذارید و برای آنها کتاب بخوانید، شاید حتی فرصت نکنید مطالبی را که روی بسته‌بندی مواد غذایی نوشته شده است برای بچه‌ها بخوانید. اگر فرزند بزرگ‌ترتان سواد خواندن دارد، می‌تواند به شما کمک کند، دستور بازی‌ها را بخواند، معنی لغتی را در لغت‌نامه پیدا کند و قبل از خواب برای خواهر یا برادر کوچکش قصه بخواند.

۷.
با صدای بلند با همدیگر بخوانید

> ⚠ بِرنیس همیشه برای پسرش جِروم با صدای بلند کتاب می‌خواند و ساعت کتاب‌خوانی ساعت مورد علاقه هر دوی آنهاست. اکنون که جروم در کلاس دوم دبستان است برنیس متوجه چیز جدیدی شده است: هنگامی که مادرش کلمات را با صدای بلند می‌خواند، اغلب اوقات جروم نیز لب‌های خود را حرکت می‌دهد و بدون صدا می‌خواند. گاهی نیز روی صفحه خم می‌شود و به بخشی جلوتر از آنچه برنیس می‌خواند توجه می‌کند. برنیس گاهی مکث می‌کند و از جروم می‌پرسد که آیا علاقه دارد که خودش برای مادرش بخواند، اما جروم همیشه می‌گوید نه و از مادرش می‌خواهد که به خواندن ادامه دهد.

وقتی بچه‌ها یاد گرفتند که به تنهایی بخوانند، باز هم باید به کار خود ادامه بدهیم و برای آنها با صدای بلند کتاب بخوانیم. البته می‌توانیم روال کار را تغییر دهیم. اکنون دیگر می‌توانیم کار خواندن را با فرزندمان تقسیم کنیم. برای این کار روش‌های زیادی وجود دارد که برخی از آنها را توضیح می‌دهیم. اگر فرزندتان در برابر این کار مقاومت کرد، از آن یک بازی بسازید. خواندن شعرها به‌صورت مشترک به‌طور طبیعی از هر چیز دیگری راحت‌تر است اما انواع دیگر قطعات ادبی را نیز می‌توان به‌صورت مشترک خواند.

چگونه کار خواندن را تقسیم کنیم

نفری یک خط. شما خط اول را بخوانید، فرزندتان خط دوم، و الی آخر. روش دیگر این است که نفری یک صفحه بخوانید.

شما: یکی بود یکی نبود

کودک: زیر گنبد کبود

دیالوگ. شما روایت را بخوانید و فرزندتان دیالوگ را، یا هر یک از شما متن گفته‌های یکی از شخصیت‌ها را بخواند.

شما: بچه‌ها در را باز کنید، من مادرتونم. (آقا گرگه)

کودک: اگر تو راست می‌گی، دست‌هایت را نشان بده! (شنگول)

(قصه شنگول و منگول)

شما: لک‌لک به مرد گفت: مرا آزاد کن، من لک‌لکم، نه دُرنا.

کودک: من ترا با دُرناها گرفتم و همراه دُرناها هم می‌کشمت.

(مورچه و کبوتر[۱])

ترجیع‌بند (بند برگردان)

شما: که یکی هست و هیچ نیست جز او.

هر دو: وحده لا اله الا هو

(هاتف اصفهانی)

با همدیگر (هر دو با هم می‌خوانید.)

هر دو: دویدم و دویدم

سر کویی رسیدم

دوتا خاتونی دیدم...

وقتی با همدیگر با صدای بلند می‌خوانید به فرزندتان می‌گویید که

۱. مورچه و کبوتر، ترجمه‌ی مهران محبوبی، ۱۳۷۷، نشر مرکز، کتاب مریم.

خواندن با صدای بلند تنها کار شما نیست، بلکه کاری است که از آن لذت می‌برید و فرزندتان نیز می‌تواند از آن لذت ببرد. یکی از محاسن آن این است که همیشه نسبت به توانایی فرزندتان در خواندن، یعنی میزان روان بودن، درک مطلب و دایره لغات او آگاهی خواهید یافت. فایده دیگر آن این است که فرزندتان را برای خواندن برای هم‌نسل‌های خود آماده می‌کند (مراجعه کنید به روش ۶)، که اگر کودک خردسالی داشته باشید و وقتتان نیز کم باشد، کمک بزرگی است.

۸.

درباره مطالب مورد علاقه خود در خانواده صحبت کنید

> «تازگی‌ها چیز جالبی خوانده‌ای؟»
> «زمانی که من می‌خوانم درباره مردم زادگاه توست!»
> «در شماره‌ی این ماه مجله‌ی بهداشت مقاله‌ای هست که حتماً باید بخوانی»
> «تو تابه‌حال از قیصر امین‌پور چیزی خوانده‌ای؟ حتماً از او خوشَت می‌آید!»
> «به محض این‌که کتاب هفته را بخوانم آن‌را به تو قرض می‌دهم.»

بسیاری از بزرگسالانی که من می‌شناسم خیلی راحت کتاب‌ها و مقاله‌هایشان را با همدیگر عوض می‌کنند، انگار که یک پیمانه شکر یا مته برقی را می‌خواهند قرض بگیرند. با این کار می‌توانید نویسندگان جدید و انواع سبک‌های ادبی جدید را کشف کنید، علایق تازه‌ای پیدا کنید و در عین حال دوستانتان و سلیقه‌ی آنها را نیز بشناسید.

اما بسیاری از همین بزرگسالان که کتاب‌های خود را به‌دوستانشان قرض می‌دهند هرگز به‌این فکر نمی‌افتند که همین تبادل ساده را نیز در خانه آغاز کنند. اگر می‌خواهید فرزندان خود را با آنچه می‌خوانید آشنا کنید و خود نیز با آنچه فرزندانتان می‌خوانند آشنا شوید، بهترین روش این است که درباره مطالب مورد علاقه‌ی خود در خانواده صحبت کنید.

آیا مطلب جذّابی می‌خوانید؟ درباره‌اش صحبت کنید! اگر فرزندانتان

کوچک‌تر از آنند که بتوانند آن مطلب را بخوانند اشکالی ندارد. کافیست بفهمند که از آنچه می‌خوانید لذت می‌برید و به‌آن علاقه دارید و دوست دارید که علاقه‌ی خود را با آنها در میان بگذارید.

فرزندان بزرگ‌ترتان را نیز تشویق کنید که درباره‌ی آنچه می‌خوانند صحبت کنند و بگویند که چه جنبه‌ای از آن‌را دوست دارند (مراجعه کنید به روش ۳۸.) آیا علاقه دارند که قسمت کوتاهی از آن‌را برای شما با صدای بلند بخوانند؟ آیا از همان نویسنده مطلبی هست که به‌درد بچه‌های کوچک‌تر خانواده بخورد؟

به‌صورت خانوادگی به‌کتابخانه بروید و پس از بازگشت به‌خانه همیشه این آیین را اجرا کنید: کتاب‌ها را در یک قفسه‌ی مخصوص کتابخانه بگذارید. این کار دو فایده دارد: اول این‌که کتاب‌های کتابخانه کمتر گم می‌شوند و کمتر اتفاق می‌افتد که در بازگرداندن آنها تأخیر کنید و دوم این‌که همه اعضای خانواده می‌بینند که بقیه چه کتابی می‌خوانند. بچه‌ها به‌تدریج علایق خود را در زمینه‌های مختلف، از غذا و لباس گرفته تا مطالب خواندنی، پیدا می‌کنند. اگر بتوانند ببینند که افراد دیگر چگونه بر اساس ملاک‌های متفاوت انتخاب می‌کنند، خود نیز می‌توانند علایق خود را در زمینه کتاب‌خوانی گسترش دهند و به‌سلیقه‌ی ناب‌تری دست یابند.

۹.
صحنه‌های مورد علاقه خود را در خانواده اجرا کنید

⚠ سارا کتابش را بست و کناری گذاشت. او با لذت گفت: «پدر می‌دانی بهترین قسمت داستان شازده کوچولو[1] کجاست؟
پدرش در حالی که سرش را از روی روزنامه برمی‌داشت، گفت: «نه، کجاست؟»
«وقتی که بالاخره یک روز صبح، درست به هنگام دمیدن خورشید، خودنمایی کرده بود.
ــ آه من هنوز خواب‌آلوده‌ام... از شما عذر می‌خواهم... گیسوانم چقدر آشفته است...
آن‌وقت شازده کوچولو نتوانسته بود از تعجب و تحسین خودداری کند.
و پدرش همراه با سارا گفت: «تو چه زیبایی!»
ــ گل به‌نرمی گفته بود: «مگر نیستم؟! آخر من هم با خورشید در یک دم شکفته‌ام...»
در یک لحظه سارا شده بود گل و پدرش شازده کوچولو!

معلمینی که هنرهای زبانی را آموزش می‌دهند، فواید تئاتر را در این زمینه به‌خوبی درک می‌کنند. تئاتر بچه‌ها را در متن دیالوگ، شخصیت‌پردازی و طرح قرار می‌دهد و به‌آنها کمک می‌کند آنچه را که می‌خوانند بهتر درک کنند و به‌خاطر بسپارند. با این روش عالی نیز می‌توانید بچه‌هایی را که به‌خواندن تمایل ندارند، ترغیب کنید که مهارت‌های خود را بیازمایند.

---

۱. شازده کوچولو، ترجمه محمد قاضی، چاپ دوازدهم ۱۳۶۶.

همان‌طوری که در مثال قبل دیدید، لازم نیست صحنه‌ای را که می‌خواهید اجرا کنید، صحنه پیچیده‌ای باشد. می‌توانید صحنه را با تعریف داستان مورد علاقه فرزندتان بازسازی کنید. هنگامی که به‌صورت خانوادگی کتاب می‌خوانید، اگر پس از خواندن یک صحنه پرحادثه خواندن را قطع کنید و آن‌را اجرا کنید، لذت‌بخش است. از توانایی فرزندانتان برای اجرای صحنه به‌راحتی پی می‌برید که چه مقدار از آن‌را به‌خاطر سپرده‌اند و پیچیدگی‌های شخصیت‌ها و طرح را تا چه حد درک می‌کنند.

چگونه صحنه‌ها را در خانه اجرا کنیم

۱. صحنه‌ای ساده را که آغاز و پایانی مشخص دارد انتخاب کنید.
۲. نقش هر فرد را مشخص کنید یا اجازه بدهید بچه‌ها نقش دلخواه خود را انتخاب کنند.
۳. ابتدا صحنه‌ها را مغشوش و به‌هم‌ریخته یادآوری کنید و بعد آنها را به‌ترتیب وقوع مشخص کنید.
۴. صحنه را اجرا کنید و در صورت امکان از دیالوگ و حرکت نیز استفاده کنید.
۵. در آخر درباره آن بحث کنید: هر یک از شخصیّت‌ها چه احساسی دارد؟ علت رفتارهای آنها چه بوده؟ در آینده چه اتفاقی ممکن است رخ بدهد؟

هر چه تعداد فرزندانتان بیشتر باشد یا هر چه بچه‌های بیشتری را بتوانید به‌این کار مشغول کنید، تئاترتان پیشرفته‌تر می‌شود. در صورت تمایل می‌توانید همه بچه‌های محل را درگیر کار کنید. از آنها بخواهید

متن نمایش را بر اساس داستان‌های مورد علاقه خود بنویسند، لباس بازی خود را درست کنند، نقش‌های خود را تمرین کنند و نمایش را برای دوستان و والدین خود اجرا کنند. بعضی از بچه‌هایی که به هیچ‌وجه علاقه‌ای به خواندن نشان نمی‌دهند، کاملاً مایل هستند متن گفت‌وگوهای خود را حفظ کنند، آنها به خوبی از پس این کار برمی‌آیند و نقش خود را به صورت عالی در برابر تماشاچیان اجرا می‌کنند. نقش بازی کردن یکی از بهترین روش‌ها برای مشغول کردن بچه‌ها به خواندن است و به آنها انگیزه می‌دهد که خود نیز به تنهایی کتاب بخوانند.

۱۰.
خواندن کتاب‌های مورد علاقه‌ی خود را به فرزندانتان توصیه کنید

> ⚠ در انباری خانه پدر و مادرم یک جعبه پر از کتاب است که اغلب کتاب‌های آن‌را من و خواهرم خوانده‌ایم. امروزه بسیاری از آن کتاب‌ها به سختی پیدا می‌شوند اما آنها همه کتاب‌های مورد علاقه مادرم بودند و او آنها را برای ما نگه داشته بود. با دیدن علاقه‌ای که مادرمان نسبت به آن کتاب‌ها نشان می‌داد، توجه ما نیز به آنها جلب شد. برای ما باز کردن کتاب‌های قدیمی با جلد اعلای خاک‌آلود و صفحه‌آرایی و حروفچینی قدیمی‌شان، خیلی هیجان‌انگیز بود. قدیمی بودن کتاب‌ها باعث می‌شد فکر کنیم که مخصوص بزرگسالان و مهم هستند.

کتاب‌های مورد علاقه شما در دوران کودکی چه بود؟ آیا آنها را در اختیار فرزندتان قرار داده‌اید؟ اگر خواندن کتاب‌های مورد علاقه خود را به فرزندانتان توصیه کنید دو مطلب را به صورت ظریف و غیرمستقیم به آنها می‌فهمانید: اول این‌که خودتان به خواندن علاقه دارید و دوم این‌که فرزندانتان را آن‌قدر دوست دارید که می‌خواهید علاقه خود را با آنها نیز در میان بگذارید.

طبق تحقیقی که کارول چامسکی[1] در ۱۹۷۲ انجام داد، بین مراحل رشد زبانشناختی بچه‌ها و تعداد کتاب‌هایی که مادران آنها با خاطره خوب از دوران کودکی خود به یاد داشته و برای فرزندانشان خوانده‌اند،

1. Carol Chomsky

رابطه مهمی وجود دارد. وقتی مادران کتاب‌های گوناگون و مورد علاقه دوران کودکی خود را به یاد می‌آورند، بچه‌ها نیز به ارزش این کار نزد مادرانشان پی می‌برند و نسبت به‌بچه‌های دیگر برای کتاب خواندن ارزش بیشتری قائل می‌شوند.

پس به گذشته خود بیاندیشید، در صورت لزوم به کتابخانه سری بزنید تا خاطراتتان زنده شود. شاید ببینید که یکی از نویسندگان مورد علاقه دوران کودکی‌تان هنوز می‌نویسد و کتاب‌های جدید بسیاری وجود دارد که می‌توانید همراه با فرزندتان برای اولین‌بار بخوانید.

اگر فرزندتان مانند شما نیست و به کتاب یا نویسنده خاصّی شور و شوق نشان نمی‌دهد، ناامید نشوید. سلیقه‌های افراد با هم متفاوت است و برای این‌که کسی به کتاب‌های چارلز دیکنز یا سی. اس. لوئیس علاقه‌مند شود، شاید لازم باشد که سلیقه‌اش پرورش یابد. مهم تلاش است. همین‌که به طور غیرمستقیم به فرزندتان بفهمانید که شما نیز زمانی کودک بودید و توانایی‌ها و علائق‌تان نیز در حد یک کودک بود، باب‌های ارتباط و گفت‌وگو بین شما گشوده می‌شود.

۱۱.
برای خواندن دلیل‌های عملی بیاورید: خرید

⚠ ایوا که دختری ۱۳ ساله است، از دسته مجله‌هایی که خاله‌اش به‌او داده بود رو برگرداند و غُرغُرکنان گفت: «حوصله‌ام سر رفته!» خاله‌اش که کلافه شده بود پرسید: «خوب می‌خواهی چه‌کار کنی؟ باران می‌بارد و نمی‌توانیم ساحل برویم. تنها کاری که می‌توانیم بکنیم خواندن است!»

ایوا ناله‌کنان گفت: «من از خواندن متنفرم، اگر در خانه خودمان بودم به‌مرکز خرید می‌رفتم.»

ــ «مرکز خرید؟ باشد، نزدیک‌ترین مرکز خرید ۲۰ کیلومتر از اینجا فاصله دارد. به آنجا می‌رویم ولی باید برای خرید تابع قواعدی باشی که من تعیین می‌کنم.»

ایوا گفت: «قبول است!»

وقتی به‌مرکز خرید رسیدند، خاله ایوا از او خواست جای پارک را پیدا کند و موقعیت آن‌را به‌خاطر بسپارد و سپس راهنمای مرکز خرید را به‌ایوا نشان داد و گفت:

«سه‌تا از فروشگاه‌ها را انتخاب کن و راه رسیدن به‌هرکدام را نیز پیدا کن.»

ایوا دوتا از فروشگاه‌های زنجیره‌ای مورد علاقه خود و یک فروشگاه را که نام جالبی داشت انتخاب کرد. دست خاله‌اش را گرفت و او را کشان‌کشان در راهروهای مرکز خرید برد تا تابلوی اولین فروشگاه را دید.

خاله‌اش گفت: «خیلی خُب، حالا قسمتی را پیدا کن که لباس‌های اندازه تو را به‌نمایش گذاشته‌اند، می‌توانی سه‌تا از لباس‌ها را پُرُو کنی.»

ایوا به‌سرعت دستورهای خاله‌اش را اجرا کرد. یکی از لباس‌ها واقعاً افسانه‌ای بود اما خاله‌اش باز هم قواعدی داشت: «به‌مارک لباس دقت کن. آیا قابل شست‌وشو (در ماشین لباس‌شویی) است؟»

متأسفانه این‌طور نبود و ایوا آن‌را سر جایش گذاشت و همراه خاله‌اش به فروشگاه دوم رفت و قبل از این‌که به فروشگاه سوم بروند ایوا لباس‌های زیادی را پُرو کرده بود اما آنها را به علت قیمت، عدم قابلیت شست‌وشو یا جنس، کنار گذاشته بود. در آخرین فروشگاه همان‌چیزی را پیدا کرد که می‌خواست. به سمت ماشین حرکت کردند و ایوا از خاله خود تشکر کرد و گفت: «ببخشید اما من واقعاً نمی‌توانم وقت خود را با خواندن بگذرانم.»
خاله‌اش گفت: «منظورت چیست؟ از وقتی که برای خرید آمدیم تو قدم به قدم مشغول خواندن بوده‌ای!»

بچه‌ها به سختی می‌توانند بین خواندن و فعالیت‌های روزمره خود ارتباط برقرار کنند، به‌خصوص اگر خواندن را صرفاً فعالیتی درسی بدانند. حتی یک خرید ساده نیز به‌خواندن نیاز دارد و اگر دستورالعمل ساده زیر را به‌کار گیرید، فرزندتان متوجه آن خواهد شد.

چگونه هنگام خرید تمرینِ خواندن کنیم

- از فرزندانتان بخواهید اجناسی راکه می‌خواهید در راهنمای فروشگاه پیدا کنند و با خواندن علائمی که از سقف آویزان شده است محل مورد نظر را شناسایی کنند.
- از فرزندانتان بخواهید مارک‌های مختلف پودر رخت‌شویی، ماست، حبوبات و غیره را از نظر قیمت، محتویات و اندازه بسته‌بندی آن با هم مقایسه کنند. با همدیگر ببینید که کدام جنس برای خریدن بهتر است.
- علائم تجاری‌ای راکه فرزندتان می‌شناسد به‌او نشان بدهید و برای او توضیح بدهید که تولیدکنندگان از این علائم تجاری استفاده می‌کنند

تا مردم بتوانند محصولات آنها را در یک نگاه و بدون خواندن کلمات، پیدا کنند. حتی فرزند پیش‌دبستانی شما نیز می‌تواند محصولات مورد علاقه خود را با «خواندن» علامت تجاری آنها پیدا کند.

- از فرزندانتان بخواهید بر اساس ملاک‌هایی که برایشان ذکر می‌کنید، مارک مشخصی را برای یک محصول انتخاب کنند. مثلاً از آنها بخواهید بیسکوئیتی را انتخاب کنند که نسبت به سایر بیسکوئیت‌ها شکر کمتری در تهیه آن به‌کار رفته باشد یا نوشابه‌ای را پیدا کنند که بدون کافئین باشد.

هنگامی که اجناس خریداری‌شده را در منزل جابه‌جا می‌کنید با فرزندانتان صحبت کنید و بگویید که خواندن چگونه به شما کمک می‌کند تا بتوانید خوب خرید کنید و مواردی را که هنگام خرید از خواندن استفاده کردید برشمرید. مثلاً: برای پیدا کردن مغازه، انتخاب کالا، پیدا کردن بخش مورد نظر فروشگاه، انتخاب چک‌پول مناسب و الی آخر. از بچه‌ها بخواهید تعریف کنند که چه چیزهایی را هنگام خرید خواندند و از آنها بخواهید تصور کنند که اگر نمی‌توانستند خوب بخوانند، چگونه خرید برایشان سخت‌تر، گران‌تر و وقت‌گیرتر می‌شد.

۱۲.
برای خواندن دلیل‌های عملی بیاورید: آشپزی

⚠ مونا هنوز هم از خاطره روزهایی که در منزل مادربزرگش غذا می‌خوردند لذت می‌برد.

«من با کتاب آشپزی روی چهارپایه بلندی می‌نشستم و برادرم مایرون که در هیچ زمان دیگری حاضر نبود پیش‌بند ببندد، پیش‌بندی به تن می‌کرد. مادربزرگ مثل سرهنگی که سربازانش را تمرین می‌داد، داد می‌زد: بعد چی؟ بعد چی؟ و من صورت مواد لازم را می‌خواندم و مایرون و مادربزرگ این طرف و آن طرف می‌رفتند تا همه‌چیز را پیدا کنند و بچینند. بعد مادربزرگ می‌گفت: بعد چی؟ بعد چی؟ و من مراحل تهیه غذا را به‌ترتیب می‌خواندم و مایرون داد می‌زد: «نوشته نصف پیمانه یا یک‌چهارم پیمانه؟» همه‌چیز آشفته به نظر می‌رسید ولی واقعاً لذت‌بخش بود. من هنوز هم از خواندن کتاب‌های آشپزی لذت می‌برم، همه آنها یک ساختار قابل پیش‌بینی دارند. البته مایرون هم در ارتش آشپز شده است و هر وعده برای صدها نفر غذا می‌پزد.

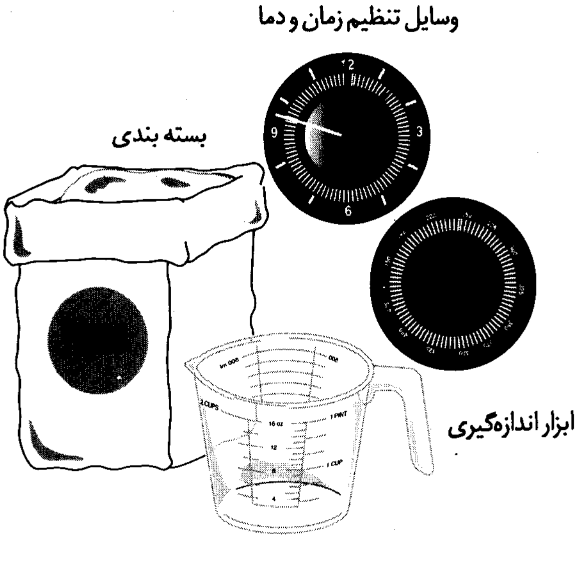
بسیاری از بچه‌ها هرگز به این فکر نمی‌افتند که «چرا باید خواند؟» اما بعضی از بچه‌ها نیاز دارند که رابطه بین خواندن و مسائل عملی را ببینند. فرزندتان از دیدن این‌که هنگام آشپزی از مهارت خواندن خود استفاده می‌کنید، سود می‌برد. حتی اگر بر اساس غریزه‌ی خود آشپزی می‌کنید و هرگز کتاب آشپزی باز نمی‌کنید، باز هم هنگام آشپزی می‌خوانید و فرزندتان می‌تواند در این کار به شما کمک کند.

چگونه هنگام پختن غذا تمرینِ خواندن کنیم

۱. اگر از کتاب آشپزی استفاده می‌کنید، از یکی از فرزندانتان بخواهید صورت مواد لازم را بخواند و از دیگری بخواهید جای هـر یک از مواد را در قفسه‌ها پیدا کند.

۲. از یکی از فرزندانتان بخواهید مراحل تهیه غذا را یکی‌یکی بخواند. این مراحل را در صورت امکان با کمک فرزندتان انجام دهید.

۳. هنگام کار به هر چیزی که می‌خوانید اشاره کنید. عـلاوه بـر دستور پخت غذا چیزهای دیگری نیز هست که باید آنها را بخوانید:



اگر می‌خواهید فرزندتان تجربه‌ی جالبی از خواندن داشته باشد، از او بخواهید دستور غذای مورد علاقه خود را انتخاب کند، از موادی که باید برای پختن آن بخرد، صورتی تهیه کند، به فروشگاه برود و آن مواد را پیدا

کند و سپس در پخت غذا به شما کمک کند. پخت غذا کاری اساسی و روزمرّه است اما به خوبی نشان می‌دهد که مردم چگونه در زندگی واقعی خود از خواندن استفاده می‌کنند.

۱۳.
برای خواندن دلیل‌های عملی بیاورید: تعمیر خانه

> ⚠ شوهرم بی‌صبرانه انتظار روزی را می‌کشد که بچه‌هایمان بزرگ شوند و بتوانند در انجام کارهای خانه به او کمک کنند. فکر می‌کنم پیش خودش تصور می‌کند که با بچه‌ها به پشت بام رفته است تا آنتن جدید را نصب یا یکی از کاشی‌ها را تعمیر کند، و بچه‌ها ابزار کار را به دست او می‌دهند. من از تصور این‌که بچه‌های کوچک بخواهند از نردبان بالا بروند دچار نگرانی و اضطراب می‌شوم، اما با این فکر خودم را آرام می‌کنم که «وَردست‌های کوچولوِی بابا» در خانه یا حیاط دنبال چیزی می‌گردند تا آن‌را تعمیر کنند. اگر اتفاقی برایشان نیفتد، ازاین کار درس‌های ارزشمندی می‌آموزند.

دنیای عجیب تعمیرات خانگی موقعیت‌های فراوانی را برای خواندن فراهم می‌کند. اگر شما مثل من باشید باید قبل از تعویض یک لامپ سوخته، مطالب روی پاکت لامپ جدید را حتماً بخوانید و اگر مثل شوهر من باشید اول کار مورد نظر را شروع می‌کنید و بعد در صورت برخوردن به یک مشکل دنبال دستورالعمل می‌گردید.

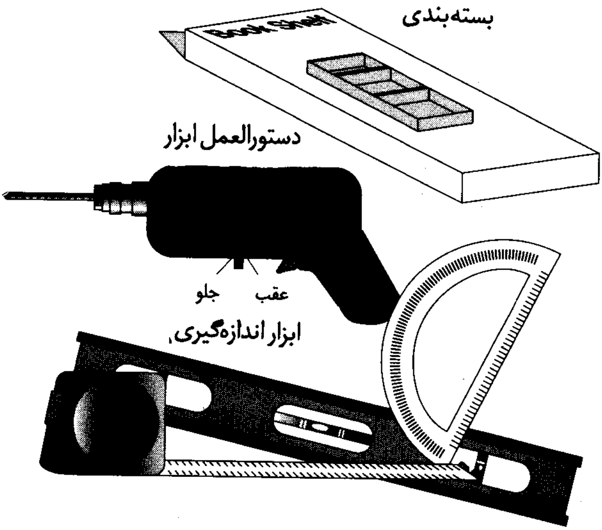
بچه‌ها اغلب از سنین پایین به‌استفاده از ابزار علاقه نشان می‌دهند و چه بخواهید و چه نخواهید با چکش پلاستیکی خود به‌اشیا می‌کوبند. اگر بتوانید این انرژی بچه‌ها را در جهت کاری که به‌درد زندگی واقعی آنها می‌خورد سمت و سو بدهید بسیار عالی است. با این کار به‌آنها نشان

می‌دهید که چگونه در زندگی خود به‌عنوان یک بزرگسال از خواندن استفاده می‌کنید.

چگونه هنگام تعمیر خانه تمرین خواندن کنیم

۱. ابزارتان را با فرزندتان بررسی کنید و درباره‌ی نام، کار و طرز کار هر یک صحبت کنید. حتماً تأکید کنید که بعضی از ابزارها فقط باید توسط بزرگسالان استفاده شود.

۲. از ابزاری که برای انجام یک کار خاص لازم دارید صورتی تهیه کنید، از فرزندتان بخواهید آن‌را بخواند، ابزار را پیدا کند و آنها را آماده کند.



۳. مسئولیت اشیا را به فرزندتان بسپارید. اگر می‌خواهید ماشین لباس‌شویی را نصب کنید، ممکن است داخل بسته مخصوص لوازمِ

آن یک صورت از لوازم نیز وجود داشته باشد. از فرزندتان بخواهید صورت را بخواند و اطمینان حاصل کند که همه لوازم ذکرشده در بسته مخصوص موجود است.

۴. به هر چیزی که می‌خوانید اشاره کنید. علاوه بر دستورالعمل‌های موجود، چیزهای دیگری نیز هست که باید آنها را بخوانید.

دخالت دادن بچه‌ها در کار تعمیرات خانگی حُسن دارد، چون بچه‌ها با دیدن نتایج کار به‌اهمیت خواندن پی می‌برند. اگر لوله یا اتصالاتی که تازه تعویض شده‌اند دچار مشکل شوند یا دستشویی‌ای که پدر تازه نصب کرده است از جا کنده شود و به زمین بیفتد، لابد یک جای کار ایراد داشته است. این‌جور فاجعه‌ها معمولاً زمانی رخ می‌دهند که از دستورالعمل پیروی نشود. (گاهی نیز به‌این دلیل است که دستورالعمل درست نوشته نشده است اما این دیگر از حوصله این کتاب خارج است.)

۱۴.
برای خواندن دلیل‌های عملی بیاورید: کارهای دستی

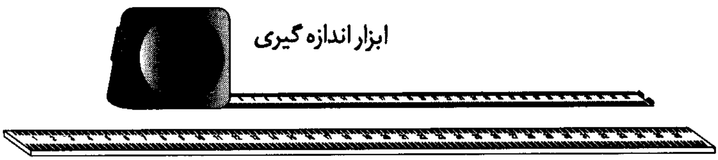
⚠ بسیاری از آشنایان ما برای خواندن رمان و زندگی‌نامه وقت ندارند چون وقت آزاد خود را صرف کارهای دستی می‌کنند. یکی از این زنان برای بچه‌های دوستانش لحاف‌های بسیار زیبایی می‌دوزد، یکی برای سرگرمی صندلی‌های حصیری می‌بافد و شوهرش ساعت‌های قدیمی را تعمیر می‌کند. یکی از زنان لباس همه اعضای خانواده خود را می‌دوزد و یکی دیگر مبلمان قدیمی را بازسازی می‌کند. همه این افراد سرگرم کارهایی‌اند که خواندن را نیز به نوعی شامل می‌شوند و بچه‌های آنها نیز می‌توانند از پرداختن به این کارها سود ببرند.

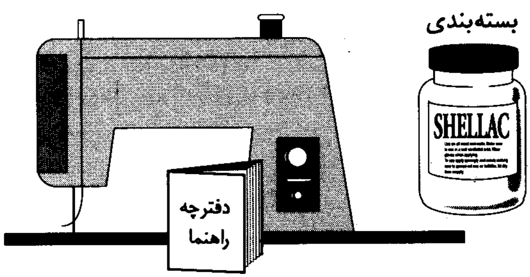
مطالب غیرادبی معمولاً اهداف زیر را پی‌گیری می‌کند: دادن اطلاعات، متقاعد کردن و دستور دادن یا راهنمایی کردن. ما از صبح تا شب چه پشت جعبه مایکروفر، چه در دفترچه خودرو و چه در نقشه راهنمای مسیرهای اتوبوس، دستورالعمل یا راهنما می‌خوانیم. برای انجام کارهای دستی معمولاً باید از انواع دستورالعمل‌ها پیروی کنیم. وقتی در انجام کار خاصی مهارت به‌دست می‌آورید می‌توانید از خواندن تمام دستورالعمل آن چشم‌پوشی کنید اما وقتی به یادگیری آن مشغول هستید، استعدادتان در خواندن و عمل کردن به دستورها، نقش اساسی ایفا می‌کند.

چگونه هنگام انجام کارهای دستی تمرین خواندن کنیم

۱. مدل‌ها، دستورالعمل‌ها و صورت لوازم مورد نیاز را دم دست بگذارید. از فرزندتان بخواهید به شما بگوید که برای انجام کار به چه چیزهایی نیاز دارید.

۲. در صورت تمایل، فرزندتان را همراه خود به فروشگاه ببرید تا کالاهای مورد نیاز را پیدا کنید و بخرید: پارچه، تکه‌های چوب، نخ، الگو یا شابلن، رنگ و غیره.





راهنمای استفاده از ابزار یا دستگاه

۳. ضمن انجام کار به هر چیزی که می‌خوانید اشاره کنید. به غیر از دستورالعمل‌ها چیزهای دیگری نیز هست که باید بخوانید:

بسیاری از بچه‌ها به طور طبیعی به کارهای دستی گرایش دارند. هنگام انجام کارهای دستی مجازند که دست و بال خود را کثیف کنند و نتیجه‌ی کار نیز برایشان کاملاً ملموس است.

وقتی برای اولین‌بار قلاب‌بافی می‌کنند و تمام نخ‌ها را به هم گره

می‌زنند و وقتی قطعات ماکت هواپیمای خود را به میز ناهارخوری‌تان می‌چسبانند، مهارت‌هایی را می‌آموزند که تا آخر عمر از آنها استفاده خواهند کرد. مهارت‌های بصری‌ای که برای جور کردن قطعات یک ماکت یا بخش‌های یک الگو استفاده می‌شود، پیش‌نیازی است که به فرزندتان کمک می‌کند به خوبی و راحتی بخواند. اگر فرزندتان بخواهد در مدرسه یا در شغل خود کارآیی خوبی داشته باشد، باید بتواند از دستورالعمل‌های دو، سه یا ده‌مرحله‌ای پیروی کند. اگر برای سرگرمی به‌کارهای دستی می‌پردازید، به فرزندانتان اجازه بدهید آنها نیز در انجام این کارها دخالت داشته باشند و بدین ترتیب در حق آنها خدمت بزرگی بکنید.

۱۵.
برای خواندن دلیل‌های عملی بیاورید: شغل شما

> ⚠ من و همسرم به‌خوبی روزهایی را به‌یاد می‌آوریم که به‌طور مرتب در آزمایشگاه‌های محل کار پدرانمان، به‌دیدن آنها می‌رفتیم. من بوی مواد شیمیایی، صندلی‌های گردان و علائم عجیبی را که با گچ رنگی روی تخته سیاه می‌نوشتند، به‌خاطر می‌آورم... وقتی به‌ما اجازه می‌دادند که با گچ رنگی در گوشه‌ای از تخته سیاه علائم خودمان را بنویسیم یا شکل دانشجویان مشغول کار را رسم کنیم، چقدر هیجان‌انگیز بود.

چرا باید دیدار از محل کار پدر و مادر فقط سالی یک‌بار اتفاق بیفتد؟ محیط کار بهترین موقعیت را فراهم می‌کند تا به‌صورت عملی به‌فرزندانمان نشان دهیم که چرا باید خواندن، نوشتن، جمع و تفریق را بیاموزند. چه مهندس معمار باشید و چه هنرپیشه، چه آرایشگر و چه نانوا، در محل کار خود می‌خوانید و فرزندانتان باید این را بدانند.

قبل از این‌که فرزندتان را به‌محل کارتان دعوت کنید به‌پاسخ این سؤال‌ها بیاندیشید:

- در کار خود چگونه از خواندن استفاده می‌کنم؟ آیا دفترچه راهنما می‌خوانم یا نامه، صفحه نمایشگر رایانه، دستورالعمل، ابزار اندازه‌گیری، جدول، برچسب پوشه‌ی پرونده، تابلوی فرمان، و یا نقشه؟

- این‌که بتوانم هنگام کار خود خوب و سریع بخوانم چه اهمیّتی دارد؟
- کدام‌یک از مهارت‌هایی را که در مدرسه آموخته‌ام در محل کار خود استفاده می‌کنم؟ آیا می‌نویسم؟ آیا حساب می‌کنم؟ آیا از مهارت‌های گفتاری و شنیداری استفاده می‌کنم؟ چگونه؟

اگر به این سؤال‌های خود پاسخ بدهید می‌توانید هنگامی که فرزندانتان از محل کارتان بازدید می‌کنند، روی این مسئله که چگونه مهارت‌هایی را که می‌آموزند در کار شما نقش پیدا می‌کنند، بهتر تمرکز کنید.

فرزندتان را به بخش‌های مختلف محل کارتان ببرید و قدم به قدم به او بگویید که در یک روز عادی چه کارهایی انجام می‌دهید. ابزارهایی را به او نشان دهید که کارتان را ساده‌تر می‌کند و به او بگویید که چگونه آموختید که این کار را انجام دهید. بیشتر بچه‌ها فکر می‌کنند که یادگیری با خوردن زنگ و تعطیل شدن مدرسه، تمام می‌شود و به سختی می‌توان نظر آنها را عوض کرد. اگر برایشان تعریف کنید که چگونه هنگام انجام کار چیزهایی می‌آموزید، به آنها کمک می‌کنید تا بهتر بتوانند تجربیات زندگی تحصیلی خود را به «زندگی واقعی» بزرگسالان ربط دهند.

اگر می‌توانید کار خود را با کار بچه‌ها مقایسه کنید:

«یادت می‌آید در مدرسه یادگرفتی که چگونه از دستگاه Mac استفاده کنی؟ من دارم طرز استفاده از این دستگاه جدید را یاد می‌گیرم.»

«یادت می‌آید هفته گذشته چطور با یک سطر از اعداد مشکل پیدا کرده بودی؟ حالا ببین من باید با یک صفحه پر از عدد کار کنم!»

«وقتی این قسمت را امتحان می‌کنم، همان کاری را می‌کنم که تو هنگام امتحان دادن انجام می‌دهی. اول همه کارهایی را انجام می‌دهم که

بلد هستم و بعد برمی‌گردم و روی قسمت‌هایی کار می‌کنم که خوب بلد نیستم.»

محل کار شما نباید برای فرزندانتان فضای اسرارآمیزی باشد که بیشتر روز در آنجا ناپدید می‌شوید. اگر فرزندانتان بدانند که چه کاری انجام می‌دهید، و چرا و چگونه آن‌را انجام می‌دهید، می‌توانند شما را بهتر درک کنند و در ضمن می‌فهمند که چرا مشغولیت فعلی آنها ــ یعنی یادگیری در مدرسه ــ نقش مهمی را در آینده آنها ایفا خواهد کرد.

بخش ۲

مطالب خواندنی را در دسترس قرار دهید

۱۶.
در خانه مطالب خواندنی داشته باشید

پدرم تعریف می‌کند که یکی از همسایگان مهربانشان سال‌ها پیش به خانه پدر و مادرم که در نزدیکی دانشگاه واشنگتن بود سر زد و وقتی به درون اتاق نشیمن آپارتمان آنها قدم گذاشت، نفسش بند آمد، دور خود چرخید و گفت: «وای چقدر کتاب! یک روز حتماً باید بیایم و یکی از آنها را از شما قرض بگیرم.» لابد قبل از آن به ذهن والدینم خطور نکرده بود که نحوه‌ی تزیین خانه‌شان کمی غیرعادی است. من هم که در جمع خانواده‌های دانشگاهی دیگر بزرگ شده بودم چنین فکر نمی‌کردم. (البته سال‌ها بعد که شوهرخواهرم می‌خواست قفسه‌های کتابِ خانه‌شان را مانند قفسه‌های کتابخانه موازی هم بچیند، ناراحتی خواهرم را درک می‌کردم. گاهی پیش می‌آید که آدم‌ها زیاده‌روی بکنند.) خانواده ما از شهری به شهر دیگر نقل مکان می‌کرد و ما بچه‌ها یاد گرفته بودیم که کتاب‌ها را چگونه در جعبه بچینیم و از جعبه در بیاوریم و دوباره روی قفسه بچینیم. روزهای بارانی که از پرسه زدن در خانه کسل می‌شدیم، کتاب‌های قدیمی را از قفسه‌ها برمی‌داشتیم و سرگرم اساطیر یونانی و ماجراهای جنگ جهانی دوم می‌شدیم.

از قفسه‌های کتاب‌های والدینمان هر کتابی را که می‌خواستیم قرض می‌کردیم و به مجموعه کتاب‌های خودمان می‌افزودیم.

تحقیقات نشان می‌دهد که صرف نظر از وضعیت اقتصادی-اجتماعی، بچه‌هایی که در خواندن موفق‌اند چند خصوصیت مشترک دارند:

- والدینشان از آنها انتظار تحصیلی بالایی دارند.

- والدین یا خواهر و برادر بزرگ‌تر در انجام تکالیف مدرسه به‌آنها کمک می‌کنند.
- والدین آنها با صدای بلند کتاب یا مطالب دیگر را برایشان می‌خوانند.
- **آنها در خانه کتاب دارند.**

وقتی صحبت از مطالب خواندنی برای بچه‌ها می‌شود، هر چقدر بر اهمیت در دسترس بودن کتاب تأکید کنیم باز هم کم است. بچه‌ها نباید فکر کنند خواندن کاری است که فقط باید در مدرسه انجام داد.

شما چند بار با وضعیت زیر روبه‌رو شده‌اید؟

فرزندتان باید روز شنبه یک گزارش را به معلم خود تحویل دهد. جمعه‌شب است و شما نمی‌توانید او را به کتابخانه ببرید.

اگر در قفسه‌های کتاب خود مطالب مرجع داشته باشید فرزندتان می‌تواند بدون ترک خانه گزارش قابل قبولی بنویسد. لازم نیست برای درست کردن یک کتابخانه مرجع در خانه خود متحمل هزینه سنگین بشوید. دایرةالمعارف‌ها، لغت‌نامه‌ها و مطالب مرجع دیگر در بعضی از جاها به صورت دست دوم به فروش می‌رود. سعی کنید کتاب‌هایی را تهیه کنید که خیلی قدیمی نباشند و آنها را در جایی نگهداری کنید که به راحتی در دسترس شما و فرزندتان باشد. به خاطر داشته باشید که اگر در خانه رایانه و مودم دارید از منابع مختلف اینترنت نیز می‌توانید استفاده کنید. گرچه استفاده از اینترنت مجانی نیست! (برای اطلاعات بیشتر درباره منابعِ مرجع به روش ۴۲ مراجعه کنید.)

هدف اصلی از نوشتن، انتقال اطلاعات، متقاعد کردن و سرگرم کردن است. بیشتر مطالبی که بچه‌ها در مدرسه می‌خوانند، به خصوص از کلاس چهارم به بعد، برای دریافت اطلاعات است. اگر بچه‌ها متوجه

جنبه‌ی سرگرمی بسیاری از کتاب‌ها و مجلات موجود بشوند، به‌خواندن در خانه علاقه‌ی بیشتری پیدا می‌کنند.

اگر در خانه مجموعه‌ی خوبی از کتاب‌های کودکان دارید، قبل از خواب که می‌خواهید برای فرزندتان قصه بخوانید، برای پیدا کردن قصه دچار مشکل نمی‌شوید. باز هم می‌توانید از فروشگاه‌هایی که کتاب‌های دست دوم می‌فروشند استفاده کنید. می‌توانید از دوستانتان بخواهید کتاب‌هایی راکه دیگر برای گروه سنّی فرزندانشان مناسب نیست به شما بدهند یا با دوستانی که فرزندانشان هم‌سن فرزندان شما هستند قرار بگذارید که کتاب‌هایتان را به همدیگر قرض بدهید. وقتی می‌گویم کتاب‌ها باید در دسترس باشند، منظورم دقیقاً همین است. بچه‌ها باید بتوانند به‌آنها دست پیدا کنند، به‌آنها دست بزنند، آنها را ورق بزنند و بخوانند. اگر کتاب‌های جلد اعلا را در قفسه‌های شیشه‌ای نگهداری کنید و آنها را از دور تحسین کنید هیچ فایده‌ای به حال فرزندانتان نخواهد داشت. البته خوب است که از سن پایین به فرزندانمان بیاموزیم که به کتاب احترام بگذارند اما اگر روی قفسه کتاب‌ها علامت «دست نزنید» نصب کنیم یا با رفتار خود به بچه‌ها نشان بدهیم که نباید به‌کتاب‌ها دست بزنند، به جای تشویق کتاب‌خوانی، بچه‌ها را از این رفتار منصرف می‌کنیم.

چگونه احترام گذاشتن به کتاب را آموزش بدهیم

- به بچه‌ها یادآوری کنید که با دست‌های تمیز به‌کتاب‌ها دست بزنند.
- از آنها بخواهید کتاب‌ها را پاره نکنند، صفحات کتاب را تا نکنند.
- در کتاب‌ها ــ به‌خصوص کتاب‌های کتابخانه ــ چیزی نکشند و ننویسند.

- فرزندانتان را کمک کنید برای کتاب‌های خود نشان‌گر درست کنند. به‌آنها بگویید که به‌جای باز گذاشتن کتاب‌ها در حالت دَمَر که به‌شیرازه‌ی کتاب فشار وارد می‌آورد، از نشان‌گر استفاده کنند.
- به‌همدیگر کمک کنید و صفحات یا شیرازه‌ی کتاب‌هایی که پاره شده‌اند را تعمیر کنید.
- با نام فرزندتان مُهری تهیه کنید تا در کتاب‌های خود بزند. اگر فرزندتان احساس کند کتاب جزو اموال شخصی اوست، بهتر می‌تواند مسئولیت نگهداری آن‌را به‌عهده بگیرد.

۱۷.
به هر جایی که می‌روید همراه خود کتاب ببرید

> ⚠ ملانی با عصبانیت گفت: «هیچ کاری مثل این سخت نیست که دوتا بچه‌ی کوچک را که از شدت گوش‌درد گریه می‌کنند به درمانگاه ببری و دو ساعت تمام در یک اتاق انتظار که به هیچ‌وجه مناسب بچه‌ها نیست انتظار بکشی. پیرمردهای عصا به دست زیر لب مرا نفرین می‌کردند و زن‌های حامله با وحشت به من زُل می‌زدند و می‌ترسیدند از این‌که خودشان در آینده مثل من بشوند. البته مطمئن هستم که همه فکر می‌کردند بهتر از من می‌توانند از پس این کار بربیایند، شاید هم حق داشتند...
>
> اما من یک چیز را یاد گرفتم: دیگر هرگز بدون این‌که دو-سه‌تا کتاب توی کیف پسرم بگذارم از خانه خارج نمی‌شوم. با خواندن مجله‌ها و کتاب‌هایی که در اتاق انتظار درمانگاه‌ها پیدا می‌شود نمی‌شود سر بچه‌ها را گرم کرد.»

بچه‌ها از انتظار کشیدن متنفّرند. اگر ماشین خراب شود، اگر صف فروشگاه بلند باشد یا اگر مطب دندانپزشکی بیش از حد شلوغ باشد حتی خوش‌خُلق‌ترین بچه نیز می‌تواند رفتاری از خود نشان بدهد که والدین را به ستوه بیاورد.

تنها علاج این است که خود را با سرگرمی‌های گوناگون برای موقعیت‌های اضطراری مجهّز کنید. هر جا که می‌روید ممکن است موقعیت اضطراری پیش بیاید، پس هر جا که می‌روید اسباب‌بازی و کتاب را بخشی از اثاثیه خود قرار دهید.

قبل از این‌که از خانه خارج شوید از فرزندانتان بخواهید که هرکدام کتاب یا مجله مورد علاقه خود را برای بردن انتخاب کند. می‌توانید آنها را در کوله‌پشتی فرزندتان، در کیف خود یا در کیف نوزادتان بگذارید.

شاید به نفعتان باشد که بادوام‌ترین کتاب‌ها را با خود ببرید یا کتاب‌ها و مجلاتی را ببرید که از گم شدن یا خراب شدن آنها ناراحت نمی‌شوید. همه والدین می‌دانند که بردن کتاب و اسباب‌بازی به سفر خیلی از اوقات یعنی جا گذاشتن کتاب یا اسباب‌بازی در سفر. اگر به جایی مانند ساحل دریا یا رستوران می‌روید که ممکن است کتاب‌های خوب در آنجا آسیب ببینند یا اگر فرزندتان حواس‌پرت است، کتاب‌های کتابخانه را همراه خود نبرید.

اگر بتوانید بچه‌ها را در موقعیت‌های پرتنش سرگرم نگه دارید هم برای اعصاب خودتان خوب است و هم پیش همه مردم دنیا عزیز می‌شوید. اگر هنگام انتظار کشیدن در صف برای دو کودک سرشار از شیفتگی و هوشیار با صدای بلند کتاب بخوانید خیلی بهتر از آن است که در راهروهای فروشگاه دنبال یک بچه نق‌نقو بدوید در حالی که بچه دیگر توی چرخِ دستی نشسته است و جیغ می‌کشد و هر آن ممکن است تعادل خود را از دست بدهد و بیفتد. چقدر پدری که بچه خود را در صندلی مخصوص در رستوران آرام و سرگرم نگه می‌دارد در نظرمان خوشایند است و چقدر پدری که کودک نوپای خود را ول می‌کند تا در رستوران پرسه بزند و مواد غذایی را روی زمین بریزد، ناخوشایند. با کمی برنامه‌ریزی و چند کتابِ خوب می‌توانید روابط خود را با دوستان، همسایگان و غریبه‌ها بهبود بخشید.

۱۸.
در اختیار بچه‌های مریض، کتاب و مجله قرار دهید

> ⚠ مطمئنم که اعتیاد من به مجله‌های باطله ریشه در زمانی دارد که در کودکی به علت پنومونی (ذات‌الریه) در رختخواب می‌ماندم. فقط وقتی حالم خیلی بد می‌شد پدر و مادرم راضی می‌شدند چنین مطالبی در اختیارم بگذارند اما به درد و بیماری‌اش می‌ارزید چون دست‌رسی به آنها برایم لطفی افسانه‌ای داشت و هر یک از آنها را بارها و بارها می‌خواندم.

شاید درست نباشد بگویم اما به نظر من خواندن مطالب سطح پایین بهتر از این است که آدم چیزی نخواند. چرا باید بچه‌ی مریض با چشم‌های تب‌دار خود به صفحه تلویزیون زُل بزند حال آن‌که می‌تواند مهارت‌های خواندن خود را تقویت کند؟ حتی کتاب‌های کارتونی هم باارزشند. آنها هم مانند ادبیات داستانی «واقعی» شامل طرح، شخصیت‌پردازی و گفت‌وگویند. مجله‌های نوجوانان با جذابیّت‌های ظاهری‌شان برای بچه‌های ده‌ـدوازده‌ساله منبع لذت‌اند و شامل انواع سبک‌های نوشتاری غیرداستانی نیز می‌شوند که بسیاری از بچه‌ها به قدر کافی فرصت آشنایی با آنها را پیدا نمی‌کنند. با خواندن این مجله‌ها، بچه‌ها برای مطالبی که باید در بزرگسالی بخوانند آمادگی پیدا می‌کنند. اگر فرزندتان یک دوران طولانی نقاهت در پیش رو دارد، (مثلاً بعد از آبله‌مرغان، سرخک یا

برونشیت) اطمینان حاصل کنید که مطالب خواندنی کافی در اختیار دارد تا سرگرم بماند. اگر بتوانید هر روز که از سر کار به منزل برمی‌گردید چیز جدیدی به مطالبش اضافه کنید خیلی خوب است. وقتی بچه‌ها نه آن‌قدر مریض‌اند که تمام روز را بخوابند و نه آن‌قدر سلامتند که به فعالیت‌های روزمرّه بپردازند، خیلی زود کِسِل می‌شوند. وقتی به داروخانه می‌روید تا شربت سینه بگیرید، به دکّه روزنامه‌فروشی هم سری بزنید و مجله‌ای را که به نظرتان جذاب است انتخاب کنید. اگر جاده سلامتی را ادبیات پیش پاافتاده هموار می‌کند می‌ارزد با پرداخت این بهای اندک باعث رضایت فرزندتان شوید و به هرحال خواندن از بسیاری فعالیت‌های دیگر که فرزند بیمارتان می‌تواند انتخاب کند، سالم‌تر است.

۱۹.
به عنوان پاداش به فرزندانتان کتاب یا مجله بدهید

> ⚠ مسئله پاداش دادن به بچه‌ها برای رفتارهایی که از آنها انتظار داریم، مسئله پیچیده‌ایست. زنی که من می‌شناسم برای این‌که فرزندان خود را به خواندن تشویق کند در صفحه دهم یا پانزدهم لای کتاب اسکناس می‌گذاشت. استدلال او این بود که اگر تا آن صفحه می‌خواندند جذب می‌شدند و واقعاً هم همینطور بود.

من به شخصه طرفدار این نیستم که به خاطر گرفتن نمره‌های خوب در مدرسه یا به خاطر تعداد کتاب‌هایی که می‌خوانند، به بچه‌ها پاداش بدهیم. اما قبول دارم که بعضی از اوقات بچه‌ها مستحق پاداشند و فکر می‌کنم بد نیست چیزهایی را به آنها بدهیم که می‌خواهیم برایش ارزش قائل شوند. پاداش را به خاطر رفتارهایی باید به بچه‌ها داد که «ورای وظیفه» آنهاست نه به خاطر رفتارهایی که در روند عادی زندگی از آنها انتظار داریم. البته که نمره‌های خوب مایه افتخار است. اما نمره‌های خوب باید در طولانی‌مدت و به خودی خود پاداش کار فرد محسوب شود. خواندن هم همینطور است. بعضی از بچه‌ها هنگام رقابت شکوفا می‌شوند و به همین دلیل نیز برنامه مطالعه تابستانی کتابخانه‌ها می‌تواند مفید باشد (مراجعه کنید به روش ۳۰). البته اگر کودک را با پاداش

به‌خواندن تشویق کنید ممکن است اثر عکس داشته باشد: آیا با برداشتن پاداش انگیزه‌ی خواندن از بین می‌رود؟

فرض کنید فرزندتان یک کار واقعاً قابل توجه انجام داده است: مثلاً باعث پیروزی تیم فوتبالشان شده است یا دو هفته پشت سر هم در تعطیلات پایان هفته از خواهر و برادر کوچک‌ترش بدون هیچ شکایتی نگهداری کرده، یا برای نظافت محله اهالی محل را بسیج کرده است. چطور است به‌او نشان بدهید که به‌کار او افتخار می‌کنید و به‌عنوان پاداش کتاب یا مجله‌ای را به‌او بدهید که با موضوع کارش ارتباط داشته باشد: می‌توانید به‌او یک رمان ورزشی یا کتابی درباره‌ی نگهداری از بچه بدهید یا او را مشترک یک مجله مربوط به‌طبیعت و محیط زیست کنید.

اگر کاری که انجام داده است کوچک‌تر است می‌توانید به‌او یک کتاب مصور یا کتابِ جدول و معما بدهید. و اگر کارش خیلی بزرگ بود می‌توانید پاداش بزرگی به‌او بدهید، مثلاً یک دایرةالمعارف کودکان. اگر فرزندانتان را طوری بار آورده‌اید که به‌خواندن علاقه‌مند باشند از دریافت چنین پاداشی به‌هیجان می‌آیند. علاوه بر آن وقتی از مطالب خواندنی به‌عنوان پاداش استفاده می‌کنید این مفهوم را نزد بچه‌ها تقویت می‌کنید که کتاب، مجله و حتی مجله‌ی مصور کودکان، فی‌نفسه باارزش‌اند.

۲۰.
کارهایی را اختراع کنید که به خواندن مربوط می‌شود

> ⚠ اولین کاری که در ازایش پول گرفتم سفارش دادن مقاله برای پدرم بود. کارم این بود که کارت مخصوص را پُر کنم، آدرس مقاله را از پایین صفحه کُپی کنم و آدرس گیرنده را بنویسم. پدرم برای هر کارت یک سکه به‌من می‌داد. تلفظ و معنی بسیاری از کلماتی را که آن‌روزها می‌نوشتم، حتی امروز هم نمی‌دانم. کد پُستی تقریباً تمام شهرک‌های دانشگاهی ایالات متحده را نیز حفظ شدم.

حتماً کارهای زیادی در خانه دارید که حوصله یا فرصت انجام آنها را ندارید. کدام‌یک از این کارها شامل خواندن یا نوشتن می‌شود؟ اگر فرزندتان کسل و بی‌حوصله است، آیا می‌توانید او را به‌انجام آن کار ترغیب کنید؟ شاید فکر کنید که اگر برای فرزندتان کار بسازید برای خودتان دردسر تراشیده‌اید اما وقتی تعطیلات طولانی تابستانی فرامی‌رسد و استخر به‌علت تعمیرات تعطیل است، این‌جور کارها می‌تواند نعمتی باشد. به‌پیش‌نهادهای زیر فکر کنید و خودتان نیز کارهایی را پیشنهاد کنید:

- از فرزندتان بخواهید یک صورت غذا براساس حروف الفبا برایتان تهیه کند یا دستور تهیه غذاهایی را که با عجله از تلویزیون یادداشت کرده‌اید، برایتان پاک‌نویس کند یا در کامپیوتر تایپ کند.

- از فرزندتان بخواهید از جشن‌ها و مراسم و سالگردهای افراد فامیل یک تقویم درست کند و آن‌را برای سایر اعضای فامیل نیز ارسال کند.
- عکس‌هایی را که می‌خواهید در آلبوم بچینید به فرزندتان بدهید و از او بخواهید تاریخ و محل گرفتن هر عکس را روی یک برچسب مشخص کند.
- از فرزندتان بخواهید قفسه کتاب یا مجموعه نوارها و CDهایتان را به ترتیب حروف الفبا و بر اساس نام خانوادگی نویسنده یا خالق اثر مرتب کند.
- از فرزندتان بخواهید کارهایی را که هر یک از اعضای خانواده باید در خانه انجام دهد، به‌صورت یک تقویم هفتگی بنویسد که روی در یخچال نصب کنید.
- اگر می‌خواهید همراه خانواده یا برای خانواده کاری انجام دهید که نیاز به تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات دارد، از فرزندتان بخواهید بخش تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات را به‌عهده بگیرد. مثلاً برای خرید ماشین، انتخاب محل مناسب برای مسافرت و غیره.

اگر برای فرزندتان عاقلانه کار اختراع کنید، نه‌تنها مهارت‌های خواندن و نوشتن او را تقویت می‌کنید بلکه ترتیب آن‌را می‌دهید که او برخی از کارهای شما را نیز برایتان انجام دهد. کاری که برای شما تکراری است و هیچ ارزش ذهنی ندارد می‌تواند برای فرزندتان واقعاً جالب یا مشکل باشد، به‌خصوص اگر طوری آن‌را نشان دهید که ضروری و باارزش به‌نظر برسد.

۲۱.
مجلّات کودکان را مشترک شوید

⚠ روزی که مجله خواننده هفتگی پخش می‌شود، حتی پرسر و صداترین گروه بچه‌های کلاس سوم نیز ساکت و آرام می‌شوند. این مجله خبری هفتگی شامل اخبار کوتاه مربوط به بچه‌ها، داستان و معما و پازل می‌شود. اما بزرگ‌ترین حُسن این مجله این است که هر یک از بچه‌ها نسخه مخصوص خود را دریافت می‌کند. بچه‌ها می‌توانند در آن بنویسند یا قسمت‌هایی از آن‌را ببُرند و به خانه ببرند تا به سایر اعضای خانواده نشان دهند. این‌که محتوای مجله چه باشد مهم نیست، فکری که پشت آن خوابیده است عالی است. ضمیری که در عنوان مجله به‌کار رفته است گویای همه‌چیز است: این مجله مالِ من است. در کلاس درس کمتر چیزی پیدا می‌شود که واقعاً مالِ بچه‌ها باشد اما این چند ورق خبرنامه مالِ خودِ آنهاست.

احساس تملک نسبت به مطلب می‌تواند بی‌علاقه‌ترین خواننده را نسبت به ورق زدن و خواندن آن ترغیب کند. به همین دلیل است که داستان‌های شخصی بچه‌ها تا این حد برای خواننده‌ی کم‌سن و سال مؤثر است (مراجعه کنید به روش ۲۳) و به همین دلیل است که نامه‌نگاری روش موفقیت‌آمیزی برای وادار کردن بچه‌ها به استفاده از مهارت‌های زبانی است (مراجعه کنید به روش ۲۲). اگر فرزندتان در میان محموله‌های پستی مجله‌ای پیدا کند که به نام و آدرس او فرستاده شده باشد، سن و سالش هر چه باشد، به خواندن آن ترغیب می‌شود.

مجله‌های بچه‌ها بر اساس موضوع و گروه سنّی دسته‌بندی می‌شوند و به همین دلیل است که جالب‌اند. فرزند شما بیشتر به چه مطالبی علاقه دارد؟ به چه فعالیت‌هایی علاقه دارد؟ برای هر سلیقه‌ای می‌توانید مجله‌ای پیدا کنید. قبل از آن‌که سرمایه‌گذاری کنید و مجله‌ای را آبونمان شوید می‌توانید چند شماره آن‌را از کتابخانه قرض کنید تا علاقه‌ی فرزندتان را آزمایش کنید. کتابدار نیز شاید بتواند به شما در پیدا کردن عنوان مجلات مناسب کمک کند.

آبونمان مجله یک هدیه‌ی عالی است. صورت زیر عنوان بعضی از مجلات خوب را نشان می‌دهد.

بعضی از مجلات و روزنامه‌های کودک و نوجوان

عنوان	گروه سنی
سروش کودکان	کودکان
کیهان بچه‌ها	کودکان
دوچرخه (همشهری)	نوجوانان
بادبادک	خردسالان
سیب	نوجوانان
سروش نوجوان	نوجوانان

۲۲.
برای فرزندتان یک دوست مکاتبه‌ای پیدا کنید

⚠ تاکوئو با والدین خود برای یک اقامت دوساله از ژاپن به‌شیکاگو آمد. گرچه در ابتدا هیچ انگلیسی بلد نبود اما علاقه او بـه بِـیس‌بال و رفـتار دوستانه‌اش باعث شد که نزد پسرهای کلاس محبوبیت کسب کند. نالدو کـه هـم ورزشکار خوبی بود و هم دلقک کلاس بود تاکوئو را زیر پر و بال خود گرفت.
تاکوئو به‌سرعت یاد می‌گرفت و به‌زودی توانست به‌انگلیسی بخواند و بنویسد و داستان‌هایی را از سرزمین مادری‌اش تعریف کند. گرچـه ابـتدا از نـظر خـوانـدن هم‌سطح دوست خود نالدو بود، اما به‌سرعت ارتقا پیدا کرد و به‌رده دوم کـلاس رسید.
هنگام بازگشت به‌ژاپن تاکوئو قول داد که برای نالدو نامه بنویسد. نالدو تا آن‌زمان از کسی نامه دریافت نکرده بود. اما تاکوئو به‌قول خود وفا کرد و از فرودگاه توکیو برای نالدو یک کارت‌پستال فرستاد و در آن از جریانات خنده‌داری کـه در سـفر طولانی هوایی آنها رخ داده بود، تعریف کرد. نالدو و تاکوئو از آن‌پس به‌صورت مرتب با هم مکاتبه کرده‌اند. تنها چیزی که نالدو بیرون از کلاس می‌نویسد نـامه است و بیشترین لذتی که از خواندن می‌برد، هنگام خواندن نامه‌های تاکوئو است.

بعضی از بچه‌ها برای خواندن به‌ترغیب زیادی نیاز ندارند، آنها می‌دانند که با خواندن وارد دنیای تازه‌ای می‌شوند، با شخصیت‌های تازه آشـنا می‌شوند و چیز جدیدی می‌آموزند، و همین برایشان کافی است. وقتی در پست مطلبی را دریافت می‌کنیم که حامل نام ماست برای خواندن آن

ترغیب می‌شویم. کمتر بچه‌ای پیدا می‌شود که نامه‌ای را نخوانده کنار بیاندازد تا تلویزیون تماشا کند یا به‌بازی‌های رایانه‌ای بپردازد. حتی نامه‌های تبلیغاتی نیز برای کسی که نامه‌های زیادی دریافت نمی‌کند، می‌تواند هیجان‌انگیز باشد. بهترین دوست مکاتبه‌ای برای فرزند شما کسی است که تقریباً هم‌سن و سال خود او باشد. دوست مکاتبه‌ای او می‌تواند، پسرخاله، فرزند یکی از همکاران شما یا یک دانش‌آموز خارجی باشد. در بهترین حالت فرزند شما می‌تواند با دوست مکاتبه‌ای خود علایق مشترکی داشته باشد، اما در بسیاری از اوقات حتی کسانی که زمینه‌های زندگی‌شان با هم کاملاً متفاوت است می‌توانند با هم مباحث مکتوب خوبی داشته باشند.

دریافت نامه از دوست مکاتبه‌ای می‌تواند برای کسی که نسبت به‌خواندن بی‌میل است، انگیزه‌ی تازه‌ای باشد. این نامه‌ها به‌خواندن جدی نیاز دارند (مراجعه کنید به‌روش ۳۴)، به‌خصوص اگر گیرنده قصد پاسخ دادن داشته باشد. گیرنده‌ی نامه می‌تواند مطابق میل خود نامه را نگه دارد تا بعداً بخواند، یا آن‌را به‌کس دیگری نشان دهد. نامه دوست مکاتبه‌ای جنبه‌ای کاملاً شخصی دارد و به‌همین علت برای خواننده جالب است. برای کمک به‌فرزندتان در جهت حفظ یک رابطه‌ی خواندن/نوشتن خوب با دوست مکاتبه‌ای خود، نکات زیر را به‌او توصیه کنید.

چگونه دوستی مکاتبه‌ای را فعال نگه داریم

۱. به‌مطالبی که دوستت می‌گوید یا می‌پرسد پاسخ بده.

۲. درباره‌ی زندگی، احساسات، آرزوها و اهدافت بگو.

۳. درباره‌ی زندگی، احساسات، آرزوها و اهداف دوست مکاتبه‌ای‌ات سؤال کن.
۴. نقاط مشترکتان را پیدا کن و درباره‌ی آنها بنویس.
۵. نقاط تمایزتان را پیدا کن و درباره‌ی آنها بنویس.
۶. برای همدیگر عکس و یادگاری بفرستید.
۷. طوری بنویس که انگار با دوستت مستقیماً صحبت می‌کنی.
۸. اگر دوست مکاتبه‌ای‌ات اینترنتی است با هم قرار ملاقات نگذارید.

اگر ارتباط مکاتبه‌ای فرزندتان موفقیت‌آمیز شد و فرزندتان از نوشتن و دریافت نامه لذت می‌برد می‌توانید موارد مشابه زیر را برای برقراری ارتباط به‌او پیشنهاد کنید:

- به نویسنده مورد علاقه خود نامه بنویس و بگو که چرا از کتابش لذت بردی.
- برای اعضای فامیل که دور از شما زندگی می‌کنند یک خبرنامه درست کنید.
- برای سردبیر روزنامه مورد علاقه و یا محلی خود نامه‌ای بنویس و نظر خود را درباره‌ی یک موضوع مهم بیان کن.

۲۳.
در خانواده داستان‌های تجربه‌ی زبانی خلق کنید

> ⚠ وقتی دانشجوی کارشناسی ارشد بودم، در آموزش خواندن مفهوم جدیدی مطرح شد: تجربه‌ی زبانی. براساس این مفهوم توانایی شنیداری، گفتاری، نوشتاری و خواندن، بخشی از طیف تجربه‌ی ارتباطی فرد را تشکیل می‌دهد و گفتار، نقاشی و نوشتن را که وسیله بیانی افراد است، نباید از خواندن جدا کرد.
>
> تاکنون برنامه‌ی درسی کامل و بی‌نقصی ارائه نشده است اما این‌که برای یادگیری خواندن و نوشتن از زبان شفاهی بچه‌ها شروع کنیم هنوز هم معقول به نظر می‌رسد. بیشتر اساتید آموزش نیز معتقدند که برای مطالعه هنرهای زبانی باید خواندن، نوشتن، شنیدن و گفتن را به صورت یک‌پارچه در نظر گرفت.

براساس رویکرد تجربه‌ی زبانی، نوشتن یعنی ثبت زبان شفاهی و خواندن نوعی گفت‌وگو بین نویسنده و خواننده است. بدین ترتیب توانایی اولیه‌ی کودک برای حرف زدن و شنیدن به طور طبیعی با خواندن و نوشتن ترکیبی یک‌پارچه به‌وجود می‌آورد. «داستان تجربه زبانی» داستانی است که کودک براساس تجربه خود و به زبان خود بیان می‌کند.

بسیاری از بچه‌هایی که تازه خواندن می‌آموزند برای خواندن مطلبی درباره زندگی خود انگیزه‌ی زیادی دارند. به همین دلیل «داستان‌های تجربه‌ی زبانی» در سال‌های اولیه دبستان برای آموزش خواندن بسیار

مفیدند. سن و سال کودکتان هر چه باشد می‌توانید از داستان‌های تجربه‌ی زبانی او به‌عنوان مطالب خواندنی جالب استفاده کنید.

چگونه داستان تجربه‌ی زبانی را پدید آوریم

- اگر فرزندتان کم‌سن و سال است، مطالبی را که به‌زبان می‌آورد بنویسید و اگر بزرگ‌تر است بگذارید خودش داستان را بنویسد.
- موضوع‌های ساده انتخاب کنید:

بزرگ‌ترین آرزوی تو چیست؟

ترسناک‌ترین اتفاقی که برایت افتاد چه بود؟

دوست داری به‌کجا سفر کنی؟

بهترین دوست تو کیست و به‌چه دلیل؟

- مطلب را ساده نگه دارید. اجازه بدهید چند دقیقه فکر کند سپس چندجمله‌ای را برای داستان انتخاب کند. خیلی بازنویسی نکنید، سعی کنید داستان را به‌زبان کودکتان بنویسید.
- ضمن این‌که می‌نویسید برای فرزندتان توضیح بدهید که چه می‌کنید. اگر فرزندتان کم‌سن و سال است توضیح بدهید که هر چه می‌گوید را می‌توان با حروف الفبا نوشت. و حتی افراد غریبه نیز می‌توانند بعداً آنچه را که گفته است، بخوانند.
- از فرزندتان بخواهید برای داستان نقاشی بکشد و آن‌را در یک پوشه یا کلاسور بگذارید.

روز بعد از این‌که داستان تجربه‌ی زبانی را نوشتید از فرزندتان بخواهید آن‌را بخواند. حتی بچه‌هایی که سواد خواندن ندارند نیز می‌توانند برخی از عناصر داستان را به‌یاد بیاورند یا برخی از کلمات را

بشناسند. چون داستان ساخته‌ی خودِ فرزندتان است، می‌خواهد بداند که هر کلمه چیست.

تعدادی داستان جمع‌آوری کنید و از بچه‌ها بخواهید آنها را با اعضای دیگر خانواده بخوانند. بد نیست خودتان نیز درباره‌ی موضوعی که به فرزندتان داده‌اید، بنویسید و اجازه دهید فرزندتان علاوه بر داستان خود، داستانِ شما را نیز بخواند. با این کار داستان فرزند خود را «منتشر» می‌کنید و به تجربیات شخصی او مشروعیت می‌بخشید و وقتی خودتان می‌نویسید به‌او نشان می‌دهید که همه برای انتقال عقاید خود از زبان استفاده می‌کنند.

۲۴.
برای خانواده دفتر یادگاری درست کنید

⚠ وقتی بچه بودیم، سرگرمی مورد علاقه‌مان در روزهای بارانی ورق زدن دفترهای یادگاری قدیمی پدر و مادرمان بود. مادرم که در کودکی صدای قشنگی داشت، دفترهای یادگاری بزرگی داشت که برنامه‌ی کنسرت‌ها، قطعات موسیقی، عکس‌ها و گل‌های خشک خود را در آن چسبانده بود که حس کنجکاوی ما را نسبت به آن دوره از زندگی او تحریک می‌کرد. پدرم از روزهایی که در نیروی دریایی گذرانده بود، یک آلبوم عکس بزرگ نگه داشته است که در بالای هر عکس عنوانی نوشته شده است. با دیدن این آلبوم به حقایق تازه‌ای درباره‌ی پدرم دست یافتم: او در لباس نظامی بسیار خوش‌تیپ بود، زمانی پیپ می‌کشیده، مدتی از عمر خود را در جاهای بسیار عجیب سپری کرده و به کشیدن کاریکاتورهای خنده‌دار علاقه داشته است. این دفترهای یادگاری که سال‌ها قبل از تولد ما گردآوری شده بودند بخشی از تاریخ خانوادگی ما را حفظ کرده بودند.

گردآوری دفتر یادگاری علاوه بر این‌که روشی عالی برای حفظ تاریخ خانواده است می‌تواند یک تجربه آموزشی فوق‌العاده نیز باشد. کشوی عکس‌هایی را که با عکس فرزند قنداقی‌تان شروع می‌شود بیرون بریزید. بلیط هواپیمای اولین سفر هوایی خود یا کودکتان، برچسب‌هایی که هیچ‌وقت به ماشین خود نچسباندید، کارت تبریک‌هایی که از فامیل دریافت کرده‌اید و هر چیزی که بخشی از فرهنگ خانواده‌ی شما را تشکیل می‌دهد می‌تواند در دفتر یادگاری قرار بگیرد.

بچه‌های سنین مختلف می‌توانند در گردآوری این دفتر یادگاری کمک کنند. کارها را به روشی که به نظرتان معقول می‌آید تقسیم‌بندی کنید.

بچه‌های کوچک‌تر می‌توانند...

- عکس‌ها را به دسته‌های مختلف تقسیم کنند.
- عکس‌ها یا کارت‌پستال‌ها را روی صفحه تنظیم کنند.
- برای هر صفحه عنوانی جدی یا طنز پیشنهاد کنند.
- در صفحات دفتر، نقاشی، کاریکاتور یا طرح بکشند.

بچه‌های بزرگ‌تر می‌توانند...

- مطالب را به ترتیب زمان مرتب کنند.
- برای عکس یا کارت‌پستال‌ها عنوان یا توضیح بنویسند.
- عکس‌ها یا مطالب یا یادگاری‌ها را به صفحه‌ی دفتر بچسبانند یا وصل کنند.
- برای دفتر یادگاری نمایه تنظیم کنند.

وقتی دفتر یادگاری‌تان کامل شد اجازه بدهید فرزندانتان آن‌را رسماً به دوستان یا اعضای فامیل نشان دهند. حتی بچه‌هایی که سواد خواندن ندارند نیز می‌توانند متنی را که خود آفریده‌اند «بخوانند» ـ آنها می‌توانند موضوع هر عکس یا یادگاری را تعریف کنند. بچه‌های بزرگ‌تر می‌توانند عنوان‌ها یا توضیحات را با صدای بلند بخوانند. دفتر یادگاری را جایی بگذارید که همه اعضای خانواده بتوانند آن‌را در روزی بارانی که می‌خواهند در جاده خاطرات سفر کنند، به راحتی پیدا کنند.

چند پیشنهاد برای دفترهای یادگاری موضوعی

- فعالیت‌های ورزشی فرزند خود را ثبت کنید.
- جشن عبادت، جشن پایان دبستان، جشن ورود به دبیرستان، یا هر حادثه‌ای را که تنها یک‌بار رخ می‌دهد ثبت کنید.
- خاطرات یک سفر خانوادگی را گردآوری کنید.
- زندگی هر یک از فرزندان خود را در دفتری جداگانه ثبت کنید.
- عکس‌هایی را که فرزندتان در اردوهای تابستانی یا تشکل‌های دانش‌آموزی گرفته است در یک دفتر نگهداری کنید.
- برای جشن‌های تولد اعضای خانواده‌تان یک دفتر یادگاری درست کنید.

۲۵.
مراجعه به کتابخانه را در روال کارهای جمعی خانواده قرار دهید

> ⚠ من با بهترین دوست خود در کتابخانه آشنا شدم. سال ۱۹۶۳ بود و ما در مقابل قفسه‌ی «سری زندگی‌نامه‌ها» در قسمت کودکان با هم برخورد کردیم. هر دویمان مجذوب این سری کتاب‌ها شده بودیم و علاقه ما به آنها بیشتر به خاطر تعداد زیاد کتاب‌های موجود در سری بود تا به خاطر علاقه قلبی به زندگی قهرمانان آمریکایی. ما هر دو اهل رقابت بودیم و ملاک یادگیری برای ما نه دانش کسب‌شده بلکه کمیت کتاب‌هایی بود که می‌خواندیم.
>
> ما به تنهایی به کتابخانه نمی‌رفتیم. خانواده‌هایمان نیز می‌آمدند. در طول کودکیمان، شنبه هر هفته با خانواده‌هایمان به آنجا می‌رفتیم. شنبه صبح که می‌شد کتاب‌ها را از زیر تخت، پشت کوسن‌های مبل، از روی میز آشپزخانه، و از لای قفسه کتابِ اتاق نشیمن جمع می‌کردیم. آنها را در یک جعبه می‌چیدیم، سوار ماشین می‌شدیم و به کتابخانه می‌رفتیم. آنجا پخش می‌شدیم: بزرگسالان به اتاق بزرگسالان می‌رفتند، بچه‌های کوچک به سراغ کتاب‌های تصویری، و من و دوستم به سراغ کتاب‌های سری.

جین چال، کارشناس خواندن، معتقد است که خواندن سه پیش‌نیاز دارد: قابلیت دسترسی، قابلیت خواندن و علاقه. مراجعه مکرر به کتابخانه هر سه پیش‌نیاز را فراهم می‌کند. والدین ما که رفتن به کتابخانه را روال خانوادگی قرار داده بودند، به ما خدمت بزرگی کردند.

- آنها منبع بی‌پایانی از مطالب خواندنی در اختیارمان قرار دادند. (قابلیت دسترسی)

- آنها کاری کردند که بتوانیم مطالبی را پیدا کنیم که با سن و توانایی خواندنمان هماهنگی داشته باشد. (قابلیت خواندن)
- آنها ما را به جایی بردند که بتوانیم درباره‌ی هر موضوع یا در هر سبک ادبی قابل تصور مطلب پیدا کنیم. (علاقه)

و مهم‌تر از همه:

- آنها خواندن را به صورت یک عادت مشترک خانوادگی درآوردند و بدین ترتیب باز هم بر اهمیت آن تأکید کردند.

ممکن است از فکر این‌که باید هر روز در معرض دید فرزندتان، یا برای فرزندتان بخوانید، حیران شوید (مراجعه کنید به روش‌های ۱ و ۳). ممکن است بودجه‌تان اجازه ندهد خیلی کتاب یا مجله بخرید (مراجعه کنید به روش ۱۶). پس مراجعه منظم به کتابخانه می‌تواند کمک کند. وقتی فرزندتان آموخت که نام خود را بنویسد می‌توانید او را عضو کتابخانه کنید و برایش کتاب قرض کنید.

کتابخانه عمومی محلتان ممکن است تنها از یک اتاق تشکیل شده باشد و یا یک ساختمان بزرگ باشد. اما در هر کتابخانه‌ای کسی هست که بتواند شما را با آنجا آشنا کند و قوانین کتابخانه را برایتان توضیح دهد. اطلاعات زیر را حتماً به دست بیاورید:

۱. زمان مجاز برای نگه داشتن هر کتاب چقدر است؟

۲. جریمه تأخیر در بازگرداندن کتاب چیست؟

۳. آیا اتاق یا قسمت کودکان وجود دارد؟

۴. آیا جلسات کتاب‌خوانی با صدای بلند برای بچه‌ها برگزار می‌شود؟

۵. آیا برنامه‌ی مطالعه‌ی تابستانی برگزار می‌شود؟

۶. ساعت کار کتابخانه چگونه است؟

۷. آیا کتابخانه خدمات ویژه مانند دوره‌های آموزشی یا جلسات سخنرانی ارائه می‌دهد؟

به فرزندانتان بفهمانید که باید در کتابخانه سکوت را رعایت کرد و باید از اموال کتابخانه با دقت و ملاحظه نگهداری کرد. با رفتار خودتان به‌آنها نشان بدهید که کتابخانه جای مخصوص و باارزشی است که تمام خانواده می‌تواند از آن لذت ببرد.

⚠ وقتی من و دوستم به‌سن بلوغ رسیدیم، دیگر همراه خانواده به‌کتابخانه نمی‌رفتیم. (بچه‌ها بالاخره در یک زمان در مقابل حرکت‌های جمعی خانواده شورش می‌کنند. به آنها بگویید که هر وقت مایل باشند با شما بیایند از همراهی آنها استقبال خواهید کرد اما اگر ترجیح می‌دهند به تنهایی به‌کتابخانه بروند، باز هم می‌توانند.) اکنون که از آن‌زمان ۳۰ سال گذشته است و من و دوستم در فاصله ۵ هزارکیلومتری هم زندگی می‌کنیم باز هم برای خواندن مطالب بیشتر، درباره‌ی موضوعات بیشتر، با هم رقابت می‌کنیم و هنوز هم کتابخانه‌ی عمومی را بخشی از خانه‌ی خود به‌حساب می‌آوریم.

۲۶.

به نمایشگاه‌های کتاب بروید

> «وقتی برای اولین‌بار به نمایشگاه کتاب رفتم ده‌ساله بودم، سالن بزرگی را به یاد می‌آورم که پر بود از غرفه‌ها و قفسه‌های کتاب. در گوشه‌ای از سالن بچه‌ها دور میزی نشسته بودند و برای شرکت در مسابقه، نقاشی می‌کشیدند و در گوشه‌ای دیگر، روی زمین دور نویسنده‌ای حلقه زده بودند که داستان خود را با صدای بلند برای بچه‌ها می‌خواند. آن‌روز با دستی پر و با کُلّی کتاب و اسباب‌بازی فکری به خانه برگشتیم اما بهترین خاطره برایم این بود که در یکی از غرفه‌ها با نویسنده‌ی محبوب خود آشنا شدم، با او صحبت کردم و او نیز با کمال مهربانی کتاب جدید خود را برایم امضا کرد.»

فروشگاه‌های زنجیره‌ای کتاب جای بسیار جالبی برای جلب علاقه کودکتان به کتاب و کتاب‌خوانی است. در بسیاری از آنها علاوه بر ارائه کتاب‌های کودکان بخش‌هایی نیز تعبیه شده است که به فعالیت‌های جنبی اختصاص دارد. اجرای نمایش‌های عروسکی، گروه‌های قصه‌خوانی، کارگاه‌های داستان‌نویسی، آشنایی با نویسندگان کودکان، همه فعالیت‌هایی‌اند که می‌توانند در شکوفا کردن علاقه‌ی فرزندانتان نسبت به کتاب و کتابخوانی تأثیر بگذارند.

به آگهی‌ها و پوسترهایی که زمان و مکان برگزاری نمایشگاه‌های کتاب را تبلیغ می‌کنند دقت و سعی کنید با خانواده در این نمایشگاه‌ها حضور پیدا کنید. شما می‌توانید به غرفه‌های بزرگسالان سر بزنید و

کتاب‌های مورد علاقه‌ی خود را بررسی کنید و به فرزندانتان اجازه بدهید که هم‌زمان در غرفه‌های مخصوص کودکان گردش و در فعالیت‌های جنبی بخش کودکان شرکت کنند.

حسن دیگر این نمایشگاه‌ها، برخورداری از تخفیف ویژه خرید کتاب است!

۲۷.
فرزند خود را با
کتاب‌های سری آشنا کنید

> ⚠ وقتی بچه بودم عاشق کتاب‌های سری بودم، (مثل قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب)، و تا امروز هم علاقه‌ی خود را حفظ کرده‌ام. وقتی از یک کتاب لذت می‌بریم و بعد می‌فهمیم که همان نویسنده درباره‌ی همان شخصیت‌ها و همان مکان، سه، شش یا ده جلد دیگر نیز کتاب نوشته است، هیجان‌زده می‌شویم. امروزه گرچه سلیقه‌ام نسبت به موضوع کتاب‌های مورد علاقه‌ی کودکی‌ام تغییر کرده اما روشم هنوز همان روش است: باید تک‌تک کتاب‌ها را بخوانم و بی‌صبرانه انتظار جلد بعدی را بکشم.

کتاب‌های سری برای خواننده بهترین دوست به‌حساب می‌آید. گاهی محبوبیت این کتاب‌ها نه به‌خاطر کیفیت ادبی بلکه به‌خاطر کمیت آنهاست. بچه‌ها آنها را یک جلد بعد از دیگری با سرعت می‌خوانند و باز هم منتظر جلد بعدی‌اند.

گاهی که بچه‌ها به سری کتاب‌های مورد علاقه‌ی خود دست می‌یابند به‌کلی از جلوی چشم غیب می‌شوند و فقط هرچند گاه یک‌بار پدیدار می‌شوند تا بگویند: «بعدی کجاست؟»

البته بسیاری از کتاب‌های سری از ارزش ادبی نیز برخوردارند و بسیاری از نویسندگان بزرگ و محبوب به‌مجموعه‌ی کتاب‌های کودکان سری‌های سه یا چندجلدی افزوده‌اند.

اگر می‌خواهید فرزندانتان به‌خواندن علاقه‌مند شوند و اگر می‌خواهید از دیدن این‌که غرق یک کتاب شده‌اند لذت ببرید، می‌توانید کمی هم از کیفیت کتاب چشم‌پوشی کنید. فرصت برای خواندن آثار کلاسیک در آینده بسیار است. درواقع اگر زرنگ باشید می‌توانید نویسندگانی مانند آلکوت، کیپلینگ و شکسپیر را نیز به‌عنوان سری‌نویس معرفی کنید.[۱]

۱. در ایران مجموعه‌های زیر را می‌توان تهیه کرد:
الف. مجموعه‌ی ۱۰جلدی فسقلی‌ها، ناشر: کتاب‌های بنفشه (واحد کودکان و نوجوانان انتشارات قدیانی).
ب. مجموعه‌ی کتاب‌های نگاهی به تاریخ علم، ایزاک آسیموف، انتشارات فاطمی.
ج. مجموعه‌ی کتاب‌های سفرهای علمی، انتشارات افق.
و...

۲۸.
داستان‌هایی را پیدا کنید که فیلم یا کارتون آن نیز ساخته شده است

⚠ کارتون گوژپشت نُتردام، ساخته والت دیزنی، مطابق معمول نظرهای متناقض منتقدین را برانگیخت: به هیچ‌وجه امانت را رعایت نکرده است، بخش‌های مهمی را حذف کرده، شخصیت‌ها و اتفاقاتی را به داستان اضافه و داستان را از اصل آن زیباتر و لطیف‌تر کرده است. درباره سفیدبرفی و هفت کوتوله و بامبی هم مردم همین را می‌گفتند. این داستان‌ها در شکل اصلی خود چندان برای بچه‌ها خوشایند نبودند بلکه در واقع تا حدی ترسناک و سیاه هم بودند.

مادرم می‌گوید: «اگر دیزنی سفیدبرفی، پینوکیو و بقیه را به صورت کارتون درنیاورده بود، من هرگز با آن داستان‌ها آشنا نمی‌شدم. وقتی من بچه بودم کسی آن داستان‌ها را برایم نخوانده بود. مادر و پدرم برای من داستان‌های نُروژی می‌خواندند اما از برادران گریم یا هانس کریستین آندرسن چیزی برایم نمی‌خواندند. من این فیلم‌های کارتونی را بعدازظهرهای شنبه در سینما می‌دیدم.»

به نظر شما چند خواننده مانند مادر من وجود دارد؟

وقتی مردم درباره‌ی «سواد فرهنگی» صحبت می‌کنند منظورشان دانش ما از مجموعه‌ی فرهنگ است که مردم جامعه به صورت مشترک از آنها استفاده می‌کنند. داستان‌های پریان اروپایی بخشی از دانش مشترک مردم آمریکایی را تشکیل می‌دهد. بچه‌ها باید کلیّت داستان زیبای خفته، سیندرلا و بسیاری از داستان‌های دیگر را بدانند. اگر این داستان‌ها را در خانه نخوانند ممکن است در مدرسه با آنها آشنا شوند. اگرنه چه؟

آیا باید از شنیدن اشاره‌هایی که مردم در زندگی روزمرّه خود به این داستان‌ها می‌کنند، یا مثال‌هایی که از این داستان‌ها می‌زنند، گیج شوند؟

فیلم‌های دیزنی، به رغم تمام ضعف‌هایی که دارند، خدمت بزرگی کرده‌اند و این داستان‌ها را برای عموم قابل دسترس کرده‌اند. گرچه ممکن است برادران گریم خود نتوانند بعضی از شخصیت‌های گرم و مهربانی را که دیزنی آفریده است به‌عنوان شخصیت ترسناک و تلخ اصلی خود بشناسند، اما این فیلم‌ها شخصیت‌های مهم ادبی را به صورت تصویری برای چندین نسل ارائه کرده است. گوژپشت نُتردام هم با اضافاتی که دارد یکی از همین‌هاست.

برای خواندن، کتاب‌های فراوان و خوبی وجود دارد که فیلم یا سریال تلویزیونی آن‌ها نیز ساخته شده است. بسیاری از کتاب‌هایی که هرگز تجدید چاپ نمی‌شدند، با بسته شدن قرارداد تولید فیلم آن با جلدی خوش‌آب و رنگ تجدید چاپ می‌شوند. بسیاری از کتاب‌های کلاسیک کودکان مانند شازده کوچولو یا زنان کوچک، با جلدی تازه و مخاطبینی جدید، دوباره متولد می‌شوند.

برای این‌که از این داستان‌ها و فیلم‌ها بهترین استفاده را بکنید بهتر است کتاب را قبل از دیدن فیلم به فرزندتان بدهید. بدین ترتیب بچه‌ها ابتدا فرصت می‌کنند شخصیت‌ها و حوادث را پیش خود تصور کنند و سپس آنها را با تصور فیلم‌ساز مقایسه کنند. بعضی از بچه‌ها داستان را بیشتر به این دلیل می‌خوانند که می‌خواهند بدانند آخر چه می‌شود، دیدن فیلم قبل از خواندن داستان، کتاب را برای چنین بچه‌هایی خراب می‌کند. البته دیدن فیلم بر اساس داستان نویسنده‌ای بزرگ ممکن است بچه‌ها را به خواندن داستان‌های دیگر آن نویسنده نیز ترغیب کند. بعضی

از بچه‌ها نیز دوست دارند کتاب متعلق به خود آنها باشد و ممکن است از این‌که صاحب کتابی‌اند که دوستانشان تنها فیلم آن‌را دیده‌اند، لذت ببرند.

در جدول زیر چند داستان را که فیلم آن ساخته شده است و برای بچه‌های سنین مختلف مناسب است پیشنهاد کرده‌ام. شاید بد نباشد قبل از این‌که فرزندتان فیلم را ببیند، خودتان آن‌را تماشا کنید تا ببینید آیا برای دیدنش آمادگی دارد یا نه.

چند داستان کلاسیک کودکان (کارتون)

نویسنده	عنوان	سال تولید
آندرسن، اچ. سی.	پری دریایی کوچک	۱۹۸۹
باری، جِی. ام.	پیتر پَن	۱۹۵۸
بیگل، پیتر	آخرین اسب شاخدار	۱۹۸۲
کارول، لوئیس	آلیس در سرزمین عجایب	۱۹۵۱
کالودی، کارلو	پینوکیو	۱۹۴۰
دو بیومونت، ماری لپرینس	دیو و دلبر	۱۹۹۱
برادران گریم	سیندرلا	۱۹۵۰
	زیبای خفته	۱۹۵۹
	سفیدبرفی و هفت کوتوله	۱۹۳۷
هوگو، ویکتور	گوژپشت نتُردام	۱۹۹۶
کیپلینگ، رادیارد	کتاب جنگل	۱۹۶۷
لوئیس، سی. اس.	شیر، جادوگر و کمد لباس	۱۹۷۹
میلنه، آ. آ.	وینی‌پو	۱۹۸۹
سالتُن، فلیکس	بامبی	۱۹۴۲
وایت، ای. بی.	تار عنکبوت شارلوت	۱۹۷۳
وایت، تی. اچ.	شمشیر در سنگ	۱۹۶۳

چند داستان کلاسیک کودکان (فیلم)

آلکوت، لوئیزا. ام.	مردان کوچک	۱۹۳۵
	زنان کوچک	۱۹۹۵

بر اساس عناوین ترجمه‌شده به فارسی یا کتاب و فیلم‌های فارسی.

۲۹.
از کتاب‌هایی که موضوع آن جشن‌های ملی و مناسبت‌های مذهبی است، استفاده کنید

> ⚠ در کتابخانه عمومی محله ما، کتاب‌های کودکان در یک سمت سالن اصلی قرار دارد. اولین باری که به آن قسمت سر زدم تعجب کردم: یک قفسه‌ی کامل از کتابخانه به‌کتاب‌هایی اختصاص داده شده بود که موضوع آن جشن‌های ملی و مناسبت‌های مذهبی بود، چه ادبیات داستانی، چه کتاب‌های غیرداستانی، چه شعر و چه انواع ادبی دیگر. ظاهراً میزان درخواست این کتاب‌ها از طرف والدین و معلم‌ها آنقدر زیاد است که کتابدارها مجبور شده‌اند آنها را از سایر کتاب‌ها جدا کنند. اگر در قفسه جدایی باشند راحت‌تر می‌شود به آنها دسترسی پیدا کرد. از آن‌پس دقت کردم و دیدم در کتابخانه‌ها و کتاب‌فروشی‌های دیگر نیز قفسه مشابهی وجود دارد که به‌کتاب‌های مربوط به‌جشن‌های ملی و مناسبت‌های مذهبی اختصاص دارد.

اگر تردید دارید که ادبیات الهام‌گرفته از مناسبت‌های ملی و مذهبی تا چه حد نزد مردم محبوب است یک لحظه به‌فیلم‌های آهنگ برنادت و کریسمسِ چارلی براون بیاندیشید. اهمیتی ندارد که شما یا فرزندانتان چند بار این فیلم‌ها را دیده باشید، آنها در تار و پود مناسبت‌های ملی و مذهبی تنیده شده‌اند.

برقرار کردن رابطه بین ادبیات و زمان معقول به‌نظر می‌رسد. معلمین همیشه همین کار را می‌کنند و مناسبت‌های ملی و مذهبی را هر سال با

دانش‌آموزان خود مرور می‌کنند، از روز دانش‌آموز گرفته، تا سالگرد انقلاب و پیروزی و روز استقلال و اعیاد مذهبی و...

کتابدار می‌تواند به شما کمک کند تا کتاب‌هایی را پیدا کنید که به این مناسبت‌ها مربوط می‌شود. بعضی از آنها را می‌توانید هنگام خواب برای بچه‌ها بخوانید و بعضی را می‌توانید به‌آنها بدهید تا به تنهایی بخوانند.[۱]

---

۱. در ایران ما می‌توانیم به مناسبت‌های مختلف نظیر میلاد حضرت رسول(ص)، تولد حضرت علی(ع)، روز عاشورا و...، کتاب‌هایی را تهیه و در اختیار کودکانمان قرار دهیم. همین کار را به مناسبت ۲۲ بهمن، سالروز ملی شدن نفت، انقلاب مشروطه، روز آزادی خرمشهر و... می‌توان انجام داد. (ن)

۳۰.
برای تابستان یک برنامه مطالعه‌ی آزاد تنظیم کنید

> ⚠ دبستانِ تُرگود مارشال که در گذشته براساس نظام آموزشی معمول اداره می‌شد، اخیراً تغییر کرده است و در حال حاضر هر معلم به‌مدت دو سال به‌دانش‌آموزان خود درس می‌دهد: اول و دوم، سوم و چهارم یا پنجم و ششم. معلم‌ها و دانش‌آموزان از ارتباط ادامه‌دار خود با هم در این طرح جدید لذت می‌برند اما با اجرای این طرح مشکلی که قبلاً هم وجود داشته است اکنون بیشتر به‌چشم می‌آید:
> آدا کوهن که معلم کلاس سوم و چهارم است می‌گوید: «از نظر تئوریک باید بتوانیم در ابتدای سال دوم، از آخرین مطالبی که در سال پیش خواندیم شروع کنیم و با سرعت پیش برویم و به‌برنامه درسی جدید بپردازیم. اما متأسفانه بچه‌هایی که در طول تابستان مطالعه نمی‌کنند خیلی عقب‌تر از بچه‌های دیگرند و مدتی طول می‌کشد تا بتوانند دوباره به‌توانایی‌هایی که سال پیش به‌دست آورده بودند، برسند. بعضی از بچه‌ها هم انگار هیچ‌وقت نمی‌رسند.»

مهارت خواندن در بچه‌هایی که در خانه مطالعه نمی‌کنند ممکن است در طول تابستان به‌اندازه‌ی یک سال تحصیلی یا بیشتر، پس‌رفت کند. خواندن هم مانند اغلب مهارت‌های دیگر است: اگر از آن استفاده نکنید آن‌را از دست می‌دهید. معلمان به‌خوبی نتیجه آن‌را می‌بینند. بچه‌هایی که در طول تابستان مطالعه می‌کنند، در ابتدای هر سال تحصیلی بسیار جلوتر از پایان سال تحصیلی گذشته‌اند. بچه‌هایی که کمی مطالعه

می‌کنند معمولاً سطح مهارت‌های خود را حفظ می‌کنند و بچه‌هایی که اصلاً مطالعه نمی‌کنند عقب می‌افتند و ممکن است هنگامی که بقیه کلاس پیشرفت می‌کند، باز هم عقب بمانند.

بسیاری از کتابخانه‌ها با برنامه مطالعه تابستانی در مقابله با این مشکل کمک می‌کنند. این برنامه‌های مطالعاتی بین طیفی از برنامه‌های پرزرق و برق و رقابت‌آمیز و برنامه‌های آموزشیِ صرف قرار گرفته‌اند. در برنامه‌های نوع اول بچه‌ها درباره‌ی موضوع‌های خاصی مطالعه می‌کنند، مطالب خلاق می‌نویسند و به ازای خواندن تعداد مشخصی کتاب جایزه می‌گیرند، اما در نوع دوم کتابدار با بچه‌ها به طور منظم در تماس است و گاهی می‌خواهد که بچه‌ها از کتاب‌هایی که خوانده‌اند گزارشی شفاهی ارائه دهند.

اگر فرزندانتان اجتماعی و اهل رقابتند، شاید برنامه مطالعاتی کتابخانه همان چیزی باشد که بتواند خواندن آنها را در سراسر تعطیلات مدرسه تضمین کند. قبل از پایان سال تحصیلی با کتابخانه‌ی محله‌تان تماس بگیرید و ببینید برای ایام تابستان چه برنامه‌ای دارند. حتی برنامه قصه‌خوانی گروهی هم می‌تواند مفید باشد چون به هرحال باعث می‌شود که بچه‌ها به داخل محیط کتابخانه بیایند و آنها را تشویق می‌کند کتابی را انتخاب کنند و به خانه ببرند.

اگر کتابخانه محله‌تان چنین برنامه‌هایی ارائه می‌دهد یا اگر فرزندانتان علاقه ندارند به صورت هدفمند و در رقابت با بچه‌های دیگر مطالعه کنند، می‌توانید برنامه شخصی خود را تنظیم کنید. به اهدافی که فرزندانتان بیان می‌کنند و پاداش‌هایی که به دریافت آن علاقه‌مندند توجه کنید.

چگونه برای تابستان برنامه مطالعه‌ی شخصی خود را تنظیم کنید

۱. از فرزندانتان بپرسید برای تابستان چه آرزوهایی دارند. آیا می‌خواهند سفر کنند، به‌بازی‌های ورزشی بپردازند، باغبانی کنند؟ در کتابخانه کتاب‌هایی پیدا کنید که به این موضوع‌ها ربط داشته باشد.

۲. با فرزندتان هدفی معقول برای مطالعه تعیین کنید، آیا فرزندتان می‌تواند در هفته یک کتاب بخواند؟ دو کتاب چه؟ آیا باید برای رسیدن به هدف پاداش بگیرد؟

۳. برای ماه‌های تابستان یک تقویم درست کنید. هر بار که فرزندتان کتابی را تمام کرد از او بخواهید روی تقویم یک برچسب بچسباند.

۴. فرزندتان را تشویق کنید درباره‌ی کتاب، یعنی موضوع، طرح داستان و شخصیت‌هایش برایتان تعریف کند. از او بپرسید که چه جنبه‌هایی از کتاب برای او خوشایند یا ناخوشایند بود.

۵. به‌صورت منظم به‌کتابخانه سر بزنید. وقتی فرزندتان کتابی را تمام کرد حتماً کتاب دیگری در دسترس داشته باشید.

۶. در پایان تابستان، سؤال‌های زیر را از فرزندتان بپرسید و برنامه مطالعه‌ی او را ارزیابی کنید.

آیا به‌هدف مطالعاتی اولیه خود دست یافتی؟

آیا چیز جدیدی یادگرفتی؟

آیا در میان آنچه خواندی مطلب خیلی جالب هم بود؟

آیا مهارت‌های خواندنت پیشرفت کرده است؟

۳۱.
در سفرهای طولانی با ماشین کتاب بخوانید

⚠ کِیت و شوهرش هر تابستان همراه سه فرزندشان با ماشین جیپ خود به مقصدی تازه سفر می‌کنند: مُنتانا، کِبِک، کوه‌های نیومکزیکو. بیشتر دوستان کِیت که حتی می‌ترسند سه بچه را با ماشین از خانه تا بازار ببرند تعجب می‌کنند که کیت چگونه می‌تواند خود را با سه بچه شش، ده و دوازده‌ساله در ماشین حبس کند و چندین روز ۶۰۰ـ۵۰۰ کیلومتر سفر کند.

کِیت می‌گوید در صندلی عقب همیشه فقط دو نفر می‌نشینند پس اولین کاری که باید بکنیم این است که جای نشستن هرکس را تعیین کنیم. بیشتر روزها گِرِگ با چمدان‌ها در عقب ماشین می‌نشیند تا اَمِبِر و اَشلی جای بیشتری داشته باشند. برای خوردن، شنا کردن و دیدن مناظر زیاد می‌ایستیم. بچه‌ها کلی کتابِ نقاشی، کتابِ مصور و داستان‌های ماجرایی همراه دارند. وقتی حوصله بچه‌ها سر می‌رود و با هم دعوا می‌کنند با هم «بیرون را تماشا کن» بازی می‌کنیم. ما همه در طول تابستان‌های گذشته بازی‌هایی اختراع کرده‌ایم. حتی اَشلی هم تابستان گذشته یک بازی اختراع کرد: هرکس تعداد بیشتری جیپ‌مانند جیپ ما می‌دید یک نوشیدنی جایزه می‌گرفت. این‌جوری وقتمان می‌گذرد و از شدت خشم نیز دیوانه نمی‌شویم.

سفرهای طولانی با ماشین می‌تواند حتی صبورترین پدر و مادرها را از پا دربیاورد و دادن داروی خواب‌آور به‌بچه‌ها چندان تجویز نمی‌شود. البته می‌توانید راه‌هایی پیدا کنید تا بچه‌ها در سفرهای طولانی از سر و کول هم بالا نروند. حتی بعضی از این روش‌ها تا حدودی کارکرد آموزشی نیز دارند:

- **بچه‌ها را مسئول مسیریابی کنید:** بچه‌ها می‌توانند، بسته به سن خود، نقشه، تابلوهای جاده، تابلوهای خیابان‌ها، علامت خروجی جاده‌ها یا علامت ابنیه تاریخی را بخوانند. اگر می‌خواهید برای صرف ناهار بایستید از فرزندانتان بخواهید تابلو رستوران مورد علاقه‌شان را پیدا کنند.
- **«بیرون را تماشا کن» بازی کنید:** بد نیست از پلاک خودروها شروع کنید. ببینید کدام‌یک از بچه‌ها می‌تواند زودتر از بقیه ده پلاک از ده استان مختلف ببیند، یا از استان مجاور ده پلاک پیدا کند. از بچه‌ها بخواهید خنده‌دارترین تابلوی تبلیغاتی یا عجیب‌ترین نام برای شهرهای سر راه یا تابلوی جالب‌ترین مکان دیدنی توریستی را پیدا کنند.
- **با صدای بلند کتاب بخوانید:** منطقی‌ترین مطلب برای خواندن، کتابچه‌ی راهنمای جایی است که همان روز به‌آنجا می‌رسید. از یکی از بچه‌ها بخواهید تمام اطلاعات مربوط به‌آنجا را با صدای بلند بخواند. اگر خانواده‌تان خیلی دموکراتیک باشد می‌توانید حتی برای اماکن دیدنی، محل اقامت، یا رستورانی که می‌خواهید امتحان کنید، رأی‌گیری کنید. کار دیگری که می‌توانید بکنید این است که هنگام دیدار از یک مکان، بروشور مربوط به‌آن‌را بردارید و وقتی به ماشین برگشتید آن‌را با صدای بلند بخوانید.
- **بازی‌های لُغَوی بکنید:** یک موضوع پیدا کنید، مثلاً حیوانات. یک حیوان نام ببرید: شیر. نفر بعد باید حیوانی را نام ببرد که با حرف آخر حیوان قبلی، یعنی «ر» شروع شود. آن‌قدر ادامه بدهید تا همه خسته شوند سپس موضوع را عوض کنید. یا نام شهر، استان یا منطقه‌ای را

که از آن عبور می‌کنید به فرزندانتان بگویید و از آنها بخواهید با استفاده از حروف آن هرچند لغت که می‌توانند روی کاغذ یادداشت کنند.

- **بازی‌های جغرافیایی بکنید:** سعی کنید به‌کمک خانواده، همه‌ی استان‌های کشور را به ترتیب الفبا نام ببرید، مراکز استان‌ها یا استان‌های مجاور استانی که در آن قرار دارید را نام ببرید. به اطلس مراجعه کنید تا جواب‌های خود را کنترل کنید.
- **از بچه‌ها بخواهید بازی اختراع کنند:** به بچه‌ها پنج دقیقه فرصت دهید تا با هم قوانین یک بازی را تنظیم کنند و بتوانید با هم در ماشین بازی کنید. با گذر زمان می‌توانید قوانین بازی را اصلاح کنید و بهبود بخشید. شاید تعجب کنید که بسیاری از این بازی‌ها نزد خانواده‌تان یک بازی محبوب می‌شود و می‌تواند همه را کیلومترها سرگرم کند.

۳۲.
به نوار قصه گوش کنید

> ⚠ یکی از آشنایان من هر روز برای رفتن به محل کار یک ساعت و نیم رانندگی می‌کرد تا به لوس آنجلس برسد. اگر من مجبور می‌شدم چنین کاری کنم، حتماً دیوانه می‌شدم. اما او می‌گفت که این کار را دوست دارد و این زمان را «زمان خصوصی خود» می‌نامید که می‌توانست دور از خانواده و کار خود باشد. او این مسیر را در ماشین کوچک خود طی می‌کرد و هر هفته نوارهای داستان جدیدی را در ضبط صوت ماشین خود می‌گذاشت و این اولین باری بود که من درباره این شکل شنیداری ادبیات چیزی شنیدم. البته از آن موقع به بعد نوارهای داستان هم نزد کسانی که باید از خانه تا محل کار مسیری طولانی طی کنند و هم نزد کسانی که وقت مطالعه ندارند اما می‌توانند گوشی را روی گوش‌های خود بگذارند، بسیار محبوبیت پیدا کرده است.

نوار قصه هم برای بزرگسالان وجود دارد و هم برای بچه‌ها.

بعضی از نوارهای قصه‌ی کودکان نیز در بسته‌هایی همراه کتاب قصه فروخته می‌شود تا کودک بتواند ضمن گوش کردن به قصه متن آن‌را نیز در کتاب دنبال کند. این روش برای تقویت مهارت‌هایی که به تازگی در خواندن پیدا شده، روش مؤثری است و قابل درک است که چرا والدینِ نگران نیز از آن استقبال می‌کنند. البته این روش هرگز نباید جای خواندنِ والدین یا خواندن برای والدین را بگیرد.

بعضی از نوجوانان، علی‌رغم این‌که در کودکی خوب می‌خواندند،

ترجیح می‌دهند درِ اتاق را روی خود ببندند و گوشی واکمن را روی گوش‌های خود بگذارند. نوار قصه برای چنین نوجوانانی نیز می‌تواند مفید باشد. نوارهای قصه در بسیاری از کتابخانه‌ها و کتابفروشی‌ها یافت می‌شود. صورت زیر برخی از نوارهای موجود در بازار را ذکر می‌کند.

- حسن کچل
- ترانه‌های کودکان
- لچک‌قلی
- حسن و خانم حنا
- اتل‌متل‌توتوله
- بزبز قندی
- و...

بخش ۳

رفتار بچه‌ها را اصلاح کنید

۳۳.

اطمینان حاصل کنید که فرزندتان برای خواندن آمادگی دارد

> ⚠ جِنیفر که متولد ماه آوریل است هنگام ورود به‌کلاس اول دبستان در ماه سپتامبر شش سال تمام داشت. نسبت به سن خود قدبلند بود، خیلی خوب صحبت می‌کرد، عاشق رنگ‌آمیزی بود و بلافاصله از نظر توانایی خواندن در بالاترین گروه کلاس خود قرار گرفت و تا پایان سال تحصیلی نیز در آن گروه درخشید. دو سال بعد که برادرش جاستین به‌کلاس اول رفت، او پنج سال و ده ماه سن داشت، او یکی از کوچک‌ترین و کوتاه‌قدترین بچه‌های کلاس خود بود. معلم او به‌زودی متوجه شد که جاستین نمی‌تواند برای مدت زیادی روی موضوع واحدی تمرکز کند، هماهنگی بین چشمان و دستان او ضعیف است و هیچ علاقه‌ای به‌خواندن از خود نشان نمی‌دهد. جاستین از نظر خواندن در پایین‌ترین سطح کلاس خود قرار داده شد. در کلاس سوم جاستین به‌طور ناگهانی انرژی شدیدی را از خود نشان داد، از دانش‌آموزان دیگر جلو زد و جایگاه حقیقی خود را بین بهترین‌های کلاس به‌دست آورد.

وقتی فرزندتان به‌کلاس اول می‌رود با بچه‌هایی همکلاس می‌شود که ممکن است حدود یک سال با هم اختلاف سن داشته باشند، تفاوت سنّی در این مرحله یعنی تفاوت رشد جسمی، عاطفی و ذهنی. البته سن تقویمی کودک نسبت به‌عوامل چون جنسیت، درک تصویری و شنیداری، سلامت جسمی، توانایی زبانی و علاقه به‌خواندن، در آمادگی او برای خواندن تأثیر کمتری دارد.

دخترها معمولاً زودتر از پسرها برای خواندن آمادگی پیدا می‌کنند. آمادگیِ بیشتر دخترها به این واقعیت‌ها ربط دارد که دخترها اغلب زودتر از پسرها زبان باز می‌کنند و هنگام ورود به دبستان از دایره‌ی لغات گسترده‌تری برخوردارند.

اطلاعات زمینه‌ای بچه‌ها، یعنی تجربیاتی که با خود به مدرسه می‌آورند، در آمادگی آنها برای خواندن عامل کلیدی‌اند. به عنوان نمونه یکی از بچه‌هایی که من امتحان می‌کردم در مرکز شهر بزرگ شده بود، امتحان، آزمایش ساده‌ای بود و او باید کلمات را با تصویر مربوط به خود ربط می‌داد. تصویر، تصویر یک حیوان شاخدار بود و کلمات: گاو، پرچم و گوزن. کودک کلمه گاو را برگزید و وقتی از او پرسیدم گفت: «خوب این گاو است.» معلوم شد که هرگز نه گوزن دیده است و نه درباره آن‌چیزی شنیده است. معلوم شد وقتی باید به کمک قدرت درک خود می‌خواند، از موقعیت خوبی برخوردار نبوده است.

درک تصویری در بچه‌های مختلف با سرعت متفاوتی رشد می‌کند. بچه‌های خیلی کوچک ممکن است M و A را با هم اشتباه بگیرند چون نوک هر دو رو به بالا است و وقتی کمی بزرگ‌تر می‌شوند ممکن است d و b، p و g یا m و w را با هم اشتباه بگیرند.

درک شنیداری در آمادگی برای خواندن، به توانایی کودک برای تشخیص تفاوت صدای حروف یا تشخیص کلمات هم‌صدا مربوط می‌شود. کودکانی که مهارت آنها برای تشخیص تفاوت صداها به قدر کافی رشد نکرده است، ممکن است نتوانند کلمات هم‌وزن را تشخیص بدهند یا صدای ب و پ را با هم اشتباه بگیرند.

مشکلاتی جسمی از قبیل ضعف بینایی یا شنوایی و ضعف مهارت‌های

حرکتی می‌تواند بچه‌ها را از خواندن بازدارد. و گاهی ناتوانی در تمرکز، به مشکلات جسمی مانند کم‌خونی، کمبود خواب و سوء تغذیه برمی‌گردد و نه مشکلات عاطفی.

وقتی فرزندتان به کلاس اول وارد می‌شود احتمالاً معنی چندهزار لغت را می‌داند و البته دایره‌ی لغاتی که به زبان می‌آورد و می‌شنود بر آمادگی او برای خواندن تأثیر به سزایی دارد. عامل مؤثر دیگر درک درونی او از ساختار و دستور زبان است. اگر این درک درونی را داشته باشید مسلماً آنچه را می‌خوانید، بهتر می‌فهمید. با این درک درونی می‌توانید حدس بزنید که کلمه‌ای که بعد از اسم آمده است و نمی‌توانید آن‌را بخوانید صفت است و اسم را توصیف می‌کند و می‌توانید حدس بزنید که بعد از فاعل بالاخره فعل می‌آید. لازم نیست این واژگان دستوری را بلد باشید، تنها چیزی که لازم است بدانید این است که یک زبان چگونه عمل می‌کند.

تمایل کودک برای خواندن تابع دو چیز است: رشد عاطفی او و برخوردهایی که در خانه می‌بیند. اگر با صدای بلند برای کودکتان می‌خوانید و به او نشان داده‌اید که خواندن کار باارزشی است، کودکتان با علاقه برای یادگیری به کلاس درس می‌آید.

در هر گروهی از بچه‌های کلاس اول، هم بچه‌هایی پیدا می‌شوند که می‌توانند کمی بخوانند، هم بچه‌هایی که با کمی تلاش برای کسب آمادگی، خواندن را می‌آموزند و هم بچه‌هایی که تا یکی دو سال بعد آمادگی واقعی را به‌دست نخواهند آورد. کار معلم سخت است و سخت‌تر از آن احساس ناکامی والدینی است که فرزندانشان در گروه سوم قرار می‌گیرند. ممکن است فرزندتان در سال دوم دبستان مهارت و

علاقه‌ی لازم را به دست آورد تا به همکلاسی‌های خود برسد و این خود تجربه‌ی خوبی است. شاید از این بترسید که فرزندتان هیچ‌وقت به سطح همکلاسی‌های خود نرسد اما مهارت‌های او ناگهان شکوفا شود و شما را به تعجب وادارد.

هر بچه‌ای با بچه‌های دیگر تفاوت دارد (مراجعه کنید به روش ۴۹). تشخیص این تفاوت‌ها به شما کمک می‌کند با فرزندتان که با سرعت خاص خود برای خواندن آماده می‌شود، کنار بیایید. کارهایی هست که می‌توانید برای آماده کردن فرزندتان برای خواندن انجام دهید. اما به خاطر داشته باشید که به زور نمی‌توان او را وادار به رشد کرد. اگر قبل از این‌که آمادگی پیدا کند او را به خواندن وادار کنید ممکن است توانایی خواندن داشته باشد اما از خواندن لذت نبرد.

چگونه فرزند خود را برای خواندن آماده کنید.

تجربه

- از جاهای جدید دیدن کنید و درباره‌ی آنها صحبت کنید.
- برای معرفی مفاهیم تازه از برنامه‌های آموزشی تلویزیون استفاده کنید.
- درباره‌ی تجربیات مختلف زندگی برای او با صدای بلند قصه بخوانید.

درک بینایی

- رسم شکل و نقاشی را از روی سرمشق تمرین کنید.
- با همدیگر پازل درست کنید.
- با خمیر بازی و آجرهای خانه‌سازی کار کنید.

درک شنیداری

- با هم با صدای بلند شعر و ترانه بخوانید و بازی‌های زبانی بکنید.[۱] (مراجعه کنید به روش ۴۳).
- بازی‌های لغوی کنید که شامل ذکر کلمه‌هایی می‌شود که مانند هم شروع یا تمام می‌شوند.

مشکلات جسمی

- قبل از ورود به دبستان بخواهید که چشم‌ها و گوش‌های فرزندتان توسط متخصص معاینه شود.

توانایی گفتاری

- فرزندتان را تشویق کنید جمله‌ها را به صورت کامل بیان کند.
- وقت بگذارید و از تجربیات خود برای همدیگر تعریف کنید و به حرف یکدیگر گوش کنید.

تمایل برای خواندن

- به صورت منظم به کتابخانه سر بزنید.
- به بچه‌هایی که سواد خواندن ندارند کتاب‌هایی بدهید که ظاهری جذاب دارند.
- در هر فرصت ممکن با صدای بلند کتاب بخوانید.

---

۱. مثلاً شش سیخ کباب سیخی شش زار. یا دایی‌ام چاقه، چایی‌ام داغه.

۳۴.
خواندن فعال را تشویق کنید

⚠ جادی که ۱۶ سال داشت یک سال تابستان داوطلب شد تا برای بچه‌ها در کتابخانه قصه‌های پریان بخواند. روز اول وقتی بعد از اتمام کار خود به خانه برگشت، چهره‌اش حالتی متحیّر داشت:

«خیلی عجیب است، من این‌همه صدای ترسناک از خودم درمی‌آورم و صدای شخصیت‌های وحشتناک را تقلید می‌کنم اما هربار که به آخر صفحه می‌رسم و می‌پرسم: "حالا چه می‌شود؟" یا "به‌نظرتان چطور بود؟" هیچ پاسخی نمی‌گیرم. بچه‌ها همین‌طور می‌نشینند. آخرش فقط یکی از دخترها گفت: "دیو آنها را می‌گیرد!" و بعد سرخ شد، انگار کسی اجازه ندارد در کتابخانه حرف بزند!»

«به‌خاطر همین بعد از جلسه با یکی دوتا از بچه‌ها حرف زدم و از آنها پرسیدم که آیا از قصه خوششان آمد. گفتند، بله، خوششان آمد، قصه خوب بود. پرسیدم از خواندن من خوشتان آمد؟ گفتند صداهای ترسناکی که تقلید می‌کردم خوب بود. پرسیدم چرا جوابم را نمی‌دادند. گفتند چون معمولاً وقتی برای شنیدن قصه می‌آیند، کسی که قصه را می‌خواند، فقط کتاب را برمی‌دارد و از اول تا آخر می‌خواند. آنها باید فقط می‌نشستند و گوش می‌کردند و به‌همین دلیل نمی‌دانستند باید چه‌کار کنند.»

خوانندگان و شنوندگان فعال نسبت به‌خوانندگان و شنوندگان منفعل مطلب را بهتر درک می‌کنند. خودتان فکر کنید: وقتی هوشیار هستید، سؤال می‌کنید و درباره‌ی روایت شخص مقابل اظهار نظر می‌کنید، گفت‌وگو را بهتر از حالتی که فقط سخنان گوینده را می‌شنوید، دنبال

می‌کنید و به خاطر می‌آورید. به همین دلیل است که بیشتر افراد با شرکت در سمینار بهتر می‌آموزند تا با گوش کردن به سخنرانی. احتمالاً سقراط اولین کسی بود که فواید یادگیری فعال را تشخیص داد. در روش سقراطی با پرسیدن یک‌سری سؤال از دانشجویان و بررسی عمیق پاسخ آنها، دانش را از زبان خود دانشجویان بیرون می‌کشند. بدین ترتیب دانشجویان تشویق می‌شوند دانسته‌های خود را در ارتباط با آنچه نمی‌دانند به کار بگیرند.

اصلی که خواندن جدی بر اساس آن نهاده شده است نیز شبیه به همین است. گاهی قبل از شروع به خواندن از دانشجویان یک‌سری سؤال پرسیده می‌شود. ممکن است در طول داستان چندبار مکث کنند تا آینده‌ی داستان را پیشگویی کنند، به سؤالات پاسخ دهند یا درباره‌ی اتفاقات داستان اظهار نظر کنند. در پایان داستان، دانشجویان آنچه را که آموخته‌اند دوره می‌کنند.

ما بزرگسالان بدون این‌که کسی برایمان سؤال فراهم کند به صورت فعال می‌خوانیم. از خودمان می‌پرسیم که چه چیزهایی برایمان خوشایند و چه چیزهایی ناخوشایندانند، علایقمان چیست، در دانشمان چه خلاءهایی وجود دارد و بدین ترتیب انتخاب می‌کنیم که چه چیزی بخوانیم. هنگامی که می‌خوانیم به طور پیوسته آینده را پیشگویی می‌کنیم و پیش خودمان درباره تعصّبات نویسنده، انگیزه‌ی شخصیت‌ها یا علاقه‌مان نسبت به مطلب اظهار نظر می‌کنیم. ما به صورت خودکار دانسته‌های خود را در ارتباط با متنی که می‌خوانیم به کار می‌گیریم و ضمن خواندن، عقاید خود را تغییر داده و پالایش می‌کنیم. فعال‌ترین خوانندگان بعد از خواندن به عمل واداشته می‌شوند: برای ویراستار نامه

می‌نویسند، با دوستانشان درباره‌ی آنچه آموخته‌اند بحث می‌کنند یا به‌جست‌وجوی کتاب‌های دیگر از همان نویسنده می‌پردازند.

یادگیری فعال یک مهارت است و بچه‌ها لزوماً به‌صورت خود به‌خود به‌آن دست نمی‌یابند. اگر هنگامی که با صدای بلند برای فرزندانتان کتاب می‌خوانید از برخی از روش‌های زیر استفاده کنید می‌توانید به‌آنها کمک کنید خواندن و گوش دادن فعال را بیاموزند.

خواندن جدی و هوشمندانه را چگونه تشویق کنیم

قبل از خواندن

۱. جلد کتاب را بالا نگه دارید و از بچه‌ها بخواهید موضوع داستان را حدس بزنند.

۲. عنوان کتاب و نام نویسنده را ذکر کنید. اگر داستان مشابهی برای بچه‌ها خوانده‌اید برایشان یادآوری کنید یا اگر از همان نویسنده چیزی دیگر خوانده‌اید ذکر کنید.

در ضمن خواندن

۳. تصاویر را به‌بچه‌ها نشان دهید و از آنها بخواهید شخصیت‌های داستان و کارهای آنها را مشخص کنند.

۴. درباره‌ی شخصیت‌ها و وقایع داستان، سؤالاتی مانند سؤالات زیر بپرسید:

- آیا چنین اتفاقی واقعاً می‌تواند بیفتد؟
- چرا چنین کرد؟
- اگر تو بودی همین کار را می‌کردی؟

- مشکلش چیست؟
- چگونه می‌تواند مشکلش را حل کند؟
- بعداً چه اتفاقی می‌افتد؟

۵. اگر داستان به‌نظم نوشته شده است یا ترجیع بند دارد هنگام رسیدن به‌بندهای تکراری مکث کنید و به‌بچه‌ها اجازه بدهید آنها را به‌زبان بیاورند.

بعد از خواندن

۶. به‌بچه‌ها یادآوری کنید که درباره‌ی داستان چه چیزهایی پیش‌گویی می‌کردند و از آنها بپرسید که داستان با پیشگویی آنها چه تفاوتی داشت.

۷. نظر بچه‌ها را درباره‌ی تصاویر، شخصیت‌پردازی، سبک نگارش و طرح داستان بپرسید.

۳۵.

اجازه بدهید بچه‌ها به موضوعی علاقه‌مند شوند و آن‌را دنبال کنند

⚠ آرون مثل همه بچه‌ها به مهدکودک می‌رود. اگر چیزی حتی شکل سبزیجات باشد، آن‌را نمی‌خورد، فقط لباس قرمز و آبی می‌پوشد و چند ماه است که تنها به‌کتاب‌های دایناسورها نگاه می‌کند. نود و نه درصد از نقاشی‌هایی که می‌کشد نقاشی دایناسورها است. در اتاق خواب خود پوستر دایناسورها را نصب کرده است و روی هر سطح ممکن نیز دایناسورهای کوچک پلاستیکی و لاستیکی قرار داده است. از محاسنش این است که واقعاً درباره دایناسورها چیزهای زیادی می‌داند: نام‌ها، زیستگاه‌ها، علایق غذایی و غیره. وقتی مهمان داریم علی‌رغم میل خود چندلحظه‌ای بازی با دایناسورهایش را قطع می‌کند و کمی از این اطلاعات را با بی‌میلی با مهمانان در میان می‌گذارد. پدرش می‌گوید که در کودکی هرگز چنین دوره‌ای را با عشق دایناسورها نگذرانده است اما در خاطرات مهمش به‌یاد می‌آورد که در یک دوره تنها چیزی که توجهش را جلب می‌کرد آمار بازی‌های بیس‌بال بود.

چرا دایناسورها؟ مشکل است بگوییم که چه چیزی پسرها را به سمت این خزندگان منقرض‌شده جلب می‌کند و چه چیزی دخترهای کوچک را در یک سن خاص به‌اسب‌ها علاقه‌مند می‌کند. پدر و مادرهای هوشمند از این وسواس‌های زودگذر حسن استفاده را به‌عمل می‌آورند و از آنها به‌عنوان انگیزه‌ای برای ایجاد علاقه به‌خواندن کمک می‌گیرند.

یادگیری براساس پرسش نوعی آموزش است‌که‌درآن‌معلم به دانش‌آموز

اجازه می‌دهد که به موضوع خاص خود علاقه‌مند شود و تا جایی که می‌خواهد آن‌را دنبال کند. این کار برای معلمی که مسئول ۳۰ دانش‌آموز است پرزحمت است اما اگر یک، دو یا سه فرزند داشته باشید خیلی ساده‌تر است. در یادگیری براساس پرسش تمام یادگیری کودک براساس سؤال‌هایی صورت می‌گیرد که نسبت به دنیای اطراف خود دارد. این روش یادگیری روشی طبیعی است که مشابه روش یادگیری او درباره‌ی دنیا، هنگام خردسالی است. این چیه؟ آها، چقدر نرم است. چه بوی خوبی دارد. مزه‌اش عجیب است.

بچه‌ها نسبت به دنیای خود به طور طبیعی کنجکاوند اما وقتی مجبور می‌شوند با ۲۹ نفر دیگر که هرکدام گذشته، نقطه نظر، علایق و توانایی‌های متفاوتی دارند، در یک کلاس بنشینند، اغلب اوقات این کنجکاوی طبیعی تضعیف می‌شود. گاهی بهترین جا برای پرورش این کنجکاوی خانه است.

فرض کنید که جان یک روز به خانه می‌آید و می‌پرسد: «امریکای جنوبی کجاست؟ امروز یک شاگرد جدید به کلاسمان اضافه شد که از امریکای جنوبی آمده است. مگر امریکا کشور ما نیست؟»

حالا شما فرصت دارید که کره‌ی جغرافیایی را گردگیری کنید و قاره‌ها را به فرزندتان نشان دهید. هنوز وقت آن نرسیده است که باعجله به کتابخانه بروید و با یک بغل کتاب درباره‌ی پوشش گیاهی و جانوری و تولیدات ناخالص ملی برزیل و اکوادور به خانه برگردید. شاید درسی که با کره‌ی جغرافیایی به فرزندتان داده‌اید کاملاً او را راضی کرده باشد و به موضوع پایان داده باشد. در یادگیری براساس پرسش، نکته این است که اجازه بدهید کودک علایق خود را تا جایی که ادامه دارند دنبال کند و بدین ترتیب سبب شود تا چیزی یاد بگیرد.

ممکن است قسمتی از امریکای جنوبی که نزدیک قطب جنوب است برای جان جالب باشد. در این مرحله می‌توانید دایرةالمعارف را بیاورید و او را راهنمایی کنید که مقاله‌های مربوط به شیلی، آرژانتین و قطب جنوب را بخواند. اگر در آن مقاله‌ها موضوع جالبی پیدا کرد شاید لازم باشد سری به کتابخانه بزنید یا برای کسب اطلاعات بیشتر در اینترنت سیر کنید.

هنگام گردش علمی با همکلاسی‌ها یا خانواده، هنگام گفت‌وگو با یک دوست یا با دیدن کلمه‌ای ناشناخته در روزنامه ممکن است فرصتی برای یادگیری پدید آید. هدف این نیست که شما پاسخ سؤالات فرزندتان را بدهید، بلکه نقش کتابدار کتاب‌های مرجع را بازی کنید و منابع اطلاعاتی مورد نیاز فرزندتان را در اختیار او قرار دهید.

⚠ والدین آرون دقیقاً به خاطر نمی‌آورند که وسواس او نسبت به دایناسورها چگونه آغاز شد اما فکر می‌کنند به زمانی برمی‌گردد که نزد دندانپزشک می‌رفتند و او هر بار که دندان‌های پسرشان را تمیز می‌کرد به آرون یک دایناسور لاستیکی می‌داد. در آن‌زمان بود که آرون از والدینش یک پوستر از دایناسورها خواست و بعد خواست هنگام خواب اطلاعاتی را که درباره‌ی هر دایناسور روی پوستر نوشته شده است برای او بخوانند. بعد مادر آرون که از خواندن عناوین و اعداد و ارقام روی پوستر خسته شده بود ابتکار عمل به خرج داد و درباره‌ی دایناسورها کتاب‌های داستانی پیدا کرد تا آنها را هنگام خواب برای آرون بخواند. از اینجا بود که آرون تصویر دایناسورها را از کتاب‌ها کپی می‌کرد و در اطراف آنها مناظر خیالی می‌کشید و بعد از آن هم براساس ذهن خود از دایناسورها تصاویری خلاق رسم می‌کرد.

آرون اکنون صاحب دوازده جلد کتاب درباره‌ی دایناسورها است و به تازگی یک مجله‌ی کودکان خریده است که روی جلد آن تصویر دایناسور چاپ شده است. در همین مجله نیز یک مقاله درباره‌ی نهنگ‌ها بود، و بعد ناگهان عکس نهنگ آبی روی دیوار اتاق آرون نصب شد. هفته گذشته که به‌کتابخانه رفتند، دو جلد کتاب درباره‌ی نهنگ‌ها قرض کرد. اکنون می‌تواند چند نوع از نهنگ‌ها را شناسایی کند. تصور کنید که وقتی آرون واقعاً خواندن بیاموزد چه توانایی‌هایی به دست می‌آورد!

۳۶.
به بچه‌هایی که نمی‌توانند بخوانند اجازه بدهید قصه را از روی تصاویر تعریف کنند

> ⚠ خواهرزاده‌ام که چهارساله است دوست دارد هنگام گفت‌وگوی تلفنی با من «اتاق را بخواند». او بدون این‌که از نظم خاصی تبعیت کند و بدون هیچ منطق قابل درکی به تک‌گویی می‌پردازد:
> «خُب، می‌دانی یک کاسه سیب آنجاست، و بلوز بافتنی مامان روی صندلی افتاده بود. به اسب‌های کوچولوی روی میز نگاه می‌کرد و بیرون پنجره یک ماشین است و ماشین‌های اسباب‌بازی روی زمین‌اند.»
> اگر غریبه‌ی رهگذری این سخنان را بشنود شاید به‌نظرش دیوانه‌وار بیاید اما من می‌توانم خواهرزاده‌ام را تصور کنم که در اتاق ایستاده است، گوشی را در یک دست خود گرفته است، به اطرافش نگاه می‌کند و آنچه را که می‌بیند، «می‌خواند». او اجسام فیزیکی را به‌زبان تبدیل می‌کند و به‌شکلی روایت‌گونه پشت سر هم بیان می‌کند. روایت او مانند روایت‌هایی است که از زبان بزرگسالان هنگام گفت‌وگو با همدیگر می‌شنود یا شبیه آنچه از کتاب‌های داستان برای او می‌خوانند. او از برخی از عناصر روایت، یعنی توصیف، ترتیب فضایی و از حروف ربط نیز استفاده می‌کند. خواهرزاده‌ام هنوز از نظر رشدی در مرحله‌ی قبل از خواندن قرار دارد اما به سرعت مفهوم خواندن در ذهن او شکل می‌گیرد. اگر یک کتاب تصویری به او بدهیم می‌تواند صفحات آن‌را به ترتیب ورق بزند و ماجرا را برایتان تعریف کند. اگر داستانِ کتاب را بارها شنیده باشد و بر اثر تکرار مطلب آنها را حفظ کرده باشد می‌تواند آنها را مانند کسی که می‌خواند از بر بگوید. همین‌روزهاست که جهش کند و خواندن بیاموزد.

هر مادر یا پدری که یک کتاب را برای صدمین مرتبه خوانده باشد حاضر است برای ابد از خواندن قصه با صدای بلند صرف‌نظر کند. حوصله‌ی

مادربزرگ‌ترها از تکرار سر می‌رود اما همین تکرار در رشد فرزندانمان نقشی باورنکردنی دارد. تکرار و کار یکنواخت بچه‌ها را آرام می‌کند و به‌آنها احساس امنیت می‌بخشد. وقتی بچه‌ها قصه‌ای را بارها و بارها می‌شنوند، با این تکرار آن‌را حفظ می‌کنند و سپس یکدفعه خواندن را می‌آموزند. در میان تکرار یکنواخت داستان، کودک متوجه می‌شود که بین کلماتی که به‌زبان می‌آورید و کلماتی که نوشته شده است رابطه‌ای وجود دارد. علائم پیچ در پیچ و بی‌معنی صفحه معنی پیدا می‌کند و یک انسان دیگر باسواد می‌شود.

تکرار ← حفظ کردن ← خواندن

بعد از شنیدن داستان و قبل از این‌که فرزندتان بتواند کلمات آن‌را بخواند، می‌تواند داستان را از روی تصاویر آن تعریف کند. این مرحله، مرحله‌ی مهمی در مسیر خواندن است. کودک با هجی کردن صدای کلمات قادر به‌خواندن نمی‌شود. برای این‌که بتواند مسلط و روان بخواند باید بتواند ساختار یک داستان را درک کند و آن‌را درونی کند.

کتاب‌های مصور با به تصویر کشیدن اتفاقات، شخصیت‌ها و موقعیت مکانی داستان به‌بچه‌ها کمک می‌کنند که این مهارت را در خود پرورش دهند.

چگونه داستان را از روی تصاویر تعریف کنیم

از ابتدا شروع کنید از فرزندتان بخواهید بگوید که چه کسانی در داستان نقش دارند و داستان در کجا اتفاق می‌افتد.

صفحات را ورق بزنید یا از فرزندتان بخواهید این کار را انجام بدهد. در هر صفحه از فرزندتان بپرسید که چه اتفاقی می‌افتد. اگر نمی‌تواند یا نمی‌خواهد بگوید، صفحه را بخوانید. در صورت تمایل از فرزندتان بخواهید پیشگویی کند که چه اتفاقی می‌افتد.

در آخر از فرزندتان بپرسید قصه چگونه تمام شد. آیا پایان خوش داشت؟ آیا قابل فهم و قابل قبول بود؟

و چند توصیه هنگام به کارگیری این مراحل: اصرار نکنید فرزندتان طرح دقیق داستان را توصیف کند یا از همان کلماتی استفاده کند که در کتاب نوشته شده است. اجازه بدهید تا حد امکان از تخیل خود استفاده کند. اگر خیلی از موضوع پرت شد می‌توانید بپرسید: «در تصویر چه اتفاقی افتاده است؟ تو از کجا فهمیدی؟» تنها یک پاسخ درست وجود ندارد پس از پاسخ خلاق فرزندتان با آغوش باز از او استقبال کنید. اگر هنگامی که قصه را از روی تصاویر آن می‌خواند از خود شور و هیجان نشان دهید برای خواندن از روی کلمات تشویق می‌شود و شاید ضرورت پیدا نکند در طول چند ماه آینده یک داستان را بیش از چندصدبار برای او بخوانید!

۳۷.
از بچه‌ها بخواهید پس از شنیدن داستان آن‌را دوباره تعریف کنند

⚠ چند روز پیش که به‌کتابخانه رفته بودم کودک پنج‌ساله‌ای را دیدم که قصه سه بزغاله کوچک را برای کودک سه‌ساله‌ای «می‌خواند». این دختر کوچک صفحه‌های کتاب را ورق می‌زد و با صدای آهنگین خود داستان آشنا را تعریف می‌کرد: سه‌تا بزغاله کوچولو بودند! می‌خواستند خونه بسازند! یک بزغاله کوچولو خونه‌اش را، از کاه ساخت، اما گرگه، هوف!، فوت کرد و خونه خراب شد. یک بزغاله کوچولو خونه‌اش را از چوب ساخت و گرگه هوف! فوت کرد و آن خانه هم خراب شد. آن‌وقت بزغاله کوچولوی زرنگ که خونه‌اش آجری است و با هوف و فوت اما این خونه که خراب نمی‌شه! خلاصه، گرگه می‌ره روی شیروونی و می‌افته توی دیگ آب جوش. همه بزغاله‌ها از خوشحالی می‌رقصند. تموم شد.
تمام عناصر داستان اصلی در قصه‌ای که دختر کوچک تعریف کرد وجود داشت البته چند تغییر کوچک هم رخ داده بود، مثلاً جایگزینی کلمه «کاه» به جای «پوشال» (کاه را از تصویر حدس زده بود و کلمه‌ی پوشال کمی برایش ناآشنا بود). روشن است که «خواننده» داستان را درونی کرده است و با کمی راهنمایی توسط تصاویر می‌تواند آن‌را دوباره تعریف کند.

تعریف کردن یکی از مهارت‌های مهم تفکر انتقادی است. ممکن است ساده به‌نظر برسد ولی واقعاً پیچیده است. کودکی که می‌خواهد یک قصه‌ی پریان را تعریف کند باید اصول ترتیب، شخصیت‌پردازی، طرح و درونمایه را درک کند.

اگر صاحب کودکی باشید حتماً با داستان‌های بی‌سر و تـهی کـه از وقایع روزمرّه تعریف می‌کند آشنایی دارید. آنـها وقـتی خـراب‌کـاری می‌کنند و دسته گل به آب می‌دهند و می‌آیند تا به ما نشان بدهند و بگویند چه اتفاقی افتاده است، داستانشان نامفهوم است و مـا را بـه‌کـلی گـیج می‌کند. ما نیز به آنها التماس می‌کنیم که «از اوّلش شروع کن!»

بچه‌هایی که می‌توانند داستانی را به ترتیب از اول تا آخر و با حذف جزئیات زاید اما با حفظ مفاهیم اصلی تعریف کنند، از مهارتی مفید و کاربردی برخوردارند.

اگر می‌خواهید به فرزندتان کمک کنید این مهارت را به دست بیاورد او را تشویق کنید داستان‌های آشنای خود را از بَر تعریف کند. هفته‌ای یک‌بار به جای این‌که داستان‌های تکراری را با صدای بلند بخوانید، از فرزند پیش‌دبستانی‌تان بخواهید قصه‌ی کتاب مـورد عـلاقه‌ی خـود را برایتان، با استفاده یا بدون استفاده از کتاب به عنوان راهنما، تعریف کند. اگر فرزندتان کمی بزرگ‌تر است از او بخواهید طرح داستان‌های آشنای خود را برای بچه‌های کوچک‌تر تعریف کند.

شما می‌توانید مهارت فرزند خود را بـرای تـعریف وقـایع زنـدگی واقعی نیز بهبود بـخشید. هـنگام صـرف غـذا از فـرزندتان بـخواهـید خـلاصه‌ی یکـی از کـارهایی کـه در مـدرسه انـجام داده را بـیان کـند. تشویق‌اش کنید که برای روایت خود، قسمت آغاز، میانی، و پایانی قائل شود. برای این‌که گیج نشود از او بپرسید: «اول چه اتفاقی افتاد؟ بعد چه شد؟ چگونه تمام شد؟» برای این‌که از روش صحیح بیان خلاصه‌ی یک جریان الگویی در اختیار او قرار دهید، آنچه را در محل کار، در فروشگاه یا در مسیر خانه برایتان اتفاق افتاده تعریف کنید. بد نیست برای اتفاقات

واقعی زندگی‌تان یک تیتر خبری بگذارید: «شغل جدید پدر باعث معروفیّت خانواده می‌شود»، «مادر از فروشگاه میوه‌ای عجیب می‌خرد.» این کار به شما کمک می‌کند ضمن این‌که جزئیات را به ترتیب وقوع بیان می‌کنید موضوع اصلی را نیز در خاطر داشته باشید.

چگونه اتفاقات زندگی واقعی خود را تعریف کنیم

۱. به موضوع اصلی بیاندیشید. مهم‌ترین اتفاقی که افتاد چه بود؟ برای داستان چه تیتری می‌توانید بگذارید؟
۲. از ابتدا شروع کنید. افرادی را که نقش داشتند و محل وقوع جریان را توضیح دهید.
۳. جزئیات طرح را به ترتیب وقوع اضافه کنید. سعی کنید از بیان جزئیاتی که به مفهوم اصلی ربط ندارند یا موضوع را مبهم می‌کنند، اجتناب کنید.
۴. در صورت امکان برای داستان خود پایانی پرسر و صدا و هیجانی قرار دهید.

۳۸.
از بچه‌ها بخواهید داستان‌ها را ارزیابی کنند

> ⚠ کاترین می‌گوید: «کلافه شده‌ام، گزارش‌هایی را که درباره‌ی کتاب‌های کودکان می‌نویسند می‌خوانم و کتاب‌هایی که برای بچه‌های هم‌سن بچه‌های من توصیه می‌کنند تهیه می‌کنم ولی هیچ‌وقت موفقیت‌آمیز از آب درنمی‌آیند. کتاب‌ها یا بیش از حد غم‌انگیز، یا فاقد جذابیت یا مبهم یا زیادی بزرگ‌سالانه است. بچه‌های من ترجیح می‌دهند به‌جای این‌که یکی از این کتاب‌های به اصطلاح داغِ تازه را آزمایش کنند، خواندن همان کتاب‌های قدیمی و مورد علاقه‌ی خود را باز هم تکرار کنند.»

در ۱۹۷۹ سام سباستا درباره‌ی علایق بچه‌ها نسبت به انواع مختلف داستان تحقیقی انجام داد و به این نتیجه رسید که:

- بچه‌ها طرح‌هایی را دوست دارند که سریع پیش می‌رود.
- دوست دارند جزئیات محل وقوع داستان ذکر شود.
- در بسیاری از اوقات از داستان‌های پندآمیز لذت می‌برند.
- داستان‌های غم‌انگیز برای آنها ناخوشایند است.
- شخصیت‌های مهربان را دوست دارند.

داستان‌هایی که بچه‌ها معمولاً در سال‌های اول دبستان انتخاب می‌کنند شامل قصه‌های حیوانات، قصه‌های طنز، و داستان‌های واقع‌گرایانه درباره‌ی خانواده، دوستان و مدرسه است. بچه‌های بزرگ‌تر کتاب‌هایی

را می‌پسندند که موضوع آن فشارهای گروه هم‌سن و سالان، عقاید سفت و سخت و تعصب‌آمیز و مشکلات خانوادگی است.

تعجبی ندارد که منتقدان همیشه همان کتاب‌هایی را که کودکان انتخاب می‌کنند، انتخاب نکنند.

بچه‌های شما درباره‌ی ادبیات نظر خاص خود را دارند اما ممکن است برای بیان این نظرها به کمک نیاز داشته باشند. همان‌طور که تجربه خیلی خوب به شما نشان داده است:

هر کتابی ارزش خواندن ندارد

نباید انتظار داشته باشید فرزندتان به هر کتابی که به او توصیه می‌کنید با تمام وجود علاقه نشان دهد، حتی اگر این کتاب‌ها، کتاب‌های مورد علاقه دوران کودکی شما باشند. بهتر است به آنها اجازه بدهید از کتاب‌هایی که به نظر آنها بد است بدگویی کنند و از کتاب‌هایی که لذت می‌برند تمجید کنند، اما آنها را تشویق کنید برای دفاع از عقیده‌ی خود دلیل بیاورند. کسی که خواندن را دوست دارد به صورت خودکار از هر مطلبی خوشش نمی‌آید؛ او با نگاهی انتقادی می‌خواند، ارزش ادبی را درک می‌کند، سبک و نقطه نظر نویسنده را دقیقاً بررسی می‌کند و به تدریج و به مرور زمان علایق شخصی خود را پیدا می‌کند.

این سؤال‌ها به فرزند شما کمک می‌کنند تا کتاب‌ها را ارزیابی کند:

- آیا این کتاب، کتاب خوبی بود؟
- آیا چنین داستانی می‌تواند واقعاً اتفاق بیفتد؟
- آیا رفتارها و گفته‌های شخصیت‌ها مانند افراد واقعی بود؟

- آیا می‌توانم محل وقوع داستان را تصور کنم؟
- آیا هنگام خواندن داستان در آن «غرق» شدم؟
- آیا پایان داستان معقول بود؟
- آیا پیام نویسنده معقول است؟
- آیا کتاب هیجان‌انگیز بود؟ جالب بود؟ ناراحت‌کننده بود؟
- آیا وقتی کتاب را بستم باز هم دوست داشتم به خواندن ادامه بدهم؟
- آیا علاقه دارم درباره‌ی این موضوع یا از همین نویسنده کتاب دیگری بخوانم؟

۳۹.
بین داستان‌ها و زندگی بچه‌ها ارتباط برقرار کنید

⚠ یک معلم کلاس سوم برایم تعریف می‌کرد که داستانی واقعی را برای دانش‌آموزان خواند. محل وقوع داستان جامعه‌ای روستایی بود که برای بچه‌های کلاس بیگانه بود. بعد از خواندن داستان که معلم درباره‌ی آن با بچه‌ها بحث کرد، متوجه شد که در درک بچه‌ها نسبت به داستان یک دوگانگی وجود دارد. بعضی از بچه‌ها که در شهر زندگی کرده بودند فکر می‌کردند که داستان سال‌ها پیش رخ داده است چون همه‌ی شخصیت‌های آن لباس‌های قدیمی به تن داشتند و با اسب و گاری به‌این‌طرف و آن‌طرف می‌رفتند. بیشتر بچه‌هایی که در نواحی کشاورزی اطراف شهر زندگی کرده بودند چنین برداشتی نداشتند چون در تجربه‌ی خود به دیدن اسب و گاری عادت داشتند. چندتا از بچه‌ها فکر می‌کردند که داستان در کشوری خارجی رخ داده است چون هیچ‌گاه نام‌های خانوادگی شخصیت‌های اصلی را که به نظرشان از کتاب مقدس مسیحیان برگرفته شده بود، نشنیده بودند. تنها چیزی که همه‌ی بچه‌ها در آن اتفاق نظر داشتند طرح داستان بود: داستان، ماجرای ساده‌ای بود که برای یک پسر و گربه‌اش اتفاق افتاد و واقع‌گرایانه بود نه تخیلی.

دانسته‌های بچه‌ها بر کوچک‌ترین متنی که می‌خوانند تأثیر می‌گذارد. برای این‌که بتوانند آنچه را می‌خوانند درک کنند باید بین دانش خود از جهان و آنچه در صفحه چاپ شده است ارتباط برقرار کنند.

دانش پیش‌زمینه + محتوای داستان ← درک متن

شما می‌توانید به‌بچه‌ها کمک کنید بین داستان‌ها و زندگی واقعی ارتباط برقرار کنند. برای این کار به‌آنها بیاموزید آنچه را می‌خوانند با آنچه می‌دانند مقایسه کنند. هنگامی که با صدای بلند برای بچه‌ها قصه می‌خوانید، از آنها سؤال بپرسید. محتوای سؤال‌ها متغیر است اما آنچه در زیر آمده است می‌تواند شما را راهنمایی کند:

سؤال‌هایی برای کمک به فرزندتان برای برقراری رابطه بین داستان‌ها و زندگی واقعی

- یادت می‌آید که از مزرعه بازدیدکردیم؟ آیا مانند مزرعه‌ی این داستان بود؟
- بیابانی که در قصه وجود دارد با جایی که ما در آن زندگی می‌کنیم چه تفاوتی دارد؟
- آیا بچه‌های این قصه در زمان ما زندگی می‌کنند؟ از کجا می‌فهمی؟

طرح

- آیا چنین اتفاقی برای آشنایان ما افتاده است؟
- اگر چنین اتفاقی برای تو می‌افتاد چه می‌کردی؟

شخصیت‌پردازی

- این شخصیت چه احساسی دارد؟ از کجا می‌فهمی؟
- اگر تو بودی این شاهزاده‌خانم را چگونه توصیف می‌کردی؟
- این دختر کوچک نسبت به مادرش چه احساسی دارد؟ از کجا می‌دانی؟

(برای اطلاعات بیشتر درباره‌ی ایجاد ارتباط با شخصیت‌ها مراجعه کنید به روش ۴۰.)

۴۰. بچه‌ها را تشویق کنید با شخصیت‌ها همانندسازی کنند

> ⚠ لیندا پرسید: «نظرت راجع به نمایش چه بود؟»
> من گفتم: «بدم آمد. تحمل هیچ‌یک از شخصیت‌هایش را ندارم. جز این‌که زبانمان مشترک است هیچ وجه اشتراک دیگری با هیچ‌یک از آن آدم‌ها ندارم.»

داستان‌هایی می‌توانند ما را عمیقاً تحت تأثیر قرار دهند که بتوانیم با شخصیت‌های آنها ارتباط برقرار کنیم، چه داستان تخیّلی باشد و چه واقعی. در ادبیات داستانی شخصیتی که خوب پرداخته شده باشد نقاط ضعف و نقاط قوتی دارد که از طریق اندیشه‌ها، رفتارها، گفت‌وگوها، روایت مستقیم یا اندیشه و کلام شخصیت‌های دیگر داستان آشکار می‌شود.

در ساختار سنّتی داستان، شخصیت اصلی با مشکلی روبه‌رو می‌شود که تغییری در او ایجاد می‌کند. وقایع داستان را معمولاً برخورد شخصیت اصلی با مشکل تعیین می‌کند. داستان‌های خوب انواع مختلف رفتار را نشان می‌دهند. اگر با شخصیت‌ها همانندسازی کنیم می‌توانیم احساس آنها را درک کنیم و عکس‌العمل آنها را پیش‌بینی کنیم. اگر رفتار و اندیشه‌ی آنها غلط باشد، این را نیز درک می‌کنیم و آرزو می‌کنیم که روش خود را تغییر دهند.

برخی معتقدند باید از «آموزش شخصیت» حمایت شود، می‌گویند شخصیت‌های داستانی می‌توانند در ارائه‌ی الگوی رفتاری خوب برای بچه‌ها نقش مؤثری داشته باشند. همان‌طور که در قصه‌های سنتی نمونه‌های اخلاقی فراوان است و مثلاً می‌تواند آنها را در حکایت‌های سعدی پیدا کنید. در قصه‌ای که خوب پرداخته شده باشد هم نمونه‌هایی از رفتار خوب و هم رفتار بد دیده می‌شود. داستان خوب به جای این‌که یک درس اخلاقی را به زور در حلقوم خواننده فرو کند، به او اجازه می‌دهد که انتخاب کند: به نظرم بنا به این دلایل این شخصیت درست رفتار کرد و این شخصیت غلط.

پیاژه می‌گوید که توانایی کودک برای گذاشتن خود در جای دیگران یکی از قدم‌های مهم رشد اوست. خواندن داستان‌های خوب که شخصیت‌های آنها خوب پرداخته شده‌اند و رشد و تغییر می‌کنند، به بچه‌ها کمک می‌کند این قدم مهم را بردارند و به سوی بزرگسالی حرکت کنند.

شما می‌توانید حتی به خردسالان نیز کمک کنید از شخصیت‌پردازی درکی به دست آورند. وقتی با صدای بلند برایشان می‌خوانید، از آنها بپرسید که شخصیت یا قهرمان داستان چه احساسی دارد. آیا تو هم چنین احساسی را داشته‌ای؟ آیا تو هم در موقعیت مشابهی قرار گرفته‌ای؟ شخصیت‌ها با چه مشکلی روبه‌رو شده‌اند؟ شخصیت‌ها باید چه کاری انجام دهند؟ شخصیت‌ها از چه نظر تغییر کرده‌اند؟

با بچه‌های بزرگ‌تر می‌توانید درباره‌ی داستان‌های واقعی صحبت کنید: درباره‌ی مردم، رفتارها و احساسات آنها و این‌که آیا رفتارشان درست بود یا نه. به یک درس خشک تاریخ، کمی شخصیت‌پردازی

تزریق کنید و ببینید چقدر جان می‌گیرد! چه چیزی کاشفان را وادار کرد به جست‌وجوی راهی به سوی شرق بپردازند. آیا کارشان درست بود که دریانوردان ناآگاه را با خود به هر کجا می‌کشیدند تا به هدف خود برسند؟ آیا هدف وسیله را توجیه می‌کند؟ وقتی نماینده‌ی فتحعلی‌شاه معاهده‌ی ترکمن‌چای را (در سال ۱۲۴۳ هـ. ق) امضا می‌کرد چه احساسی داشت؟ آیا تمام احساس‌هایش مثبت بود؟ اگر تو بودی چه احساسی داشتی؟

وقتی بچه‌ها را تشویق می‌کنید احساس و رفتار شخصیت‌ها را با احساس و رفتار خود مقایسه کنند، به‌آنها کمک می‌کنید احساسات و رفتارهایی را که جنبه‌ی جهانی دارند، تشخیص دهند. بچه‌ها از طریق ادبیات نسبت به احساسات و اعمال دیگران آگاهی بیشتری پیدا می‌کنند و بدین ترتیب در زندگی واقعی خود می‌توانند با دیگران بهتر رابطه برقرار کنند.

۴۱.

بین کتاب‌ها رابطه برقرار کنید

⚠ وانِسا که خواندن کتابِ تار عنکبوت شارلوت را تازه تمام کرده بود. سرشار از هیجان به‌کلاس آمد. طرح داستان را با دقت و با آب و تاب تعریف کرد که چه داستان خوبی بود. چقدر شخصیت‌ها جالب بودند، بعضی از قسمت‌های آن چقدر غم‌انگیز بود و بعضی از قسمت‌ها چقدر خنده‌دار.

وقتی صحبت‌های وانسا تمام شد معلم از او پرسید «آیا استوارت کوچولو و شیپور قو را خوانده‌ای؟» و افزود: «این کتاب‌ها هم اثر ایی.بی. وایت، یعنی همان کسی است که تار عنکبوت شارلوت را نوشته است.»

چشمان وانسا گرد شد و با صدایی که از شدت هیجان به‌زور درمی‌آمد گفت: «یعنی جز آن هم چیزی نوشته؟»

بچه‌ها در سن و سال خاصی هیچ‌وقت به این موضوع نمی‌اندیشند که کتاب نویسنده هم دارد. آنها به‌دنیای یک کتاب وارد می‌شوند، رقص‌کنان از آن عبور می‌کنند و با بستن کتاب از آن دنیا خارج می‌شوند. اگر از آن کتاب خوششان آمد ممکن است آن‌را بارها و بارها بخوانند.

اگر درباره‌ی کتاب مورد علاقه‌ی بچه‌ها با آنها صحبت کنید، به جای این‌که به‌خاطر عشقشان همان صفحات ثابت را بارها و بارها بخوانند، می‌توانند این عشق را با خود به دنیای بیرون بیاورند. از بچه‌ها بپرسید که چه چیز خاصی در آن کتاب وجود دارد؟ آیا موضوع کتاب خاص است؟ یا نوع آن، تصاویر، یا شخصیت‌هایش؟

آیا از ابتدا تا انتهای کتاب همین احساس کلی را داشتی که کتاب عالی است؟

اگر کتاب از نظر فرزندتان واقعاً عالی بود به‌او کمک کنید از همان نویسنده کتاب‌های دیگری پیدا کند. به‌خاطر داشته باشید که یک نویسنده ممکن است برای گروه‌های سنّی گوناگون بنویسد. کتابدار می‌تواند به‌شما در انتخاب عناوین مناسب کمک کند. اگر نویسنده یک‌سری کتاب نوشته باشد برنامه‌ی مطالعاتی فرزندتان تا مدتی پر می‌شود. (مراجعه کنید به‌روش ۲۷.)

اگر موضوع کتاب جالب بود، کتاب‌های دیگری پیدا کنید که موضوع مشابهی دارند. اگر نوع ادبی کتاب (مثلاً نمایشنامه، یا داستان پلیسی) برای فرزندتان جالب بود به‌او کمک کنید کتاب‌های دیگری از همان نوع پیدا کند. برای این‌که مهارت‌های انتقادی فرزندتان را برانگیزید از او بخواهید کتاب‌هایی را که موضوعی واحد یا شخصیت‌هایی مشابه یا... دارند با هم مقایسه کند. از او بپرسید کدام‌یک را ترجیح می‌دهد و چرا.

اگر خودتان هم اهل مطالعه هستید احتمالاً با استفاده از همین روش‌ها کتاب‌های خود را انتخاب می‌کنید. موضوع خاصی توجهتان را جلب می‌کند و دنبال کارهای مشابه آن می‌گردید. نویسنده‌ای که تازه با کار او آشنا شده‌اید نظرتان را می‌گیرد و برمی‌گردید که ببینید چه چیزهای دیگری نوشته است. علایق بچه‌ها تازه در حال شکل‌گیری است و آنها برای این‌که کشف کنند که چگونه تمایل خود را نسبت به‌خواندن ارضا کنند، به‌کمک نیاز دارند.

۴۲.
بچه‌ها را تشویق کنید پاسخ خود را از کتاب بگیرند نه از شما

> ⚠ کسانی که من و خواهر و برادرانم را از کودکی می‌شناختند می‌گویند روی میز غذاخوری ما اغلب کتاب‌های مرجع دیده می‌شد. اگر کسی بدون قصد و غرض سؤالی می‌پرسید، مثلاً می‌پرسید: «آیا اهرام نزدیک قاهره‌اند؟» ناگهان ظرف‌های غذا عقب رانده می‌شد و سطح میز از اطلس‌های جغرافیایی و دایرةالمعارف‌ها پوشانده می‌شد. اگر می‌پرسیدیم: «دیکته استقلال چیست؟ ساکسیفون را چه کسی اختراع کرد، کبک لانه خود را کجا می‌سازد؟» جواب پدرم همیشه این بود: «خودتان پیدا کنید».

پدر و مادر اولین مرجع اطلاعاتی فرزندان خوداند. به سؤالات فرزندان خود، به خصوص سؤالاتی که هنگام خواندن به ذهن آنها خطور می‌کند، حتماً پاسخ بدهید. البته می‌توانید آنها را در جهت مستقل شدن کمک کنید و منابع دیگر را به آنها معرفی کنید. وقتی روند کلی سؤال کردن آنها تغییر می‌کند و به جای این‌که بپرسند: «زرّافه چیست؟» می‌پرسند: «مهم‌ترین شکارچی زرافه در طبیعت چه موجودی است؟»، معرفی منابع جدید اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. به هرحال شما که پاسخ همه‌چیز را نمی‌دانید و نباید هم بدانید. همین‌قدر کافی است که بدانید پاسخ را کجا می‌توان پیدا کرد.

در خانه‌ی شما باید یک اطلس جغرافیایی، یک لغت‌نامه خوب و یک دایرةالعمارف (دایرةالعمارف تک‌جلدی کافیست) پیدا شود.

چاپ‌های کمی قدیمی‌تر آنها را می‌توانید به‌صورت دست دوم تهیه کنید. اگر چاپ آن به‌بیش از پنج سال پیش برمی‌گردد زحمت خریدن آن‌را به‌خود ندهید ــ با گذر زمان مرز کشورها تغییر می‌کند، به واژگان زبان، لغت‌های جدید افزوده می‌شود و واقعیت‌های علمی تغییر می‌کند. اگر رایانه‌ای با CD-Rom دارید می‌توانید یک CD تهیه کنید که تمام این منابع را شامل شود. اگر مودم داشته باشید می‌توانید در اینترنت به‌بسیاری از آنها دست پیدا کنید.

منابع مرجع را در جایی قرار دهید که به‌راحتی قابل دسترسی باشند. برای آموزشِ روشِ استفاده از این منابع به‌فرزندان خود، لازم نیست وقت زیادی صرف کنید. اگر به‌صورت عملی به‌آنها نشان بدهید مفیدتر و معنی‌دارتر است. به‌مثال زیر توجه کنید:

پسر: پدر، dingbat یعنی چه؟ انگار یک‌جور حیوان است، اما در این متن انگلیسی که من می‌خوانم آدم‌ها همدیگر را dingbat خطاب می‌کنند.

پدر: بیا معنی آن‌را پیدا کنیم. اگر معنی یک کلمه را ندانیم آن‌را در کجا می‌توانیم پیدا کنیم؟

پسر: لابد در فرهنگ لغت.

پدر: درست است، کدام حرف را بگردیم؟

پسر: D، اول dingbat.

پدر: باز هم درست گفتی، حالا از واژه‌ی راهنما که در بالای صفحه نوشته می‌شود برای پیدا کردن صفحه‌ای که dingbat در آن نوشته شده است استفاده می‌کنم. این صفحه با diet شروع می‌شود و با dinghy تمام می‌شود پس فکر می‌کنم dingbat هم باید همین‌جا باشد، بله، همین‌جاست. می‌خواهی آن‌را بخوانی؟

پسر: «dingbat. معنی اول: آدم کم‌عقل. معنی دوم: سنگ یا آجری که برای پرتاب استفاده می‌شود. معنی سوم: شیء کوچکی که نام آن‌را ندانند یا فراموش کرده باشند. معنی چهارم: یکی از علائم چاپگر». فکر می‌کنم آنی که در متن من استفاده شده است معنی اول است.

بعد از چند تمرین مانند تمرین فوق بچه‌ها می‌توانند به تنهایی معنی لغاتی را که نمی‌دانند در لغت‌نامه پیدا کنند و بدین ترتیب به‌جای این‌که به‌صورت منفعل اطلاعات را دریافت کنند، آن‌را به‌صورت فعال جست‌وجو کنند.

بخش ۴

رفتار خود را تغییر دهید

۴۳.
از واژه‌ها لذت ببرید و این لذت را نشان بدهید

⚠ داینا و تیم از مدت‌ها قبل از این‌که پسرشان بِن به دنیا بیاید برای سرگرمی در ماشین، هنگام سفرهای طولانی با هم شعر می‌ساختند. هنگامی که به دیدن فامیل خود می‌رفتند، یکی از آن دو به طور ناگهان عبارتی را به زبان می‌آورد و این عبارت خط اول «شعر ماشینی» آنها را تشکیل می‌داد. سپس دیگری خط بعدی را می‌افزود و شعر آنها کیلومتر به‌کیلومتر بلندتر می‌شد. گاهی شعر آن‌قدر جذاب و پیچیده می‌شد که در آن لحظه کسی که پشت فرمان نبود آن‌را برای ادامه‌ی بازی روی کاغذ ثبت می‌کرد.
اخیراً در سفر به ویرجینیا طبق معمول داینا و تیم مشغول ساختن شعر بودند که ناگهان صدای ظریفی از صندلی عقب ماشین بلند شد و یک خط به شعر اضافه شد! او بِن بود، پدر و مادر بِنِ پنج‌ساله، هم متعجب شدند و هم خوشحال. بِن هم مفهوم اساسی شعر را درک کرده بود و هم خطی به آن اضافه کرده بود که هم قافیه خط قبل بود. اکنون بِن در بسیاری از اوقات در بازی والدین خود شرکت می‌کند و خط‌های پیشنهادی او روز به روز علاوه بر قافیه، از نظر وزن و معنا نیز بهتر می‌شوند.

در حالی که رانندگی می‌کنید می‌توانید واژه‌ای سخت و ناآشنا را برای فرزندانتان بخوانید. یا هنگام روزنامه خواندن واژه‌ای پرطمطراق و دهن‌پرکن را، بلندخوانی کنید. به ریتم‌ها و قافیه‌های ناهماهنگ در گفتار توجه کنید. به‌بازی‌های زبانی اهمیت بدهید چون فرزندانتان از این کار خوششان می‌آید و کم‌کم متوجه می‌شوند که زبان ارزش کشف را دارد.

۴۴.
افق‌های فرزندتان و افق‌های خود را گسترش دهید

⚠ در مقابل حدود ۱۵ کودک با پیشینه‌های نژادی و سنین مختلف نشسته‌ام و می‌گویم: «می‌خواهم قسمتی از این کتاب را برایتان بخوانم. از شما می‌خواهم هر وقت کلمه‌ای را شنیدید که معنی آن‌را نمی‌دانید، دست خود را بلند کنید».
بچه‌ها دور و برم جمع می‌شوند و من برای آنها درباره‌ی لاک‌پشت‌ها و قورباغه‌ها می‌خوانم. دست‌ها بالا می‌روند، اول یکی دوتا و بعد بیشتر. بسیاری از بچه‌ها معنی دوزیست را نمی‌دانند. بعضی با شنیدن کلمه مرداب دست خود را بالا می‌برند. چندتایی کلمه‌ی خونسرد را نمی‌فهمند و هیچ‌یک از آنها نیز معنی شکارچی را نمی‌داند.

جین چل، کارشناس خواندن در کتاب بحران خواندن: چرا بچه‌های ضعیف عقب می‌افتند به رابطه‌ی بین «بسامد بیرون رفتن با بزرگسالان» و پیشرفت در توانایی خواندن اشاره می‌کند. دانشی که بچه‌ها با خود به متن می‌آورند،بر آنچه از متن درک می‌کنند تأثیر مستقیم دارد. گسترش دادن تجربیات بچه‌ها در زندگی می‌تواند علایق و توانایی‌های آنها را در خواندن افزایش دهد.

ما بزرگسالان هنگام خواندن، می‌دانیم که چگونه کلمه‌ای ناآشنا را از کلمات اطراف آن درک کنیم و معمولاً می‌توانیم براساس متن درباره‌ی

معنی کلمه‌ی ناآشنا حدسی عالمانه بزنیم. اما تصور کنید که هر سه یا چهار کلمه یک‌بار به کلمه‌ای ناآشنا برسید. کودکی که با متنی درباره‌ی لاک‌پشت‌ها و قورباغه‌ها روبه‌رو می‌شود، همان‌قدر گیج می‌شود که اگر متنی درباره‌ی فیزیک نجومی به شما بدهند.

با خارج کردن فرزندتان از محدوده‌ی کوچک زندگی او، یعنی خانه و مدرسه، می‌توانید افق‌های او را گسترش دهید و بدین ترتیب توانایی خواندن او را افزایش دهید. اگر از طرح زیر پیروی کنید، بیرون رفتن با خانواده می‌تواند بالقوه دایره‌ی لغات و مهارت‌های زبانی فرزندتان را افزایش دهد.

بیرون بروید ← درباره‌ی جایی که رفتید صحبت کنید ← کتاب‌هایی پیدا کنید که موضوع را بسط دهد.

برای بیرون رفتن لازم نیست که حتماً به یک سفر دور و دراز بروید، حتی می‌توانید کاری ساده انجام بدهید، مثلاً برای خرید روپوش مدرسه به مرکز خرید بروید. هدف این است که از بیرون رفتن به عنوان وسیله‌ای برای آموختن کلمات و مفاهیم جدید استفاده کنید تا بتوانید از این مفاهیم و کلمات هنگام خواندن استفاده کنید و به‌وسیله‌ی خواندن نیز آنها را گسترش دهید.

رفتن به جاهای زیر می‌تواند به گسترش دایره‌ی لغات و افزایش مهارت‌های زبانی فرزندتان کمک کند:

موزه	سینما	نمایش‌های خیابانی
باغ وحش	تئاتر	بازار
راه‌پیمایی در طبیعت	کنسرت	نمایشگاه‌ها
باغ‌های گیاه‌شناسی	مسابقات ورزشی	شهر بازی‌ها

۴۵.
محیط مناسبی برای خواندن فراهم کنید

⚠ از دوران کودکی‌ام کتاب داستانی را به خاطر می‌آورم که در صفحه‌ی اول آن تصویر یکی از شخصیت‌های اصلی داستان دیده می‌شد. این کودک کنار پنجره در یک صندلی لَم داده بود و کتاب می‌خواند. آفتاب ملایم پاییزی از پنجره به درون می‌تابید و پشت سر کودک بالش‌هایی بود به رنگ جواهر. شاید هم بچه‌گربه‌ای در گوشه‌ای خوابیده بود. هر وقت به مکان بی‌نقصی برای مطالعه فکر می‌کنم، همین تصویر به ذهنم می‌آید.

در این کتاب وقت زیادی صرف کرده‌ام تا جنبه‌های مهم یک محیط مناسب برای خواندن را ترسیم کنم: داشتن کتاب و مطالب خواندنی دیگر در خانه، مطالعه کردن والدین، بیرون رفتن و تجربه کردن به صورت مشترک. علاوه بر آن، محیط مناسب برای خواندن باید **ساکت**، **راحت**، و **پرنور** باشد.

نیاز به سکوت شاید امری واضح به نظر برسد اما خانه خود را ببینید و به صداهای آن گوش دهید. آیا صدای تلویزیون و رادیو دائم بلند است؟ آیا فرزندتان می‌تواند در اتاق را ببندد تا صدای دعوای خواهر و برادرش را نشنود؟ آیا همهمه صدای خیابان شنیده می‌شود؟ برای این‌که هدفتان از مطالعه لذت بردن باشد، باید بتوانید از محیط خود خارج شوید و به طور کامل در متن فروبروید. اگر صداهای خارجی حواستان را به طور مکرّر پرت کند، غیرممکن است بتوانید تا حد مطلوب جذب متن

بشوید. صدا به‌خصوص حواس بچه‌ها را پـرت مـی‌کند، آنـها را گـیج می‌کند و آنها را از خواندن دلسرد می‌کند.

فرزندتان در مدرسه روی نیمکتی سفت و پشت میز، مطالعه می‌کند. بچه‌ها به‌صورت غریزی تمایل دارند که روی زمین دراز بکشند. شاید خواندن روی فرش برای آنها از خواندن پشت میز راحت‌تر باشد و شاید رختخواب خود را برای مطالعه به‌صندلی ترجیح دهند. اگر امکان مالی آن‌را داشته باشید و فضای کافی نیز در خانه‌تان باشد، بد نیست یک مبل راحتی یا متکّای ویژه برای فرزندتان تهیه کنید چون بیشتر بـچه‌ها از داشتن وسایل خصوصی لذت می‌برند.

نوری که از بالای سر می‌تابد در اغلب اوقات تند است و به‌راحتی نمی‌توان با آن مطالعه کرد. چراغ‌های مطالعه، به‌خصوص چراغ‌هایی که می‌توان جهت نور آن‌را تنظیم کرد، در ایجاد محیطی سالم برای مطالعه نقش مهمی دارند.

اگر فضایی ساکت، راحت و روشن فراهم کرده‌اید باز هم کـارتان کاملاً تمام نشده است. کار دیگری که باید انجام دهید این است که زمان کافی را نیز در اختیار فرزندتان قرار دهید تا بتواند فارغ از کـار خـانه، فعالیت‌های دیگر و گـفت‌وگو بـا اعـضای خـانواده، بـدون مـزاحـمت به‌مطالعه بپردازد و در بطن کتاب فرو رود و با آن کاملاً درگیر شود.

۴۶.

تلویزیون را به طور دائم روشن نگذارید، بلکه از آن عاقلانه استفاده کنید

⚠ وقتی جِیک به‌دنیا آمد، ملیسا و جاش، مادر و پدرش بهترین برنامه‌ها را برای او داشتند. می‌خواستند تلویزیون را در اتاق خواب خود نگه دارند و قبل از کلاس اول دبستان به پسرشان اجازه ندهند آن‌را تماشا کند. در آن موقع هم فقط قصد داشتند برنامه‌های مستند طبیعت و برنامه‌های آموزشی را به‌او نشان بدهند.

اما بعد از مدت کوتاهی ملیسا به فواید ویدیو برای سرگرم کردن بچه هنگام صرف غذا پی برد. اگر هنگام صرف غذا یک کارتون موزیکال در ویدیو می‌گذاشتند می‌توانستند غذا را با آرامش و بدون تنش میل کنند. کمی بعد جیک به تعدادی از کارتون‌ها علاقه‌مند شده بود و اصرار داشت که آنها را بارها و بارها تماشا کند. از آنجا که هزینه کرایه‌ی فیلم‌ها زیاد شده بود ملیسا و جاش رضایت دادند که برنامه‌های کودک را از تلویزیون ضبط کنند و آنها را هنگام صرف غذا برای جیک نمایش دهند. البته تلویزیون نیز کانون اتاق نشیمن آنها شده بود. هر وقت که جاش برنامه‌های ورزشی را تماشا می‌کرد جیک هم آنجا بود. ملیسا متوجه شد که جیک صدای خنده‌ای را که هنگام نمایش بعضی سریال‌های تلویزیونی پخش می‌شود، بسیار دوست دارد و نسبت به برخی از پیام‌های بازرگانی با ذوق و شوق عکس‌العمل نشان می‌دهد. وقتی خواهر جیک به‌دنیا آمد، دیگر تلویزیون بخش بزرگی از روز او را پر می‌کرد.

من نمی‌خواهم پیشنهاد کنم تلویزیون خود را بسوزانید چون معتقدم در خانه‌ای که به‌کتاب‌خوانی عشق می‌ورزند برای تلویزیون نیز جا هست.

البته بد نیست واقعیت را بدانید: ۷۵ درصد از بچه‌هایی که خواندن آنها پایین‌تر از سطح متوسط است قبل از رفتن به مدرسه تلویزیون تماشا می‌کردند و نسبتِ بچه‌های ضعیفی که بیش از چهار ساعت در روز تلویزیون تماشا می‌کنند، دوبرابر بچه‌هایی است که در خواندن، متوسط یا بالاتر از متوسط‌اند.

این در خانواده شما چه معنایی دارد؟ واضح است که وقتی فرزندتان مشغول تماشای تلویزیون است، کتاب نمی‌خواند. شما باید محدودیت تعیین کنید. اگر نمی‌خواهید برنامه‌های خاصی را شامل این محدودیت کنید، زمانی را که فرزندتان صرف تماشای تلویزیون می‌کند محدود کنید.

یکی از روش‌های انجام این کار برگزاری یک همایش خانوادگی است. برای فرزندانتان توضیح بدهید که می‌خواهید همه‌ی اعضای خانواده زمان تماشای تلویزیون خود را محدود کنند تا بتوانند به‌فعالیت‌های خارج از خانه، مطالعه، کارِ خانه و یادگیری بپردازند. سپس به‌بچه‌ها اجازه بدهید در جلسه‌ی تصمیم‌گیری شرکت کنند و به‌سؤالات زیر پاسخ دهند:

- هر هفته چند ساعت می‌توانیم تلویزیون تماشا کنیم؟
- کدام برنامه‌ها مورد علاقه‌ی ماست و می‌خواهیم آنها را تماشا کنیم؟
- چگونه می‌توانیم برای برنامه‌های خاص یا برنامه‌های آموزشی وقت بگذاریم؟
- اگر اعضای مختلف خانواده برای انتخاب کانال نظر واحدی نداشته باشند چه کنیم؟

اجازه بدهید هر یک از اعضای خانواده از جدول هفتگی برنامه‌های

تلویزیون برای انتخاب برنامه‌های مجاز هفته آینده‌ی خود استفاده کند. به صورت خانوادگی ساعت تماشا را محدود کنید و اختلاف نظرهایی را که به‌وجود می‌آید حل کنید. برنامه‌ای را که به‌دست آوردید بنویسید و روی دیوار نصب کنید و دقت کنید که افراد خانواده در طول یک هفته تا چه حد آن‌را رعایت می‌کنند. در صورت لزوم در برنامه تغییراتی ایجاد کنید.

شما می‌توانید با روش‌های مختلف از تلویزیون بهره‌ی مفید ببرید. واضح‌ترین روش این است که برنامه‌های «آموزشی» مانند مستندهای طبیعت، برنامه‌هایی درباره‌ی سفر، تاریخ و غیره را انتخاب کنید. اما از سطحی‌ترین سریال تلویزیونی نیز می‌توانید برای افزایش مهارت‌های زبانی فرزندانتان استفاده کنید.

چگونه برای بهبود درک مطلبی از سریال‌ها و نمایش‌های تلویزیونی استفاده کنیم.

قبل از تماشای برنامه از فرزندانتان بخواهید با تماشای آن پاسخ سؤال‌های زیر را پیدا کنند:

- شخصیت‌های اصلی چه کسانی‌اند؟
- فلان شخصیت با چه مشکلی روبه‌روست؟
- چگونه مشکل را حل می‌کند؟

بعد از تماشای برنامه پاسخ فرزندانتان را مرور کنید و سؤالات زیر را نیز اضافه کنید:

- به‌نظر تو این برنامه در چه قالبی ساخته شده است؟ واقع‌گرایانه، طنز یا خیالی؟ چرا؟
- آیا این داستان جور دیگری نیز می‌توانست پایان یابد؟

دقت کنید که این سؤالات مانند سؤالاتی است که می‌توانید درباره‌ی یک کتاب بپرسید. همان‌طور که با برنامه سؤال‌های خود می‌توانید فرزندتان را به یک خواننده جدی تبدیل کنید، این‌گونه سؤالات نیز می‌تواند او را به یک بیننده‌ی جدی تبدیل کند (مراجعه کنید به روش ۳۴). بخشی از خطر تلویزیون انفعالی است که در بیننده ایجاد می‌کند. برخورد انفعالی با کتاب واقعاً غیرممکن است اما جلوی تلویزیون به راحتی می‌شود حالت گیاهی (مثل چغندر) به خود گرفت. فرزندان خود را تشویق کنید هنگام تماشای تلویزیون فکر کنند تا از حالت منفعل خارج شوند و تلویزیون برای آنها به ابزاری آموزشی تبدیل شود.

۴۷.
با معلم فرزندتان همکاری کنید

> ⚠ یکی از آشنایان من که معلم کلاس دوم است می‌گوید: «دانش‌آموزان کلاس من به‌طرز عجیبی نظر والدین خود را درباره‌ی آموزش و پرورش حس می‌کنند. آنها توانایی‌های والدین خود را با حس ششم خود می‌فهمند و می‌دانند که کدام‌یک بهتر می‌خواند یا کدام‌یک نمی‌تواند در انجام تکالیف به آنها کمک کند. آنها واقعاً می‌فهمند که والدینشان درباره‌ی مدرسه و به‌خصوص درباره‌ی من چه نظری دارند... بعضی از والدین هیچ‌وقت در مدرسه پا نمی‌گذارند. حتی در روز مخصوص اولیا و مربیان نیز پیدایشان نمی‌شود. اما گاهی جلوی بچه‌ها جنجال به پا می‌کنند که چرا معلمتان فلان چیز را به شما درس داده است. از طرف دیگر والدین بسیاری از بچه‌ها به‌صورت داوطلبانه حضور دارند و وقتی که دنبال فرزندان خود می‌آیند با من صحبت و درباره‌ی برنامه‌ی درسی بچه‌ها سؤال می‌کنند. لازم به ذکر نیست که این بچه‌ها بهترین بازده را در کلاس دارند، از انضباط گرفته تا مسائل درسی.»

تحقیقات گوناگونی که در کشورهای مختلف انجام شده است نشان می‌دهد که بین موفقیت نوآموزان در خواندن و نقش والدین در امور مدرسه‌ی آنها رابطه‌ای مهم وجود دارد. منظور من این نیست که تمام علایق خود را کنار بگذارید تا به‌انجمن اولیا و مربیان بپیوندید، بلکه لازم است درک کنید که در یادگیری فرزندتان، هم در مدرسه و هم در خانه، نقش مهمی دارید.

آیا با کتاب‌های درسی فرزندانتان آشنایی دارید؟ آیا وقت می‌گذارید

تا کتاب‌هایی را که از کتابخانه به خانه می‌آورند، تورق کنید. آیا می‌توانید با اطمینان بگویید که فرزندانتان با شعر، ادبیات تخیلی، مطالب غیرادبی، و نمایشنامه روبه‌رو شده‌اند؟ شاید سطح توانایی فرزندتان را در خواندن بدانید اما آیا می‌دانید که در حال حاضر مشغول خواندن چه کتابی است؟

هرگز دو معلم با سبک کار یکسان که بر مسائل یکسانی در آموزش خود تکیه کنند، پیدا نمی‌شود. شما که اولین معلم فرزند خود هستید ممکن است با اخلاق یا روش معلم‌های دیگر اختلاف پیدا کنید. شما حق دارید که معلم را زیر سؤال ببرید اما این کار را در حضور فرزند خود انجام ندهید. اگر در دل فرزندتان نسبت به نحوه‌ای که به او آموزش داده می‌شود شک و تردید ایجاد کنید به طور قطع در کلاس دچار مشکل خواهد شد. وقتی بچه‌ها حس می‌کنند که کار معلمشان مورد تأیید شما نیست برای اطاعت از او و برای توجه به درس و کلاس دلیلی نمی‌بینند. احترام مانند چسبی است که سلسله مراتب کلاس را حفظ می‌کند. اگر شما نسبت به معلمان فرزندتان بی‌احترامی کنید، فرزندانتان نیز احساس می‌کنند که اجازه دارند خود نیز به آنها بی‌احترامی کنند.

روش درست این است که رابطه‌ای با معلم فرزندتان برقرار تا بتوانید به راحتی با او صحبت کنید. معلم باید بتواند بدون گرفتن موضع دفاعی از سوی شما درباره‌ی ضعف‌های فرزندتان صحبت کند. شما باید بتوانید توصیه معلم را درباره‌ی مطالب خواندنی جویا شوید، هنگام اشاره به مشکلات، خونسردی خود را حفظ کنید و در صورت لزوم پیشنهاد خود را برای کارهای کمک آموزشی در خانه بیان یا به نظر معلم گوش کنید. اگر شما و معلم بتوانید مانند یک تیم کار کنید به نفع شاگرد مشترکتان خواهد بود.

۴۸.
انتظار بالایی داشته باشید

> ⚠ در بیمارستان هارلم، برای مدت کوتاهی با پسری به نام جیمز کار کردم که گلوله خورده بود. بسیاری از دندان‌های جیمز روکش طلای بدل داشت و عمده‌ترین مشکل او این بود که چرا دکترها «بی‌خودی» لباس‌های نویِ تنش را پاره کرده بودند. جیمز که ۱۳ سال داشت یک فروشنده‌ی خرده‌پای مواد مخدر بود. من به جیمز گفتم که به بچه‌ها در خواندن کمک می‌کنم و او با لحنی تمسخرآمیز گفت بچه‌های زیادی را می‌شناسد که اصلاً خواندن بلد نیستند اما او و مادرش همان روز صبح سرود روحانی بیست و سوم را از کتاب مقدس خوانده بودند. او در واقع خیلی روان می‌خواند اما از مدرسه دل زده شده بود. جیمز می‌گفت: «معلم‌ها مرا دوست ندارند». بعداً روشن شد که از زمان تولد جیمز، مادرش برای هزینه تحصیل او در دانشگاه پس‌انداز می‌کرده است. جیمز هم مانند مادرش واقعاً انتظار داشت خود را از این وضع آشفته نجات دهد، به دانشگاه برود و یک زندگی خوب داشته باشد.

درباره‌ی این‌که معلم‌ها خود کاری می‌کنند که انتظاراتشان در کلاس برآورده شود چیزهای بسیاری گفته‌اند: دانش‌آموزی که از نظر معلم ناموفق است تقریباً همیشه ناموفق می‌شود و دانش‌آموزی که در نظر معلم موفق است معمولاً طبق پیش‌بینی او به موفقیت دست می‌یابد. اگر با دقت به برخورد معلم با این دانش‌آموزان توجه کنید، الگوهایی را خواهید دید که به طور قطع به نتیجه‌ی پیش‌بینی شده منتهی می‌شود. معلم از دانش‌آموز «ناموفق» کمتر درس می‌پرسد و این دانش‌آموزان

به تدریج تمایل خود را برای بلند کردن دستشان یا شرکت کردن در امور کلاس از دست می‌دهند.

اما معلم از دانش‌آموز «موفق» بیشتر درس می‌پرسد، او را تشویق می‌کند که رهبریِ فعالیت‌ها را در کلاس به‌عهده بگیرد و عموماً مشوق تلاش‌های اوست. وقتی معلم در اوایل سال تحصیلی یک دانش‌آموز را ناموفق رده‌بندی می‌کند می‌توان برای کار او دلایل مختلفی جست‌وجو کرد. شاید به‌دلیل اختلافات بین‌شهری یا تبعیض جنسی یا شاید حتی به‌خاطر شهرت منفی او نزد معلمان سال گذشته باشد. (در مورد جیمز احتمالاً سر و وضع ظاهری و اخلاق او تأثیر مثبتی بر معلم‌ها نداشت). وقتی والدینِ یک کودک او را ناموفق ارزیابی می‌کنند، دلایلی بسیار پیچیده‌تر از این دارد، اما به همین نسبت برای کودک ضرر دارد.

اگر می‌خواهید محیط خانه‌ی خود را مناسب خواندن کنید، یکی از مهم‌ترین قدم‌هایی که می‌توانید بردارید این است که به فرزندانتان بفهمانید که از آنها انتظارات بزرگی دارید. طبق تحقیقی که انجام شد بچه‌هایی که در خانواده‌های کم‌درآمد زندگی می‌کردند اما در خواندن موفق بودند، والدینی داشتند که از آنها انتظار رفتن به دانشگاه را داشتند. درواقع تقریباً همه تحقیقاتی که نقش والدین را در موفقیت بچه‌ها در خواندن بررسی می‌کنند، نشان می‌دهند که برخورد والدین با امور آموزشی و موفقیت‌های بچه‌ها، بسیار مهم‌تر از موقعیت اقتصادی‌ـاجتماعی خانواده آنهاست.

هرچه که بتوانید به فرزندانتان بدهید، باید از نیازهای اساسی آنها، یعنی غذا، لباس، سرپناه، عشق و باور به توانایی‌های آنها شروع کنید. و این نعمت آخر، یعنی باور به توانایی‌های آنهاست که بچه‌ها را از

وضعیت متوسط بالاتر می‌برد و به‌آنها کمک می‌کند که از موانعی مانند معلم‌های بد، امکانات غیرکافی و محیط غیردوستانه عبور کنند و به‌عنوان خواننده، دانش‌آموز و بالاخره بزرگسالانی توانا، تمام استعدادهای بالقوه‌ی خود را شکوفا کنند.

۴۹.

تفاوت‌های بین بچه‌ها را به رسمیت بشناسید

> ⚠ پی. جی با اعضای خانواده‌اش که نسبت به خواندن ولعی سیری‌ناپذیر داشتند به هیچ‌وجه جور درنمی‌آمد. او همیشه بازی‌های پرجنب و جوش و بازی‌های ورزشی را به نشستن و کتاب خواندن ترجیح می‌داد. سر میز غذا برادرها و خواهرهای او با بیان افکار و فلسفه‌هایی که در کتاب‌ها می‌خواندند بر سر جلب توجه والدین خود با هم رقابت می‌کردند. پی‌جی بدون مکث غذا می‌خورد، قبل از تمام شدن غذای سایر اعضای خانواده اجازه می‌گرفت و از سر میز بلند می‌شد و به بیرون از خانه می‌دوید تا بازی کند.
>
> پی. جی در طول رشد خود بیرون از جریان عقلانی حاکم بر خانواده‌ی خود باقی ماند. علی‌رغم این‌که به دانشگاه خوبی رفت و چند مدرک نیز گرفت، هنوز خود را «کودن» می‌نامد.

حتی درون یک خانواده‌ی واحد نیز رشد، گستره‌ی توجه و علایق بچه‌ها می‌تواند بسیار متفاوت باشد. به رسمیت شناختن و احترام گذاشتن به این تفاوتها می‌تواند شما و فرزندانتان را از ناراحتی‌های زیادی در امان دارد.

بعضی از والدین به تفاوت‌های ظاهری یا تفاوت استعدادهای هنری فرزندانشان افتخار می‌کنند اما همین والدین به سختی می‌توانند قبول کنند که رشد شخصیتی یکی از بچه‌ها سریع‌تر از رشد شخصیتی دیگری

صورت می‌گیرد یا یکی از بچه‌ها از فعالیت مورد علاقه‌ی دیگری متنفر است. هرگز نمی‌گویید: «چه بد که چشمان پسرمان سبز است، آخر چشمان سایر اعضای خانواده قهوه‌ای است.» اما اگر پسرتان نتواند خوب بخواند ممکن است به هر غریبه‌ای که می‌رسید بگویید: «وقتی خواهرانش این سن بودند خیلی خوب کتاب می‌خواندند.»

این‌گونه مقایسه‌ها همیشه تأثیر مخرّب دارد. حتی اگر در حضور فرزندانتان اظهار نظر نکنید، آنها اضطراب شما را حس می‌کنند. کودکی که به خواندن علاقه دارد کم‌رو می‌شود، و کودکی که نمی‌تواند خوب بخواند احساس حماقت می‌کند.

اگر کودکی به کلی از خواندن دوری کند ممکن است در یادگیری، یک ناتوانی جزئی داشته باشد که کار خواندن را مشکل و ناخوشایند می‌کند. اگر احساس می‌کنید که ممکن است چنین مشکلی وجود داشته باشد با معلم فرزندتان در این‌باره صحبت کنید. اما به خاطر داشته باشید که برخی از این ناتوانی‌ها هرگز به طور کامل رفع نمی‌شود. ممکن است در مدرسه به فرزندتان توجه ویژه بشود و او نیز بیاموزد که این نقص خود را جبران کند اما شاید هرگز نتواند آن‌طور که شما می‌خواهید سریع بخواند و از خواندن لذت ببرد.

حتی بچه‌هایی که در ظاهر هیچ مشکلی در یادگیری ندارند و دانشمندترین والدین دنیا را دارند ممکن است کارهای دیگر را به خواندن ترجیح بدهند. شما می‌توانید فرزندتان را سر میزی که غذای آن کلم است بنشانید اما نمی‌توانید او را به خوردن آن وادار کنید. خواندن نیز همین‌طور است. بعد از آن‌که همه کارهای لازم را انجام دادید و همه گفتنی‌ها را گفتید، بقیه‌اش به سلیقه‌تان ربط دارد. بهترین کاری که

می‌توانید بکنید این است که میز را طوری بچینید که اشتهای فرزندتان تحریک شود، سپس غذا را در بشقاب‌ها بکشید و امیدوار باشید که الگوی رفتار مناسب شما نتیجه‌ی مورد نظرتان را سبب شود.

۵۰. آرام باشید

⚠ وقتی در شیکاگو دوره‌ی کارآموزی عملی تربیت معلم را می‌دیدیم، آموزش خواندن به دو گروه ضعیف از بچه‌های کلاس اول دبستان را به عهده‌ی من گذاشتند و معلم همکارم نیز به بچه‌های قوی‌تر درس می‌داد. هنوز یادم می‌آید که یکی از ضعیف‌ترین دانش‌آموزان ضعیف‌ترین گروه، که پسربچه‌ی کوچکی به نام اَندی بود، چگونه هنگام برخورد با کلمه‌ای که نمی‌توانست آن‌را بخواند، آنقدر نفس خود را می‌گرفت که کبود شود، و یادم می‌آید که چقدر از کار او ناراحت می‌شدم. او این حقّه را از کجا آموخته بود؟ مسلماً در کتاب نخوانده بود! کار او بسیار ناراحت‌کننده بود اما باعث می‌شد که فشار به سرعت از روی او برداشته شود چون من باعجله کلمه را برای او می‌خواندم یا از دانش‌آموز دیگری می‌خواستم که به جای او بخواند.

مشکل اندی در اولین گردهمایی اولیا و مربیان برایم روشن شد. مادر او که مانند اندی، کوچک‌اندام و عصبی بود مثل فرفره وارد کلاس شد و می‌خواست بداند که چرا فرزندش که هیچ پیشرفتی در مدرسه نمی‌کرد گیر یک دانشجوی کارآموز افتاده بود و چرا حجم تکالیفی که به او می‌دادیم آنقدر کم بود. مادرش هر شب سرخود دو ساعت با او کار می‌کرد و مطمئن بود که حق اندی از مدرسه بیشتر از چیزی بود که دریافت می‌کرد. او مضطرب‌ترین زنی بود که در عمر خود دیده بودم. پس از چند لحظه متوجه شدم که من نیز نفس خود را نگه داشته‌ام و بدین ترتیب با آن پسرک ریزنقش و عصبی که آنقدر مرا غمگین می‌کرد همدلی کردم.

بین توجه فعال به‌دست‌آوردهای فرزندانمان و به‌دست گرفتن کامل زندگی آنها تفاوتی وجود دارد. خط باریکی وجود دارد که داشتن

انتظارات بالا را از انتظارات غیرواقع‌بینانه جدا می‌کند. بسیاری از والدین از روی حُسن نیت و برای دیدن موفقیت فرزندان خود، از این خط عبور می‌کنند و فرزندانشان را به اضطراب‌های فردی خود مبتلا می‌کنند.

ممکن است مادر اندی این پیام‌ها را به صورت واضح به زبان نیاورده باشد اما اندی این پیام‌ها را از او دریافت کرده است:

- معلم تو نمی‌تواند به تو درس بدهد.
- تو نمی‌توانی در مدرسه چیزی بیاموزی.
- تو باید سریع‌تر بیاموزی.
- تو موفق نیستی.
- من می‌دانم که چه چیزی به نفع توست.
- من خودم این مشکل را برای تو حل می‌کنم.
- کار درست و حسابی خواندن است.

اگر فرزندتان نمی‌تواند با موفقیت بخواند طبیعی است که مضطرب شوید. اما لازم است یک قدم عقب بروید، یک نفس عمیق بکشید و به علل عدم موفقیت فرزندتان بیاندیشید. شاید فرزندتان هنوز برای خواندن آماده نیست (مراجعه کنید به روش ۳۳). در مورد اندی مسلماً مشکل همین بود. او از اغلب بچه‌های کلاس اول کم‌سن‌تر و ریزتر بود و در مجموع کمتر رشد کرده بود و اگر یک سال دیگر نیز در کلاس آمادگی می‌ماند به نفع او بود. شاید فرزندتان در یادگیری ناتوانی‌ای داشته باشد که با توجه شخصی یک متخصص به او رفع شود. و شاید هم کارهای دیگر را به خواندن ترجیح می‌دهد. (مراجعه کنید به روش ۴۹)

اکنون به پیام‌هایی که شما می‌خواهید به فرزندتان بدهید بیاندیشید:

- تو می‌توانی.

- اگر به‌کمک نیاز داشته باشی کمکت می‌کنم.
- خواندن لذت‌بخش است.

برای این‌که بتوانید این پیام‌ها را به فرزندتان منتقل کنید باید بتوانید آرام باشید. به فرزندانتان تکالیف اضافی ندهید. از کتاب طنز مورد علاقه‌شان برای آنها بخوانید. اگر نمره‌ی پایین گرفتند قشقرق به پا نکنید. با نشان دادن استفاده‌های عملی خواندن به‌آنها کمک کنید اهمیت خواندن را درک کنند (مراجعه کنید به‌روش‌های ۱۵ـ۱۱). و مهم‌تر از همه این‌که با رفتار خود به‌آنها نشان دهید: خود نیز برای لذت بردن بخوانید.

جان گاتری، استاد آموزش، در تحقیقی نشان داد که مردم به‌دو دلیل می‌خوانند:

۱. برای کسب دانش.
۲. برای لذت و آرام شدن.

اگر به فرزندانتان نشان بدهید که از خواندن لذت می‌برید.

آنها نیز می‌توانند از الگوی شما تقلید کنند اما اگر به‌آنها نشان بدهید که خواندن صرفاً یک تکلیف است که باید انجام شود، و صرفاً به‌کارهای درسی مربوط می‌شود، یا باید برای جلب رضایت شما بخوانند، فرزندانتان را از تجربه‌ی لذت درونی خواندن محروم می‌کنید. اگر چنین کنید فرزندانتان در نهایت هنگام خواندن چنان تنش خواهند داشت که نتوانند با خواندن به‌آرامش دست یابند و هرگز به خواندن عشق نخواهند ورزید.

کلیدهای تربیت کودکان و نوجوانان

از این مجموعه کتابهای زیر منتشر شده است:

- **آمادگی برای زایمان** و مراقبت از نوزاد
- چهل نکته کلیدی برای **شیردادن** به نوزاد
- **آشپزی نوین برای کودکان**، از سه ماهگی تا هیجده ماهگی
- کلیدهای آرام کردن **کودک ناآرام**
- بهترین کلیدهای **تغذیه** برای کودکان و نوجوانان
- **نقش پدر** در مراقبت و تربیت کودک
- **فرزند دوم**، پیامدها و راه حلها
- کلیدهای آموختن به کودکان **دربارهٔ خدا**
- کلیدهای تربیتی برای **والدین تک فرزند**
- کلیدهای پرورش **اعتماد به نفس** در کودکان و نوجوانان
- کلیدهای رویارویی با **مشکلات رفتاری کودکان**
- کلیدهای رویارویی با پدیده **خشونت** در کودکان و نوجوانان
- کلیدهای رفتار با **نوجوانان**
- کلیدهایی برای **بیماریهای کودکان**
- دستورات ایمنی و مراقبت از **آسیب‌های کودکان**
- کلیدهای رویارویی با بیماریهای **حساسیت** در کودکان و نوجوانان
- کلیدهای تربیت فرزند در **خانواده های تک سرپرست**
- کلیدهای پرورش **کودک تیزهوش**
- کلیدهای پیشگیری و مقابله با **اعتیاد** در نوجوان و جوان
- کلیدهای آموزش و مراقبت از **سلامت جنسی** در کودکان و نوجوانان
- کلیدهای **گفتن و شنیدن** با کودکان و نوجوانان
- کلیدهای پرورش **مهارتهای اساسی زندگی** در کودکان و نوجوانان
- کلیدهای رفتار با **کودک یک‌ساله**
- کلیدهای رفتار با **کودک دوساله**
- کلیدهای رفتار با **کودک سه‌ساله**
- کلیدهای رفتار با **کودک چهارساله**
- کلیدهای رفتار با **کودک پنج‌ساله**
- **راهنمای کامل تربیت کودک**
- **ماساژ کودک**
- کلیدهای عادت دادن فرزند به **کار در خانه**
- کلیدهای پرورش **فرزندان امیدوار و موفق**
- کلیدهای همراهی و مراقبت از **نوجوانان در اینترنت**
- کلیدهای پرورش **خلاقیت هنری** در کودکان و نوجوانان
- کلیدهای مقابله با **اضطراب** در کودکان و نوجوانان

کلیدهای تربیت کودکان و نوجوانان

- کلیدهای تربیت و رفتار با **پسرها**
- کلیدهای برخورد با **مشکلات خواب** کودکان
- کلیدهای برخورد با **ناتوانی در یادگیری**
- **چگونه به کودک خود «نه» بگوییم!**
- کلیدهای شناخت و رفتار با **دخترها**
- **پاسخ به والدین**
- کلیدهای پرورش **هوش عاطفی** در کودکان و نوجوانان
- کلیدهای تربیت کودک مبتلا به **سندرم دان**
- راهنمای بهبود روابط **خواهر و برادرها**
- کلیدهای رفتار با **دوقلوها**
- روشهای انتخاب **مهد و پرستار کودک**
- کلیدهای رفتار با کودک مبتلا به **اختلال کمبود توجه**
- کلیدهای موفقیت **پدر ناتنی**
- کلیدهای موفقیت **مادر ناتنی**
- کلیدهای پرورش **احساس امنیت** در کودکان و نوجوانان
- کلیدهای پرورش **فرزند شاد**
- کلیدهای کمک به کودک برای **برخورد با مرگ عزیزان**
- کلیدهای مراقبت از نوزاد **از تولد تا یک سالگی**
- کلیدهای آموختن دربارهٔ کودکان **کم توجه و بیش فعال (ADD/ADHD)**
- کلیدهای برخورد با **لکنت زبان در کودکان**
- کلیدهای پرورش **رفتار و ارزشهای اخلاقی** در کوکان و نوجوانان **(هوش اخلاقی)**
- کلیدهای برخورد با **ترس در نوجوانان**
- **فرهنگ نامها**
- آموزش **دستشویی رفتن** به کودکان
- **تربیت بدون فریاد**

کلیدهای آموزش کودکان و نوجوانان

از این مجموعه کتابهای زیر منتشر شده است:

- ۵۰ روش ساده برای علاقه‌مند کردن فرزند به **مطالعه**
- ۵۰ روش ساده برای علاقه‌مند کردن فرزند به **ریاضی**
- ۵۰ روش ساده برای علاقه‌مند کردن فرزند به **علوم تجربی**
- ۵۰ روش ساده برای علاقه‌مند کردن فرزند به **تاریخ و جغرافی**
- ۵۰ روش ساده برای علاقه‌مند کردن فرزند به **ورزش و سلامتی**
- **وقتی که فرزندان باهوش نمره‌های کم می‌گیرند!**
- **یادگیری شاد**
- **زیبا چیست؟ زیبا کیست؟**

کلیدهای همسران موفق

از این مجموعه کتابهای زیر منتشر شده است:

- ۱۰۰۱ پرسش پیش از ازدواج
- راهنمای مادران شاغل
- تغذیهٔ دوره بارداری
- ده قرار مهم برای زندگی مشترک
- برای روابط بهتر کاری نکنید!
- معجزهٔ گفت‌وگو
- غذاهای فوری

مجموعه کلیدهای بازسازی زندگی پس از طلاق

از این مجموعه کتابهای زیر منتشر شده است:

- تأثیر طلاق بر فرزندان
- فرزندان طلاق از نوزاد تا هفده ساله
- دعوای پدر و مادر
- نخستین خداحافظی
- یک دل و دو خانه
- ورود به خانوادهٔ جدید
- بازسازی زندگی پس از طلاق

ادبیات عرفانی

از این مجموعه کتابهای زیر منتشر شده است:

- هدیه‌ای از فرشتهٔ مادر
- لیلی نام تمام دختران زمین است
- در سینه‌ات نهنگی می‌تپد
- پیامبری از کنار خانه ما رد شد
- من هشتمین آن هفت نفرم
- نامه‌های خط‌خطی
- جوانمرد نام دیگر تو